



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
صلاوة
وسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

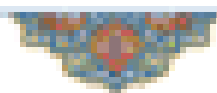
.org

.net

.ir



رسالت بین المللی
حوزه‌های علمیه از نگاه
آیات و روایات



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رسالت بین المللی حوزه های علمیه از نگاه آیات و روایات

نویسنده:

مرکز مدیریت حوزه های علمیه

ناشر چاپی:

حوزه علمیه قم - مرکز مدیریت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	رسالت بین المللی حوزه های علمیه از نگاه آیات و روایات
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۵	فهرست
۲۴	پیشگفتار
۲۸	فصل اول : جایگاه اسلام در عرصه بین الملل
۲۸	اشاره
۲۹	الف) آیات قرآن کریم
۲۹	پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سَلَّمَ رسولی برای همگان
۳۱	من برای تمام بشر نذیر هستم
۳۱	پیامبری از جنس مردم
۳۱	دستور عمومی ایمان به پیامبر صلی الله علیه و اله و سَلَّمَ
۳۲	پیامبر! مردم را از قیامت بترسان
۳۳	قرآن، کتاب یادآوری برای تمام بشر
۳۳	قرآن، خارج کننده مردم از ظلمات به سمت نور
۳۴	ای مردم! حق برای همه شما آمد
۳۴	تبیین قرآن کریم برای تمام جهانیان
۳۵	امت اسلامی، الگوی جهان
۳۵	وحدت امت اسلام رمز پیروزی بر مستکبران جهان
۳۶	ب) روایات پیشوایان معصوم علیهم السَّلَام
۳۶	اشاره
۳۷	پیامبر صلی الله علیه و اله و سَلَّمَ و ائمه علیهم السَّلَام منذر جهانیان
۳۷	پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سَلَّمَ رسولی برای تمام نژادها

- گسترش عدل و داد در جهان از مشرق زمین ۴۲
- اسلام، دین بین المللی ۴۳
- قرآن برای همه مردم و همه زمان ها ۴۷
- پیامبر صلی الله علیه و اله و سَلَّمَ رحمت عالمیان ۴۸
- پیامبر صلی الله علیه و اله و سَلَّمَ منذر عالمیان ۴۸
- رسالت پیامبر صلی الله علیه و اله و سَلَّمَ نسبت به همه مخلوقات ۴۹
- تبلیغ عمومی رسالت علی علیه السَّلَام وظیفه پیامبر صلی الله علیه و اله و سَلَّمَ ۵۰
- پیامبر صلی الله علیه و اله و سَلَّمَ ، بشارت دهنده و بیم دهنده عالمیان ۵۰
- امامان معصوم علیهم السَّلَام حجت های اهل دنیا و مبلغان پیام الهی به اهل عالم ۵۱
- امیرالمؤمنین علی علیه السَّلَام امام همه مردم ۵۲
- محبت علی علیه السَّلَام مفروض بر خلق است ۵۳
- امام، حجت جهانی است ۵۴
- رسالت جهانی پیامبر صلی الله علیه و اله و سَلَّمَ ۵۶
- رسالت حوزه های علمیه در ایجاد وحدت بین مسلمانان ۵۸
- لزوم اتحاد جهانی امت اسلام در برابر بیگانگان ۵۸
- خطبه غدیر و رسالت حوزه های علمیه ۶۰
- تفرقه و جدایی، عامل زوال هر امتی در برابر سایر قدرت های جهانی ۶۰
- فصل دوم : لزوم تبلیغ دین در عرصه بین الملل ۶۴
- اشاره ۶۴
- الف) آیات قرآن کریم ۶۵
- اشاره ۶۵
- توحید و دوری از شرک، نقطه مشترک همه ادیان الهی ۶۵
- برتری اسلام بر تمام ادیان گذشته ۶۶
- تبشیر و انذار، هدف از دعوت عمومی همه پیامبران الهی ۶۷
- لزوم تبعیت تمام اهل کتاب از اسلام به واسطه تبلیغ بین المللی دین اسلام ۶۸
- پیروی از اسلام، رمز رستگاری اهل کتاب ۶۹

- ۷۰ هدایت یک نفر برابر با هدایت یک جهان
- ۷۰ لزوم ابلاغ دین و عدم ترس از کافران
- ۷۱ (ب) روایات پیشوایان معصوم علیهم السَّلَام
- ۷۱ اشاره
- ۷۲ ابلاغ جهانی دین، رسالت اصلی پیامبران
- ۷۳ مراجعه از سراسر دنیا برای فراگیری علم
- ۷۴ لزوم ارسال مبلغان به همه نقاط عالم، برای اتمام حجت و ابلاغ پیام الهی
- ۷۶ فرمانی همه گیر برای امت اسلام، برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر
- ۷۷ اهمیت هدایت یک نفر به اسلام
- ۷۷ هدایت یک نفر، مساوی هدایت همه مردم
- ۷۸ دعوت مردم به اسلام، وصیت پیامبر صلی اللّٰه علیه واله و سَلَّمَ
- ۷۹ اهمیت تبلیغ و هدایت یک نفر بر روی زمین از نگاه پیامبر صلی اللّٰه علیه واله و سَلَّمَ
- ۸۰ ای عیسی! به پیروانت فرمان ده تا در زمان اسلام، از اسلام پیروی کنند
- ۸۱ موفقیت امیر المومنین علی علیه السَّلَام در تبلیغ خارج از کشور
- ۸۳ فصل سوم : ثواب و برکات تبلیغ دین از نگاه پیشوایان معصوم علیهم السَّلَام
- ۸۳ اشاره
- ۸۴ استغفار حیوانات برای مبلّغ دین
- ۸۵ فضیلت هدایت یک نفر در روی زمین از نگاه امام محمد باقر علیه السَّلَام
- ۸۶ فضیلت هدایت یتیمان آل محمد صلی اللّٰه علیه واله و سَلَّمَ
- ۸۷ فضیلت خارج کردن مسلمانان از جهالت
- ۸۸ فضیلت تعلیم مسلمانان در برابر کفار
- ۸۹ دوام ثواب تعلیم به مردم حتی پس از مرگ
- ۹۱ دعای پیامبر صلی اللّٰه علیه واله و سَلَّمَ در حق مبلغان دین
- ۹۳ فصل چهارم : لزوم تبلیغ دین برای مسلمانان دیگر کشورها در روایات حضرات معصومین علیهم السَّلَام
- ۹۳ اشاره
- ۹۴ اهمیت دفاع علمی و دینی از مسلمانان در برابر کفار

- ۹۶ لزوم ابلاغ و تقویت بنای اعتقادی جهانیان در برابر بدعت ها
- ۹۷ لزوم تقویت علمی مردم در برابر کافران
- ۹۹ جلوگیری از ایجاد هرگونه تحریف در اسلام
- ۱۰۰ تقویت علمی محبان ائمه علیهم السَّلَام در برابر کافران
- ۱۰۱ قدرت مند کردن علمی مسلمانان علیه کافران، بسان زنده کردن همه مردم
- ۱۰۴ فصل پنجم : موضوعات تبلیغی در عرصه بین الملل از نگاه امامان معصوم علیهم السَّلَام
- ۱۰۴ اشاره
- ۱۰۵ ویژگی مبلِّغ بین المللی، لطیف، مثل گل بی خار
- ۱۰۶ لزوم آشنایی با فرهنگ و زبان جامعه هدف در سراسر دنیا
- ۱۰۷ فرار از فتنه عمومی با پشتوانه محبت پیامبر صلی اللّٰه علیه واله وَ سَلَّمَ و اهلبیت علیهم السَّلَام
- ۱۰۸ پیامد عالم گیر تعلیم محاسن کلام اهل بیت علیهم السَّلَام به انسان ها
- ۱۱۰ سفارش های تبلیغی پیامبر صلی اللّٰه علیه واله وَ سَلَّمَ به یک مبلِّغ بین المللی
- ۱۱۱ سهل گیری، بنای اسلام در تبلیغ دین
- ۱۱۲ ذکر نعمت های خداوند برای تمام بندگان از رسالت های مهم پیامبران
- ۱۱۳ رحمت خداوند بر معلمان علوم ائمه علیهم السَّلَام
- ۱۱۵ فصل ششم : شیوه پیامبر صلی اللّٰه علیه واله وَ سَلَّمَ و ائمه اطهار علیهم السَّلَام در دعوت به اسلام و سفارش های آنان به مبلِّغان بین المللی
- ۱۱۵ اشاره
- ۱۱۶ رسالت های بین المللی اصحاب حضرت رسول اکرم صلی اللّٰه علیه واله وَ سَلَّمَ
- ۱۱۶ رسالته الی هُوَذَهٗ بِن عَلِیِّ الْحَنْفِیِّ
- ۱۱۷ نامه به هوذه بن علی حنفی
- ۱۱۷ اعزاز مبلِّغ زبان دان
- ۱۱۸ تبلیغ اسلام با عملکرد خوب
- ۱۱۹ مکاتبات بین المللی پیامبر صلی اللّٰه علیه واله وَ سَلَّمَ برای دعوت به اسلام
- ۱۱۹ نامه به شش کشور جهان
- ۱۱۹ نامه به پادشاه ایران
- ۱۲۰ نامه به اهالی نجران

- ۱۲۱ نامه به مردم یمن
- ۱۲۱ نامه به پادشاه اسکندریه
- ۱۲۳ نامه به پادشاه روم
- ۱۲۴ نامه به پادشاه بحرین
- ۱۲۵ نامه به قوم یهود
- ۱۲۵ نامه به قوم یهود بنی قینقاع
- ۱۲۵ اشاره
- ۱۲۵ لزوم ارسال مبلغان به همه نقاط عالم، برای اتمام حجت و ابلاغ پیام الهی
- ۱۲۶ اعزام مبلّغ به کشور بحرین
- ۱۲۷ اعزام مبلّغ به حبشه
- ۱۲۸ اعزام مبلّغ به روم
- ۱۲۹ اعزام مبلّغ به یمن
- ۱۲۹ اعزام مبلّغ به سرزمین هند
- ۱۳۰ اعزام مبلّغ به شام
- ۱۳۰ اشاره
- ۱۳۳ پرهیز از جنگ و جدال در ایام تبلیغ
- ۱۳۳ روش امام حسن عسکری علیه السّلام در تبلیغ
- ۱۳۵ خصومت با دشمن، ممنوع
- ۱۳۶ سفارش امام صادق علیه السّلام
- ۱۳۸ با اعمال تان، چراغ هدایت باشید
- ۱۳۸ مسلمانان، از گناه دوری کنند
- ۱۳۹ با عملکرد خود، مبلّغ اسلام باشید
- ۱۳۹ با عملکرد مثبت زینت پیشوایان معصوم علیهم السّلام باشیم
- ۱۴۱ فصل هفتم : علمای شیعه در زمان غیبت، عامل هدایت انسان ها
- ۱۴۱ اشاره
- ۱۴۲ علما، طلایه داران حرکت امامان معصوم علیهم السّلام در سراسر عالم

- ۱۴۲ ----- عالمان دین، سگان داران کشتی هدایت شیعه
- ۱۴۳ ----- علماء امین خداوند بر خلق
- ۱۴۴ ----- وجوب حضور مؤثر علماء در تمام عرصه های بین المللی مرتبط با اسلام
- ۱۴۴ ----- علماء هدایت کنندگان اهل زمین
- ۱۴۵ ----- فکر و ایده فقیه در هدایت مردم، جهانی است
- ۱۴۵ ----- علمای شیعه، نور هدایت جهانیان در عصر غیبت
- ۱۴۶ ----- علماء، مدافعان شیعه از شر شیطان
- ۱۴۷ ----- خاتمه
- ۱۴۸ ----- منابع و مأخذ
- ۱۵۴ ----- درباره مرکز

رسالت بین المللی حوزه های علمیه از نگاه آیات و روایات

مشخصات کتاب

رسالت بین المللی حوزه های علمیه از نگاه آیات و روایات

معاونت بین المللی حوزه های علمیه

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم زهرا سوسنی

ص: 1

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 2

رسالت بین المللی حوزه های علمیه از نگاه آیات و روایات

معاونت بین الملل حوزه های علمیه

ص: 3

پیشگفتار... 11

فصل اول: جایگاه اسلام در عرصه بین الملل... 15

الف) آیات قرآن کریم... 16

پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و سلم رسولی برای همگان... 16

من برای تمام بشر نذیر هستم... 18

پیامبری از جنس مردم... 18

دستور عمومی ایمان به پیامبر صلی الله علیه واله و سلم... 18

پیامبر! مردم را از قیامت بترسان... 19

قرآن، کتاب یادآوری برای تمام بشر... 20

قرآن، خارج کننده مردم از ظلمات به سمت نور... 20

ای مردم! حق برای همه شما آمد... 21

تبیین قرآن کریم برای تمام جهانیان... 21

امت اسلامی، الگوی جهان... 22

وحدت امت اسلام رمز پیروزی بر مستکبران جهان... 22

ب) روایات پیشوایان معصوم علیهم السّلام... 23

پیامبر صلی الله علیه واله و سلم و ائمه علیهم السّلام مندر جهانیان... 24

پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و سلم رسولی برای تمام نژادها... 24

گسترش عدل و داد در جهان از مشرق زمین... 29

اسلام، دین بین المللی ... 30

قرآن برای همه مردم و همه زمان ها ... 34

پیامبر صلی الله علیه واله و سلم، رحمت عالمیان... 35

پیامبر صلی الله علیه واله و سلم، منذر عالمیان ... 35

رسالت پیامبر صلی الله علیه واله و سلم، نسبت به همه مخلوقات ... 36

تبلیغ عمومی رسالت علی علیه السلام و وظیفه پیامبر صلی الله علیه واله و سلم ... 37

پیامبر صلی الله علیه واله و سلم بشارت دهنده و بیم دهنده عالمیان... 37

امامان معصوم علیهم السلام حجت های اهل دنیا و مبلغان پیام الهی به اهل عالم... 38

امیر المؤمنین علی علیه السلام، امام همه مردم ... 39

محبت علی علیه السلام مفروض بر خلق است... 40

امام، حجت جهانی است .. 41

رسالت جهانی پیامبر صلی الله علیه واله و سلم ... 43

رسالت حوزه های علمیه در ایجاد وحدت بین مسلمانان ... 45

لزوم اتحاد جهانی امت اسلام در برابر بیگانگان... 45

خطبه غدیر و رسالت حوزه های علمیه ... 47

تفرقه و جدایی، عامل زوال هر امتی در برابر سایر قدرت های جهانی... 47

فصل دوم: لزوم تبلیغ دین در عرصه بین الملل ... 51

الف) آیات قرآن کریم... 52

توحید و دوری از شرک، نقطه مشترک همه ادیان الهی ... 52

برتری اسلام بر تمام ادیان گذشته ... 53

تبشیر و انذار، هدف از دعوت عمومی همه پیامبران الهی ... 54

لزوم تبعیت تمام اهل کتاب از اسلام به واسطه تبلیغ بین المللی دین اسلام...55

پیامبر صلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ ، حقایق را برای اهل کتاب، تبیین می نماید ... 55

ص: 6

پیروی از اسلام، رمز رستگاری اهل کتاب... 56

هدایت یک نفر برابر با هدایت یک جهان... 57

لزوم ابلاغ دین و عدم ترس از کافران... 57

ب) روایات پیشوایان معصوم علیهم السَّلام... 58

ابلاغ جهانی دین، رسالت اصلی پیامبران... 59

مراجعه از سراسر دنیا برای فراگیری علم... 60

لزوم ارسال مبلّغان به همه نقاط عالم، برای اتمام حجت و ابلاغ پیام الهی... 61

فرمانی همه گیر برای امت اسلام، برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر... 63

اهمیت هدایت یک نفر به اسلام... 64

هدایت یک نفر، مساوی هدایت همه مردم... 64 65 66

دعوت مردم به اسلام، وصیت پیامبر صلی اللّٰه علیه واله و سلّم... 65

اهمیت تبلیغ و هدایت یک نفر بر روی زمین از نگاه پیامبر صلی اللّٰه علیه واله و سلّم... 66

ای عیسی! به پیروانت فرمان ده تا در زمان اسلام، از اسلام پیروی کنند... 67

موفقیت امیرالمومنین علی علیه السَّلام در تبلیغ خارج از کشور... 68

فصل سوم: ثواب و برکات تبلیغ دین از نگاه پیشوایان معصوم علیهم السَّلام... 70

استغفار حیوانات برای مبلّغ دین... 71

فضیلت هدایت یک نفر در روی زمین از نگاه امام محمد باقر علیه السَّلام... 72

فضیلت هدایت یتیمان آل محمد صلی اللّٰه علیه واله و سلّم... 73

فضیلت خارج کردن مسلمانان از جهالت... 74

فضیلت تعلیم مسلمانان در برابر کفار... 75

دوام ثواب تعلیم به مردم حتی پس از مرگ... 76

مبلّغ دین اسلام، زنده کننده انسان ها...77

دعای پیامبر صلی الله علیه واله و سلّم در حق مبلّغان دین...78

ص: 7

فصل چهارم: لزوم تبلیغ دین برای مسلمانان دیگر کشورها در روایات حضرات معصومین علیهم السَّلام... 80

اهمیت دفاع علمی و دینی از مسلمانان در برابر کفار... 81

لزوم ابلاغ و تقویت بنای اعتقادی جهانیان در برابر بدعت‌ها... 83

لزوم تقویت علمی مردم در برابر کافران... 84

جلوگیری از ایجاد هر گونه تحریف در اسلام... 86

تقویت علمی محبان ائمه علیهم السَّلام در برابر کافران... 87

قدرت مند کردن علمی مسلمانان علیه کافران، بسان زنده کردن همه مردم... 88

فصل پنجم: موضوعات تبلیغی در عرصه بین الملل از نگاه امامان معصوم علیهم السَّلام... 91

ویژگی مبلّغ بین المللی، لطیف، مثل گل بی خار... 92

لزوم آشنایی با فرهنگ و زبان جامعه هدف در سراسر دنیا... 93

فرار از فتنه عمومی با پشتوانه محبت پیامبر صلی الله علیه واله و سلّم و اهل بیت علیهم السَّلام... 94

پیامد عالم گیر تعلیم محاسن کلام اهل بیت علیهم السَّلام به انسان‌ها... 95

سفارش های تبلیغی پیامبر صلی الله علیه واله و سلّم به یک مبلّغ بین المللی... 97

سهل گیری، بنای اسلام در تبلیغ دین... 98

ذکر نعمت های خداوند برای تمام بندگان از رسالت های مهم پیامبران... 99

رحمت خداوند بر معلمان علوم ائمه علیهم السَّلام... 100

فصل ششم: شیوه پیامبر صلی الله علیه واله و سلّم و ائمه اطهار علیهم السَّلام در دعوت به اسلام و سفارش های آنان به مبلّغان بین

المللی... 102

رسالت های بین المللی اصحاب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه واله و سلّم... 103

رسالت الهی هودّه بن علی الحنفی... 103

- نامه به هود بن علی حنفی... 104
- اعزام مبلغ زبان دان... 104
- تبلیغ اسلام با عملکرد خوب... 105
- مکاتبات بین المللی پیامبر صلی اللہ علیہ والہ و سَلَّم برای دعوت به اسلام... 106
- نامه به شش کشور جهان... 106
- نامه به پادشاه ایران... 106
- نامه به اهالی نجران... 107
- نامه به مردم یمن... 108
- نامه به پادشاه اسکندریه... 108
- نامه به پادشاه روم... 110
- نامه به پادشاه بحرین... 111
- نامه به قوم یهود... 112
- نامه به قوم یهود بنی قینقاع... 112
- لزوم ارسال مبلغان به همه نقاط عالم، برای اتمام حجت و ابلاغ پیام الهی... 112
- اعزام مبلغ به کشور بحرین... 113
- اعزام مبلغ به حبشه... 114
- اعزام مبلغ به روم... 115
- اعزام مبلغ به یمن... 116
- اعزام مبلغ به سرزمین هند... 116
- اعزام مبلغ به شام... 117
- پرهیز از جنگ و جدال در ایام تبلیغ... 120

روش امام حسن عسکری علیه السلام در تبلیغ... 120

خصوصیت با دشمن، ممنوع... 122

سفارش امام صادق علیه السلام... 123

ص: 9

با اعمال تان، چراغ هدایت باشید...125

مسلمانان، از گناه دوری کنند...125

با عملکرد خود، مبلغ اسلام باشید...126

با عملکرد مثبت زینت پیشوایان معصوم علیهم السَّلام باشیم...126

فصل هفتم: علمای شیعه در زمان غیبت، عامل هدایت انسان ها...128

علماء، طلایه داران حرکت امامان معصوم علیهم السَّلام در سراسر عالم...129

عالمان دین، سگان داران کشتی هدایت شیعه...129

علماء، امین خداوند بر خلق...130

وجوب حضور مؤثر علماء در تمام عرصه های بین المللی مرتبط با اسلام...131

علماء، هدایت کنندگان اهل زمین...131

فکر و ایده فقیه در هدایت مردم، جهانی است...132

علمای شیعه، نور هدایت جهانیان در عصر غیبت...132

علماء، مدافعان شیعه از شرّ شیطان...133

خاتمه...134

منابع و مآخذ...135

ص: 10

«وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (1)

"و برای آنها پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند و ما به آنها انجام کارهای نیک و بر پا داشتن نماز و ادای زکات را وحی کردیم، و آنها فقط مرا عبادت می کردند."

رسالت پیام آوران وحی در هر عصری، هدایت بشریت است. مخاطبان مورد نظر رسولان الهی به منطقه و جغرافیای خاصی محدود نیستند؛ بلکه موضوع رسالت، هدایت انسان است و تفاوت هایی مانند رنگ، زبان، نژاد و ... در هدایت و محدوده آن دخیل نیست، بلکه دین، خود در گزاره های مختلفی این تفاوت ها را معرفی کرده و انسانیت و کمالات انسانی را ملاک برتری دانسته است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ»

در این میان، حوزه های علمیه به عنوان نهادی که تمام تلاش خویش را در فهم صحیح دین و تبلیغ آن به کار می گیرد تمام هویت خویش را

ص: 11

در بیداری و هدایت بشر می‌داند. موفقیت حوزه‌های علمیه در رسیدن به این هدف، در گرو شناخت صحیح مناطق مختلف جهان و سلاتق و دغدغه‌های فرهنگی هر منطقه و هم‌چنین دانستن و شناخت فرهنگ و زبان مخاطبان به عنوان اولین راه برای انتقال سخن دین و رساندن پیام الهی به آنهاست.

بنابراین، وقتی ابلاغ رسالت الهی به منطقه و زمان خاصی محدود نیست باید به این مهم توجه کرد که زمینه‌ها و ابزار رساندن این رسالت عظیم فراهم شود. دین مبین اسلام که جامع، کامل و جهانی است بیش از هر زمان دیگر نیاز بشر امروزی به شمار می‌آید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، در طول تاریخ، این رسالت را به خوبی به نسل‌های بعدی منتقل کردند و پس از آن بزرگواران نیز وارثان حقیقی پیامبران علیهم السلام، سکان تبیین و ترویج رسالت را به دست گرفتند. علما و اندیشمندان در مقاطع مختلف تاریخی در عرصه بین‌الملل، همواره با عزم راسخ معارف بلند الهی را در سراسر گیتی ترویج نموده‌اند و از کیان اسلام و اهل بیت علیهم السلام دفاع نمودند.

در عصر کنونی بارقه‌های امید و دمیدن صبح و اشعه‌های بشارت دهنده طلوع خورشید موعود، چشمان بشر خفته را نوازش داده و موج نشاط و شیدایی را در دل‌های منتظران آفریده است. وعده‌ای که خداوند در کتاب زبور به داود علیه السلام داد و در آخرین کتاب آسمانی، نوید نزدیکی صبح تاریخ و اراده تردید ناپذیر اسلام و امامت و پیشوایی مستضعفان و خلافت مؤمنان و وراثت صالحان را بر سرتاسر کره زمین اعلام فرمود. اکنون که پیشوای بزرگ دینی و سلاله پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم امام

خمینی قُدس سِرّه با بهره گیری از دستاوردهای هزارساله عالمان و مجاهدان پیشین تاریخ اسلام توانست اولین نظام حکومتی جمهوری اسلامی را در سرزمین ما بر پا سازد و حوزه های علمیه در پناه اقتدار نظام اسلامی فرصتی یافتند تا از صدف های درخشان متون مقدس دینی مرواریدها و آموزه های تابناک و نظام های معرفتی ارزشمند را استخراج کرده تا مشعل راه سعادت بشر معاصر گردد.

حضور عالمان دینی و حوزه های علمیه برای تبلیغ دین و رساندن معارف اسلام ناب به تمام آحاد بشریت، رسالت و تکلیفی قطعی است که جز با تجهیز طلاب و فضلاء به توان مندی های تبلیغ بین المللی امکان پذیر نمی باشد.

آنچه در این مجموعه گرد آمده، جایگاه و اهمیت رسالت دینی روحانیت و حوزه های علمیه از نگاه برخی آیات و روایات است. امید است که این مجموعه به عنوان سند جامع دینی در رویکرد بین المللی حوزه های علمیه مورد استفاده قرار گیرد.

اثر حاضر، مشتمل بر برخی از فرازهای ارزش مند و روشنگر از رسالت بین المللی حوزویان با الهام از بخشی از آیات و روایات اسلامی است که مسئولان مدیریت حوزه ها و اساتید و نویسندگان روحانی می توانند با اقتباس از این کلمات نورانی، راه بردها، راه کارها و برنامه هایی را طراحی و اجرا نمایند تا ثمره آن تربیت و آموزش ده ها هزار زبان دان فاضل و مبلغ توانمند در عرصه های بین المللی و جهانی باشد و از این رهگذر آموزه های اسلام ناب و اهل بیت علیهم السّلام به تشنگان حقیقت و معنویت در سرتاسر گیتی برسد.

در پایان از تمام کسانی که در تدوین و جمع آوری این اثر تلاش نموده اند، به ویژه اداره مطالعات معاونت بین الملل حوزه های علمیه تشکر و قدردانی به عمل می آید.

محمد حسن زمانی معاون بین الملل حوزه های علمیه

ص: 14

فصل اول : جایگاه اسلام در عرصه بین الملل

اشاره

ص: 15

پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و سلم رسولی برای همگان

قرآن، در آیات فراوانی، دین اسلام را یک دین جامع جهانی و فرا منطقه ای می خواند و تأکید می کند که رسول خدا صلی الله علیه واله و سلم فرستاده ای برای تمام جهانیان و قران کتابی برای همه بشر و اسلام دین جهانی و خاتم ادیان است. دسته ای از آیات قرآن که شاهد بر این حقیقت اند عبارتند از:

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛» (1)

و ما تورا جز برای همه مردم نفرستادیم تا [آنها را به پاداش های الهی] بشارت دهی و [از عذاب او] بترسانی، ولی بیشتر مردم نمی دانند!

«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ

ص: 16

«وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبَعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (1)

بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم؛ همان خدایی که حکومت آسمان ها و زمین، از آن اوست؛ معبودی جز او نیست؛ زنده می کند و

می میراند؛ پس ایمان بیاورید به خدا و فرستاده اش، آن پیامبر درس نخوانده ای که به خدا و کلماتش ایمان دارد؛ و از او پیروی کنید تا هدایت یابید!

«تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (2)

زوال ناپذیر و پر برکت است کسی که قرآن را بر بنده اش نازل کرد تا بیم دهنده جهانیان باشد.

«مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» (3)

و ما تو را رسول برای مردم فرستادیم؛ و گواهی خدا در این باره، کافی است!

«وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (4)

ما تو را جز برای رحمت جهانیان نفرستادیم.

ص: 17

1- سورة الاعراف (7)، آیه 158

2- سورة الفرقان (25)، آیه 1

3- سورة نساء (4)، آیه 79

4- سورة انبیا (21)، آیه 107

«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ»؛ (1)

بگو: «ای مردم! من برای شما بیم دهنده آشکاری هستم!»!

پیامبری از جنس مردم

«أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ»

(2)

آیا برای مردم، موجب شگفتی بود که به مردی از آنها وحی فرستادیم که مردم را [از عواقب کفر و گناه] بترسان، و به کسانی که ایمان آورده اند بشارت ده که برای آنها، سابقه نیک [و پاداش های مسلم] نزد پروردگارشان است؟! [اما] کافران گفتند: «این مرد، ساحر آشکاری است».

دستور عمومی ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»

(3)

ای مردم! پیامبر [ی که انتظارش را می کشیدید،] حق را از جانب پروردگارتان آورد؛ به او ایمان بیاورید که برای شما بهتر است! و اگر کافر شوید، (به خدا زبانی

نمی رسد، زیرا) آنچه در آسمان ها و زمین

ص: 18

1- سوره حج (22)، آیه 49

2- سوره یونس (10)، آیه 2

3- سوره نساء (4) آیه 170

است از آن خداست، و خداوند، دانا و حکیم است.»

پیامبر! مردم را از قیامت بترسان

«وَأَذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخِّرْنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبْ دَعْوَتَكَ وَتَتَّبِعِ الرَّسُولَ أُولَٰئِكَ تَكُونُوا آفَئِدَةً مِّنْ قَبْلِ مَا لَكُم مِّنْ زَوَالٍ؛» (1)

و مردم را از روزی که عذاب الهی به سراغشان می آید، بترسان! آن روز که ظالمان می گویند: پروردگارا! مدت کوتاهی ما را مهلت ده، تا دعوت تو را بپذیریم و از پیامبران پیروی کنیم! [اما پاسخ می شنوند که] مگر قبلا سوگند یاد نکرده بودید که زوال و فناپی برای شما نیست؟!

« وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَفَرَزْنَا قَالَ فَأَشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ» (2)

و [به خاطر بیاورید] هنگامی را که خداوند، از پیامبران و [پیروان آنها]، پیمان مؤکد گرفت، که هرگاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید! سپس [خداوند] به آنها گفت: «آیا به این موضوع، اقرار دارید؟ و بر آن، پیمان مؤکد بستید؟» گفتند: « [آری] اقرار داریم!» [خداوند به آنها] گفت: «پس گواه باشید! و من نیز با شما از گواهانم.»

ص: 19

1- سوره ابراهیم (14)، آیه 44

2- سوره آل عمران (3)، آیه 81

در آیات یادشده واژه هایی مانند «الناس، جميعا، عالمين، البشر آمده است» و خطاب آیه به پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و سلم است که ایشان فرستاده شده برای تمام مردم می باشد. پس دین و کلامی را که پیامبر صلی الله علیه واله و سلم می آورد به منطقه خاصی اختصاص ندارد. حوزه های علمیه و علما نیز مأمورند تا کلام پیامبر صلی الله علیه واله و سلم را به تمام انسان ها در سراسر دنیا برسانند تا ادامه دهنده راه ایشان باشند.

قرآن، کتاب یادآوری برای تمام بشر

«أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ اقْتَدِهْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (1)

آنها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده؛ پس به هدایت آنان اقتدا کن! [و] بگو: «در برابر این [رسالت و تبلیغ]، پاداشی از شما نمی طلبم! این [رسالت]، چیزی جز یک یادآوری برای جهانیان نیست! [این وظیفه من است].

«... وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ» (2)

و این قرآن فقط مایه تذکر و پند برای بشر است.

قرآن، خارج کننده مردم از ظلمات به سمت نور

«الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

ص: 20

1- سوره انعام (6)، آیه 90

2- سوره مدثر (74)، آیه 31

إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ؛» (1)

الر، [این] کتابی است که بر تو نازل کردیم، تا مردم را از تاریکی ها [ی شرک و ظلم و جهل]، به سوی روشنایی [ایمان و عدل و آگاهی]، به فرمان پروردگارشان در آوری، به سوی راه خداوند عزیز و حمید.

ای مردم! حق برای همه شما آمد

«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِكَيِّلٍ» (2)

بگو: ای مردم! حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده؛ هر کس [در پرتو آن] هدایت یابد، برای خود هدایت شده؛ و هر کس گمراه گردد، به زیان خود گمراه می گردد؛ و من مامور [به اجبار] شما نیستم!

تبیین قرآن کریم برای تمام جهانیان

«بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (3)

[از آنها پرسید که] از دلایل روشن و کتب [پیامبران پیشین آگاهند!] و ما این ذکر [قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن سازی؛ و شاید اندیشه کنند!

ص: 21

1- سوره ابراهیم (14)، آیه 1

2- سوره یونس (10)، آیه 108

3- سوره نحل (16)، آیه 44

در این آیات قرآن کتابی فرستاده شده برای هدایت تمام انسان ها معرفی شده است؛ بنابراین، محتوای قرآن باید توسط حوزه های علمیه و علمابه تمام کشورها و مردم به هر زبانی ابلاغ شود تا هدف نزول قرآن که ابلاغ برای تمام بشر است تحقق یابد و همگان از معارف عمیق قرآن بهره مند شوند.

امت اسلامی، الگوی جهان

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» (1)

همان گونه که [قبله شما، یک قبله میانه است] شما را نیز، امت و میانه ای قرار دادیم [در حد اعتدال، میان افراط و تفریط؛] تا بر مردم گواه باشید؛ و پیامبر هم بر شما گواه است....

وحدت امت اسلام رمز پیروزی بر مستکبران جهان

«إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (2)

این است امت شما که امتی یگانه اند، و منم پروردگار شما، پس مرا بپرستید.

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصَدَّبَ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنْ

ص: 22

1- سوره بقره (2)، آیه 143

2- سوره الانبیاء (21)، آیه 92

التَّارِ فَأَتَقَدَّكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛» (1)

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را بر خود، یاد کنید، آن گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل های شما الفت انداخت، تا به برکت نعمت او برادر شدید، و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه، خداوند، نشانه های خود را برای شما روشن می دارد، باشد که راه یابید.

آیات شریفه یادشده بیانگر آن است که دین اسلام، قرآن و پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سَلَّمَ رسالتی جهانی داشته و برای تمام انسان ها آمده اند نه منطقه یا افراد خاصی. بدین جهت، حوزه علمیه، طلاب و علما که عهده دار ترویج این دین را بر عهده گرفته اند و خود را نماینده و جانشین ایشان می دانند نیز باید منطقه تبلیغی و رسالت خویش را تمام جهان و افراد بشر بدانند تا بدین طریق رسالت جهانی دین اسلام را ادامه دهند. بنابراین، برای ابلاغ پیام اسلام به جهان باید تمام مقدمات آن را که لازمه انتشار اسلام در دنیاست را فراگیرند تا در این راه به موفقیت کامل برسند.

(ب) روایات پیشوایان معصوم علیهم السَّلَامُ

اشاره

روایات اهل بیت علیهم السَّلَامُ بیانگر این مطلب هستند که پیامبر صلی الله علیه و اله و سَلَّمَ برای تمام بشر فرستاده شده است و کلام وی نسخه شفابخش تمام انسان هاست. دسته دیگر از روایات اهل بیت علیهم السَّلَامُ قرآن را کتابی جهانی و نازل شده برای تمام انسان ها می خواند و دسته دیگر بیانگر این حقیقت اند که

ص: 23

دین اسلام بر مشرق و مغرب زمین گسترش می یابد و دینی جهانی خواهد شد. اینک به برخی از این روایات اشاره می کنیم:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام منذر جهانیان

از عیاشی - زراره و حمران از حضرت باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده است که در آیه «وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ»، منظور از

(مَنْ بَلَغَ) ائمه علیهم السلام هستند که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مردم را به وسیله قرآن، هشدار می دهند.

ابو خالد کابلی از حضرت امام باقر علیه السلام نقل کرد که فرمود: هر کس از بازماندگان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به مقام امامت برسد، همانند اوصیا بوسیله قرآن هشدار می دهد؛ همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هشدار می داد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم رسولی برای تمام نژادها

«عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ جَاءَ نَفَرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالُوا يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ الَّذِي تَزْعُمُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَنْتَ الَّذِي يُوحَى إِلَيْكَ كَمَا أُوحِيَ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَكَتَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ نَعَمْ أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آدَمَ وَ لَا فَخْرَ وَ أَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ قَالُوا إِلَى مَنْ إِلَى الْعَرَبِ أَمْ إِلَى الْعَجَمِ أَمْ إِلَيْنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَذِهِ الْآيَةَ - قُلْ يَا مُحَمَّدُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً» (1)

از امام حسن مجتبی علیه السلام روایت شده که چند تن از یهود خدمت

ص: 24

حضرت امام علی بن حسین علیه السَّلَامُ می فرماید: ابوطالب با شمشیر خود از پیامبر صلی الله علیه واله و سَلَّمَ دفاع و با جان و دل از ایشان نگرهبانی و نگهداری می کرد. چون مرگ ابوطالب فرا رسید دعوت پیامبر صلی الله علیه واله و سَلَّمَ قوی و کلامش برتر شده بود، ولی قریش همچنان در دشمنی و رشک و رزیدن نسبت به ایشان پایداری می کردند، و در این هنگام پیش ابوطالب علیه السَّلَامُ آمدند و رسول خدا هم آن جا بودند.

.. قریش گفتند: ای ابوطالب! از او پرس آیا خداوند او را ویژه ما فرستاده است یا برای همه مردم. ابوطالب گفت: ای برادر زاده آیا برای همه مردم بر انگیزته شده ای یا فقط برای قوم خود؟ فرمود: برای همه مردم از سفید و سیاه و سرخ و عرب و غیر عرب مبعوث شده ام و سوگند به کسی که جان من در دست اوست من سفید و سیاه را و هر کس که بر سر کوه ها و موج های دریاهاست به این آیین فرا می خوانم و فارسیان و رومیان را هم همین امسال به این کار فرا می خوانم.»

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَى مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شَرَائِعَ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى التَّوْحِيدَ وَالْإِخْلَاصَ وَخَلَعَ الْأَنْدَادِ . . . وَأَرْسَلَهُ كَافَّةً إِلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ وَالْجِنِّ وَالْإِنْسِ؛ (1)

از امام صادق علیه السَّلَامُ روایت شده است که فرمود: خداوند متعال به حضرت محمد صلی الله علیه واله و سَلَّمَ شریعت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهما السَّلَامُ را عطا فرمود که آنها عبارتند از توحید، اخلاص و دور انداختن نظیرهای

ص: 26

خدا .. (همچنین خداوند متعال ایشان را) برای دعوت همه مردم اعم از جن و انس و سیاه و سفید فرستاد.»

«عن رسول الله صلى الله عليه واله وسلم : ان الله بعث كل نبي كان قبلي إلى أمته بلسان قوميه، وبعثني إلى كل أسود وأحمر بالعربية؛» (1)

از پیامبر اکرم صلی الله علیه واله وسلم روایت شده که فرمود: پیش از من هر پیامبری به زبان قوم خود به سوی امتش فرستاده شده، ولی خداوند مرا به زبان عربی به سوی هر سیاه و سفیدی فرستاده است.»

قال رسول الله : يا بني عبد المطلب ، إن الله بعثني إلى الخلق كافةً وبعثني إليكم خاصةً فقال عز وجل وأنذر عشيرتک الأقربين (2) و أنا أدعوكم إلى كلمتين خفيفتين على اللسان ثقيلتين في الميزان تملكون بهما العرب والعجم و تنقاد لكم بهما الأمم و تدخلون بهما الجنة و تنجون بهما من النار شهادة أن لا إله إلا الله و أني رسول الله؛ (3)

رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم به فرزندان عبد المطلب فرمود: ای فرزندان عبد المطلب! همانا خدای تعالی مرا به سوی همه مردمان و به ویژه به جانب شما فرستاده (و در این باره دستور جداگانه داده) و فرموده است: «و خویشاوندان نزدیک خویش را انداز کن» اکنون من شما را به دو کلام که گفتن آن بر زبان راحت است، اما در ترازوی اعمال سنگین است فرا می خوانم که به سبب آن، فرمانروای عرب و عجم خواهید شد و همه

ص: 27

1- امالی طوسی، ص 57

2- سوره شعراء (26)، آیه 114

3- روضة الواعظین، ج 1، ص 54

امت ها فرمان بردار شما گردند و (روز قیامت) نیز به وسیله آن به بهشت وارد شوید و از آتش دوزخ رهایی یابید؛ (آن دو کلام) گواهی دادن به یگانگی خدا و رسالت من از جانب اوست.»

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَعْطَيْتُ جَوَامِعَ الْكَلِمِ وَأُرْسِلْتُ إِلَى النَّاسِ كَأَفَّةٍ وَفِيهِ مِنْ حَدِيثِ جَابِرٍ وَبُعِثْتُ إِلَى كُلِّ أَحْمَرَ وَ أُسْوَدَ؛»⁽¹⁾

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرمودند: (همانا) جامع ترین سخنان به من داده شده و به سوی همه مردم فرستاده شدم. در حدیث جابر چنین آمده است: (همانا) من مبعوث شده ام به سوی هر سرخ پوست و و سیاه پوستی.»

«عن ابی ثعلبة الخشنی قال قدم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم غزاة له فدخل المسجد فصلى فيه ركعتين و كان يعجبه إذا قدم من سفر أن يدخل بالمسجد فيصلی فيه ركعتين ویشی بفاطمة ثم یاتی أزواجه فقدم من سفره مرة فاتی فاطمة فبدا بها قبل بیوت أزواجه فاستقبلته علی باب البيت فاطمة فجعلت تقبل وجهه و فی لفظ فاه و عینیه و تبکی فقال لها رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ما یبکیک قالت اراک یا رسول الله قد شحبت لونک و اخلولقت ثیابک فقال لها رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یا فاطمة لا تبکی فان الله بعث أباک علی أمر لا یبقی علی ظهر الارض بیت مدر ولا وبر ولا شعر إلا أدخله الله به عزا أو ذلا حتی یبلغ حیث یبلغ اللیل؛»⁽²⁾

از «ابو ثعلبه خشنی» روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس از

ص: 28

1- بحار الأنوار، ج 60، ص 293

2- کنز العمال، ج 1، ص 304، ح 1448

بازگشت از غزوه ای، وارد مسجد شد و دو رکعت نماز گزارد. آن گاه از مسجد بیرون رفت و پیش از آن که به نزد همسرانش برود، به ملاقات حضرت زهرا علیها السَّلَامُ شتافت. حضرت فاطمه علیها السَّلَامُ به استقبالش آمد و در حالی که اشک می ریخت، شروع کرد به بوسیدن رخسار و چشمان پدرش؛ رسول اکرم صلی الله علیه واله وَ سَلَّمَ پرسید: چرا گریه می کنی؟ عرض کرد: می بینم که رنگ از رخسارت دگرگون شده! پیغمبر اکرم صلی الله علیه واله وَ سَلَّمَ فرمود: ای فاطمه! خدای تعالی پدرت را به امر مهمی مبعوث کرده که روی زمین، خانه و خیمه ای نیست مگر این که اگر صاحبان آنها دعوت مرا بپذیرند، عزت و خوش بختی در آن وارد خواهد شد و اگر دعوت مرا نپذیرند، ذلت و خواری در خانه شان را خواهد گشود و این دعوت (به اسلام و عزت) پیش می رود تا زمانی که شب پیش می رود!»

در این احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه واله وَ سَلَّمَ دعوت خود را شامل تمام انسان ها اعم از عرب و عجم و سیاه و سفید و سرخ و هر که در هر مکانی و

کشوری است می داند. حوزه های علمیه اکنون باید اینگونه بیاندهند و دعوت خود را اختصاص به افراد یا منطقه ای خاص ندانند.

گسترش عدل و داد در جهان از مشرق زمین

«وَعَنْ عَلَدَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِذْ أَقْبَلَ فِتْيَةٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ فَلَمَّا رَأَاهُمُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اغْرُورَقَتْ عَيْنَاهُ وَتَغَيَّرَ لَوْنُهُ قَالَ فَقُلْنَا مَا نَزَّالَ نَرَى فِي وَجْهِكَ شَيْئًا نَكْرَهُهُ قَالَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اللَّهِ لَنَا الْآخِرَةُ عَلَى الدُّنْيَا وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي بَلَاءً وَتَشْرِيداً وَتَطْرِيداً حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَ مَعَهُمْ رَايَاتٌ سُودٌ فَيَسْأَلُونَ الْخَيْرَ وَلَا يُعْطَوْنَ فَيَقَاتِلُونَ

فَيَنْصَرُونَ فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا وَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَدْفَعُوهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلُؤُهَا قِسَ طَاءً وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتُوهَا جَوْرًا فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِهِمْ وَلَوْ حَبْنًا عَلَى التَّلَجِّ؛» (1)

عده بن عبدالله گوید: در خدمت پیامبر خدا صلی الله علیه واله و سلم نشسته بودیم که چند جوان از بنی هاشم از آنجا گذشتند. رنگ پیامبر صلی الله علیه واله و سلم دگرگون شد. عرض کردیم: ای پیامبر خدا! ما پیوسته در چهره شما حالت ناخوشایند و ناراحت کننده ای می بینیم. فرمود: ما خاندانی هستیم که خداوند برای ما آخرت را بر دنیا برگزید. پس از من، خانواده من گرفتار بلا و آوارگی و تبعید خواهند شد تا آن که مردمی از این جا - با دستش به مشرق اشاره کرد - با پرچم های سیاه قیام کنند که حق را طلب می کنند، اما به آنان نمی دهند. دوباره حق را می طلبند، اما باز به آنان نمی دهند، پس به جنگ و مقاومت دست می زنند تا آن که خواسته آنان را می دهند اما ایشان نمی پذیرند تا آن را به مردی از خاندان من دهند که دنیا را پر از عدل و داد

می کند همچنان که آکنده از انحراف و بی عدالتی شده بود. هر کس این مردم را درک کند، حتی اگر شده باخزیدن بر روی برف، به آنان بیوندد.»

اسلام، دین بین المللی

«عن النبي صلى الله عليه واله و سلم لا يبقى على ظهر الأرض بيت مדר ولا وبر إلا أدخل الله عليهم كلمة الإسلام بعز عزيز و بذل ذليل أما يعزهم الله فيجعلهم من أهلها

ص: 30

أَوْ يُذِلُّهُمْ فَيَدِينُونَ لَهَا؛» (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه واله و سلم می فرماید: هیچ خانه و خیمه ای در روی زمین نمی ماند مگر این که خداوند کلمه اسلام را با عزت بخشیدن عزیز و خوار کردن ذلیل، وارد آنها می کند؛ یا خداوند صاحبان آن خانه ها و خیمه ها را عزت می بخشد و آنان را از اهل کلمه اسلام قرار می دهد و با خفت و خواری در برابر آن گردن می نهند.»

«قال رسول الله صلى الله عليه واله و سلم: يَظْهَرُ هَذَا الدِّينُ حَتَّى يُجَاوِزَ الْبِحَارَ وَ تَخَاضُ الْبِحَارُ بِالْخَيْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (2)

پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و سلم می فرماید: این دین ظاهر می شود و برای پیش برد آن حتی به اطراف دریاها و اعماق آب ها با اسب در راه خدا سفر

می کنید.»

«قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ خُطْبِهِ ثُمَّ إِنَّ هَذَا الْإِسْلَامَ دِينُ اللَّهِ الَّذِي اصَّ طَفَاهُ لِنَفْسِهِ وَ اصَّ طَنَعَهُ عَلَى عَيْنِهِ وَ اصَّ فَمَاهُ خَيْرَةَ خَلْقِهِ وَ أَقَامَ دَعَائِمَهُ عَلَى مَحَبَّتِهِ أَذَلَّ الْأَدْيَانَ بَعْرَهُ وَ وَضَعَ الْمِثْلَ بِرَفْعِهِ؛» (3)

حضرت علی علیه السلام در یکی از خطبه های خود می فرماید: اسلام دین خدا می باشد که آن را برای خود برگزید و به خویشان اختصاص داد و اساس و پایه های آن را مخصوص خود گردانید، و او را به بهترین مخلوقات خود عطا کرد تا آن را در جهان تبلیغ کند و به مردم برساند.

ص: 31

1- کنز العمال، ج 1، ص 98، ح 437؛ مرآة العقول، ج 5، ص 137

2- منیه المرید، ص 137؛ بحار الانوار، ج 2، ص 111

3- بحار الأنوار، ج 65، ص 344، ح 16

خداوند متعال چون به اسلام علاقه داشت پایه و اساس آن استوار کرد. ادیان را با عزت اسلام از اعتبار انداخت و ملت ها را با سر بلندی اسلام از مقامی که داشتند پایین آورد.»

«رَوَى بِأَسَانِيدٍ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ ذَكَرَ كُوفَةَ وَقَالَ سَتَتَخَلُّو كُوفَةَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَأْزُرُ [يَأْرُزُ] عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ [تَأْرُزُ] الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبِلْدَةِ يُقَالُ لَهَا قُمْ وَتَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضَعٌ عَفٌّ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتُ فِي الْحِجَالِ وَذَلِكَ عِدَّةٌ قَرُبَ ظُهُورِ قَائِمِنَا فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَأَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا وَلَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ فَيَفِيضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ فَيَتِمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغْ إِلَيْهِ الدِّينُ وَالْعِلْمُ ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ؟ وَيَسِيرُ سَبَبًا لِنِقْمَةِ اللَّهِ وَسَخَطِهِ عَلَى الْعِبَادِ لِأَنَّ اللَّهَ لَا يَنْتَقِمُ مِنَ الْعِبَادِ إِلَّا بَعْدَ انْكَارِهِمْ حُجَّةً» (1)

به چند سند از امام صادق علیه السلام روایت شده که نام کوفه را برد و فرمود: به زودی کوفه از مؤمنان خالی شود و دانش از او نماند، همان طور که مار در سوراخش نماند، سپس دانش در شهری پدید آید که آن را قم گویند و معدن علم و فضل گردد تا آن جا که در روی زمین هیچ نادانی نسبت به دین نماند و حتی به نوح عروسان پرده نشین برسد. این نزدیک به ظهور قائم ما باشد و خدا قم و مردمش را جانشینان مقام حجت قرار می دهد. و اگر آن نباشد زمین، اهلس را فرو برد و

ص: 32

حجتی در زمین نماند، و دانش از آن به همه در مشرق و مغرب بلاد منتشر گردد و حجت خدا بر مردم تمام شود تا کسی در روی زمین نماند که علم و دین بدو نرسد؛ سپس قائم؟ ظهور کند و سبب انتقام و خشم خدایی بر بنده ها شود؛ زیرا خدا از بنده ها انتقام نگیرد مگر پس از این که حجت را انکار کنند.»

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ احْتَجَّ بِالْكُوفَةِ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَى غَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْبِلَادِ وَاحْتَجَّ بِبَلَدَةِ قُمَّ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَبِأَهْلِهَا عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَلَمْ يَدْعِ اللَّهَ قُمَّ وَأَهْلُهُ مُسْتَضْعَفًا بَلْ وَقَّهَهُمْ وَأَيَّدَهُمْ ثُمَّ قَالَ إِنَّ السَّيِّئِينَ وَأَهْلَهُمْ يَقُمُّ ذَلِيلٌ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَأَسْرَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ فَخَرَبَ قُمَّ وَبَطَلَ أَهْلُهُ فَلَمْ يَكُنْ حُجَّةً عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ لَمْ تَسَّ تَقَرَّ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَلَمْ يُنْظَرُوا طَرْفَةً عَيْنٍ وَإِنَّ الْبَلَايَا مَدْفُوعَةٌ عَنْ قُمَّ وَأَهْلِهَا وَسَيَأْتِي زَمَانٌ تَكُونُ بَلَدَةُ قُمَّ وَأَهْلُهَا حُجَّةً عَلَى الْخَلَائِقِ وَذَلِكَ فِي زَمَانٍ غَيْبِيَةٍ قَائِمِنَا إِلَى طُهورِهِ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا» (1)

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: خدا کوفه را حجت دیگر شهرها قرار داد و مؤمنانش را حجت بر مردم بلاد دیگر و قم را حجت شهرهای دیگر نمود و مردمش را حجت بر اهل مشرق و مغرب از پری و آدمی. و قم و مردمش را مستضعف وانگذاشت، بلکه به آنها کمک کرد و توفیق داد، سپس فرمود: دین و اهل دین در قم، خوار و

ص: 33

زبونند و گرنه مردم بدان جا شتافتند و قم و ایران می شد و مردمش از میان می رفتند و حجت بر بلاد دیگر نمی شد، و آنکه آسمان و زمین بر پا نمی ماند و یک چشم بر هم زدن مهلت نمی داشتند و راستی که بلاها از قم و مردم قم به دورند، و البته زمانی آید که شهر قم و مردمش حجت بر همه آفریده ها باشند و آن در زمان غیبت امام قائم علیه السّلام تا ظهورش خواهد بود، و اگر آن نباشد زمین اهلش را فرو برد.»

در این دور روایت چند واژه و عبرت وجود دارد که بیانگر رسالت بین المللی حوزه های علمیه است. «احتج ببلدة قم علی سائر البلاد و باهلها علی جمیع اهل المشرق و المغرب من الجن و الانس» «فیفیض العلم منه الی سائر البلاد فی المشرق و المغرب» «حتی لا یبقی احد علی الارض لم یبلغ الیه الدین» «فیتم حجه الله علی الخلق». این عبارات، گویای آن هستند که حوزه علمیه قم و علما، عهده دار اتمام حجت بر تمام دنیا و مسئول ارسال علم و دین به تمام دنیا هستند و این مسئولیت باید انجام شود تا احدی روی زمین بدون اتمام حجت باقی نماند.

قرآن برای همه مردم و همه زمان ها

«عَنِ الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا بَالُ الْقُرْآنِ لَا يَزْدَادُ عَلَى النَّسْرِ وَالذُّرْسِ إِلَّا غَضَاظَةً فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لِرِمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَ لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛» (1)

ص: 34

حضرت رضا علیه السَّلَامُ از پدر بزرگوارش روایت کرده است که مردی از حضرت صادق علیه السَّلَامُ پرسید چگونه است قرآن که هر چه نشر دهند و درس گویند باز تازگی دارد؟ فرمود: حق تعالی قرآن را برای زمانی خاص و از برای مردمی خاص قرار نداده است؛ پس قرآن در هر زمان جدید است و نزد هر قومی تا روز قیامت تازگی دارد.»

امام رضا علیه السَّلَامُ در این حدیث قرآن را برای مردمی خاص یا زمانی خاص محدود نمی کند. عبارت «لم يجعله لزمان دون زمان ولناس دون ناس» بیانگر آن است که محتوای قرآن باید برای تمام انسان های روی زمین ترجمه و ابلاغ شود و این مهم بر عهده حوزه های علمیه است.

پیامبر صلی الله علیه و سلم رحمت عالمیان

«عن الصادق عليه السَّلَامُ قَالَ : أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِلنَّاسِ كَافَّةً وَجَعَلَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ فَصَدَعَ بِمَا أُمِرَ بِهِ وَبَلَغَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ» (1)

امام صادق علیه السَّلَامُ می فرماید: همانا خداوند، محمد صلی الله علیه و سلم را به سوی همه مردم برانگیخت و او را برای همه جهانیان رحمت قرار داد، پس آن حضرت بدان چه مأمور شده بود بیان فرمود، و پیام پروردگارش را (به مردم) رسانید.»

پیامبر صلی الله علیه و سلم منذر عالمیان

«قال الامام على عليه السَّلَامُ : إِنَّ اللَّهَ [تعالی] بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ وَ

ص: 35

امام علی علیه السَّلَامُ می فرماید: خداوند، پیامبر اسلام، حضرت محمد صلی اللّٰه علیه واله وَ سَلَّمَ را هشدار دهنده جهانیان مبعوث فرمود، تا امین و پاسدار وحی الهی باشد.

رسالت پیامبر صلی اللّٰه علیه واله وَ سَلَّمَ نسبت به همه مخلوقات

«عَنْ زُرَّارَةَ حُمْرَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ وَهِيَ أَظْلَلَةٌ فَأَرْسَلَ رَسُولَهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ كَذَّبَهُ ثُمَّ بَعَثَهُ فِي الْآخِرَةِ آمَنَ بِهِ مَنْ كَانَ آمَنَ بِهِ فِي الْأُظْلَمَةِ وَجَحَدَهُ مَنْ جَحَدَ بِهِ يَوْمَئِذٍ فَقَالَ فَمَا كَانُوا لِيَوْمِئِذٍ بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ»

(2)

زراره و حمران از امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السَّلَامُ نقل کرده اند که فرمودند: همانا خداوند متعال خلق را در عالم ذر آفرید، آنگاه رسول خود حضرت محمد صلی اللّٰه علیه واله وَ سَلَّمَ را فرستاد. بعضی ایمان آوردند و بعضی تکذیبش کردند، آن گاه پیغمبر را در آفرینش دیگر مبعوث کرد، آنهایی که در آن جا به او ایمان آورده بودند ایمان آوردند و آن هایی انکارش کردند در این جا نیز انکارش کردند.

در این سه حدیث پیامبر اکرم صلی اللّٰه علیه واله وَ سَلَّمَ مبعوث، رحمت و نذیر برای تمام انسان ها معرفی شده است. و آن بدین معناست که محتوای رسالت پیامبر صلی اللّٰه علیه واله وَ سَلَّمَ باید به گوش جهانیان برسد.

ص: 36

1- بحار الأنوار، ج 18، ص 226، ح 68

2- تفسیر عیاشی، ج 2، ص 126

تبلیغ عمومی رسالت علی علیه السّلام وظيفه پیامبر صلی الله علیه واله و سَلَّمَ

«حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْكَاطِمِ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْعَبَّاسَ عِنْدَ مَوْتِهِ فَخَلَّاهُ وَقَالَ لَهُ يَا أَبَا الْفَضْلِ اعْلَمْ أَنَّ مِنْ أَحْتِجَاجِ رَبِّي عَلَيَّ تَبْلِيغِي النَّاسَ عَامَةً وَأَهْلَ بَيْتِي خَاصَةً وَوَلَايَةَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ!»

(1)

امام کاظم از پدرانش علیهم السّلام، روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه واله و سَلَّمَ در هنگام ارتحال، عباس را دعوت کرد و با او خلوت نمود، و فرمود: یا ابا الفضل! بدان که خداوند به من امر کرد همه مردم و اهل بیتم را به صورت ویژه به ولایت علی علیه السّلام فراخوانم. اینک هر کس

می خواهد کافر شود و هر کس می خواهد ایمان بیاورد...

در این روایت با توجه به عبارت «تبلیغی الناس عامه... ولایة علی» پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و سَلَّمَ می فرماید: ولایت علی علیه السّلام را باید برای تمام مردم بیان کنم؛ لذا در حضور حجاج مناطق مختلف در غدیر خم آن را ابلاغ فرمودند؛ از این رو اکنون باید دستور پیامبر صلی الله علیه واله و سَلَّمَ توسط حوزه های علمیه و علما اجرا شده و ولایت امام علی علیه السّلام به تمام مردم دنیا در دوران معاصر ابلاغ شود.

پیامبر صلی الله علیه واله و سَلَّمَ ، بشارت دهنده و بیم دهنده عالمیان

«عن النبي يَا أَبَا ذَرٍّ!.. اعْلَمْ أَنَّ أَوَّلَ عِبَادَةِ اللَّهِ الْمَعْرِفَةُ بِهِ -... ثُمَّ الْإِيمَانُ بِي - وَ الْإِقْرَارُ بِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَرْسَلَنِي إِلَى كَافَّةِ النَّاسِ - بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ دَاعِيًا»

ص: 37

إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجاً مُنِيرًا - ثُمَّ حُبُّ أَهْلِ بَيْتِي الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً»(1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به اباذر فرمود: ای اباذر! بدان که اول عبادت و پرستش خدا، شناختن اوست... بعد از شناسایی خدا ایمان آوردن به من است و اقرار به این که خدای تعالی مرا به سوی تمام بشر فرستاده است. مژده دهنده و بیم دهنده و خواننده به سوی خدا به فرمانش فرستاده، مرا چراغی روشن فرستاد، سپس دوست داشتن خاندان من؛ آنان که خداوند پلیدی را از آنان دور کرده.»

در این حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: بعد از شناخت خداوند، یک مسلمان باید به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و این که ایشان برای تمام مردم فرستاده شده اقرار نماید. این اقرار گویای آن است که مؤمن باید همانند پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که برای تمامی جهانیان فرستاده شده، به اندازه خود تلاش کند تا بتواند اسلام را در سطح جهانی تبلیغ و گسترش دهد و معطوف به منطقه خاصی ننماید.

امامان معصوم علیهم السلام حجت های اهل دنیا و مبلغان پیام الهی به اهل عالم

«المعصوم علیه السلام فی زیارة ائمة البقیع علیهم السلام: السلام علیکم ایها الحجاج علی اهل الدنیا، السلام علیکم ایها القوام فی البریة بالقسط، السلام علیکم اهل الصفوة، السلام علیکم اهل النجوى. أشهد أنکم قد بلغتم، و نصحتتم، و صبرتم»

ص: 38

فی ذاتِ اللّهِ ، وَ كَذَّبْتُمْ ، وَ أَسَىٰ ءِ إِلَیْكُمْ ، فَعَفَوْتُمْ. (1) (2)

معصوم علیهم السّلام در زیارت امامان بقیع علیهم السّلام می فرماید:

سلام بر شما که بر مردم دنیا حجت! هستید! سلام بر شما بریادارندگان عدالت در میان آفریدگان! سلام بر شما ای گروه برگزیده! سلام بر شما ای اهل نجوا [های شبانه]! شهادت می دهم که شما ابلاغ کردید و خیرخواهی نمودید و در راه خدا پایداری ورزیدید، در حالی که تکذیب تان کردند و با شما بدرفتاری نمودند؛ اما شما بخشیدید.

در این فقره از زیارت اهل بیت علیهم السّلام «الحجج علی اهل الدنیا» نامیده شده اند و آن بیانگر این است که کلام ائمه علیهم السّلام باید برای اتمام حجت به گوش تمام جهانیان برسد و لازمه این کار آن است که مبلغان حوزه علمیه با ابزارهای بین المللی کلام اهل بیت علیهم السّلام را به تمام بشر ابلاغ کنند.

امیرالمؤمنین علی علیه السّلام امام همه مردم

«قال امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السّلامُ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَقَامَنِي لِلنَّاسِ كَأَفَّةٍ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ فَقَالَ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيَّْ مَوْلَاهُ فَبُعْدًا وَ سُحْقًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ؛» (3)

امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرمود: پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و سَلَّمَ در روز غدیر خم مرا پیشوای تمام مردمان کرد و گفت: هر که را من سرور هستم علی نیز سرور

ص: 39

1- بحار الانوار، ج 97، ص 203

2- الخصال، ج 2، ص 574

3- کافی، ج 4، ص 559؛ تهذیب الأحكام، ج 6، ص 79، الفقیه، ج 2، ص 575، کامل الزیارات، ج 118، ص 130

اوست. پس دوری از رحمت خدا و لعنت بر ستمکاران باد.»

این حدیث، گویای آن است همان طور که رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و سلم رسالتی جهانی است، رسالت خلیفه ایشان نیز جهانی است. امام علی علیه السلام از واژه «للناس كافة» استفاده نمودند و این واژه، گویای رسالت بین المللی حضرت است و واژه «من» با اطلاقش شامل تمام انسان هاست، همان طور که پیامبر ص رسول تمام مردم است؛ لذا حوزه های علمیه باید کلمات و سیره حضرت علی علیه السلام را به تمام دنیا عرضه کنند.

محبت علی علیه السلام مفروض بر خلق است

«عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ جَاءَنِي جِبْرِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِوَرَقَةٍ آسٍ خَصْرَاءٍ مَكْتُوبٍ فِيهَا بَيَاضٌ إِنِّي افْتَرَضْتُ مَحَبَّةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى خَلْقِي عَامَةً فَبَلَّغْتُهُمْ ذَلِكَ عَنِّي» (1)

از جابر بن عبد الله از رسول خدا صلی الله علیه واله و سلم نقل کرده که حضرت فرمود: جبرئیل از جانب خداوند بر من نازل شد، با یک ورقه سبز رنگی که در آن به خط سفید نوشته شده بود: همانا که من محبت علی بن ابی طالب علیه السلام را بر همه خلقم واجب کرده ام. ای محمد، تو از جانب من این پیام را به همه برسان.»

خداوند متعال در این حدیث، محبت به امام علی علیه السلام را بر تمام مردم «خلقی عامه» واجب کرده است، اما کنون غیر مسلمانان کسی به امیرالمومنین علیه السلام محبتی ندارد و آن به خاطر عدم شناخت و جهل دیگر

ص: 40

مردمان به شخصیت و مقامات امام علی علیه السّلام است. بدین جهت بر حوزه های علمیه واجب است تا شخصیت و سیره زندگی حضرت علی علیه السّلام را به تمام مردم دنیا عرضه و ترجمه و ابلاغ کنند تا به تبع آن خواست خداوند درباره وجوب محبت علی علیه السّلام تحقق پیدا کند.

امام، حجت جهانی است

«عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَكْرِ الْأَرْجَانِيِّ قَالَ صَحِبْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ مِنَ الْمَدِينَةِ فَنَزَلْنَا مَنْزِلًا يُقَالُ لَهُ عُسْفَانَ . . . قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَهَلْ يَرَى الْإِمَامُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ فَقَالَ يَا ابْنَ بَكْرٍ فَكَيْفَ يَكُونُ حُجَّةً عَلَى مَا بَيْنَ قَطْرَيْهَا وَهُوَ لَا يَرَاهُمْ وَلَا يَحْكُمُ فِيهِمْ وَكَيْفَ تَكُونُ حُجَّةً عَلَى قَوْمٍ غُيِّبَ لَا يَدْرُ عَلَيْهِمْ وَلَا يَقْدِرُونَ عَلَيْهِ وَكَيْفَ يَكُونُ مُؤَدِّيًا عَنِ اللَّهِ وَشَاهِدًا عَلَى الْخَلْقِ وَهُوَ لَا يَرَاهُمْ وَكَيْفَ يَكُونُ حُجَّةً عَلَيْهِمْ وَهُوَ مَحْجُوبٌ عَنْهُمْ وَقَدْ حِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُ أَنْ يَقُومَ بِأَمْرِ رَبِّهِ فِيهِمْ وَاللَّهُ يَقُولُ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ يَعْنِي بِهِ مَنْ عَلَى الْأَرْضِ وَالْحُجَّةُ مِنْ بَعْدِ النَّبِيِّ يَقُومُ مَقَامَهُ وَهُوَ الدَّلِيلُ عَلَى مَا تَشَاجَرَتْ فِيهِ الْأُمَّةُ وَالْأَخِذُ بِحُقُوقِ النَّاسِ وَالْقِيَامُ بِأَمْرِ اللَّهِ وَالْمُنْصِيفُ لِبَعْضِهِمْ مِنْ بَعْضٍ فَإِذَا لَمْ يَكُنْ مَعَهُمْ مِنْ يَنْفُذُ قَوْلَهُ وَهُوَ يَقُولُ سَدُّ نُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ فَأَيُّ آيَةٍ فِي الْآفَاقِ غَيْرِنَا أَرَاهَا اللَّهُ أَهْلَ الْآفَاقِ وَقَالَ مَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا فَأَيُّ آيَةٍ أَكْبَرُ مِنَّا» (1)

عبد الله بن بكر ارجانی گفت: در خدمت حضرت صادق علیه السّلام بودم در سفری از مدینه به مکه، به منزلی فرود آمدم که عسفان نامیده می شد

ص: 41

... گفتم: فدایت شوم! آیا امام، بین مشرق و مغرب را می بیند؟ فرمود: پس چگونه می تواند حجت و امام باشد برای مشرق و مغرب با این که آنها را نبیند و حکم نکند در میان ایشان. و چگونه حجت خواهد بود بر مردمی که از دیده او پنهانند نه او بر آنها قدرت دارد و نه آنها بر او؟ چگونه سفیر از جانب خدا و شاهد و گواه بر خلق است با این که امام آنها را نمی بیند و چگونه حجت بر آنهاست با این که پنهان از نظر اویند و فاصله باشد بین آنها و بین انجام مأموریت پروردگار میان آنها، با این که خداوند می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ» منظور، تمام مردم زمین هستند و حجت پس از پیامبر، جانشین او خواهد بود با این که او راهنمای اختلافات بین مردم است و مدافع حقوق آنهاست و قیام به امر خدا می کند و داد یکی را از دیگری می گیرد در صورتی که نباشد در میان آنها کسی امر خدا را میان آنها اجرا کند با این که می فرماید: «سَدُّ تُرَيْهَمَ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ» پس کدام نشانه ای در آفاق جز ماهست که خدا به اهل زمین نشان داده و فرموده است: «مَا تُرَيْهَمُ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا» کدام آیه بزرگ تر از ما است.

«قال علي بن ابيطالب عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه واله وسلم... قَالَ فَمَا بَالُ أَقْوَامٍ يُعَيِّرُونِي بِقِرَاتِي وَقَدْ سَمِعُونِي أَقُولُ فِيهِمْ مَا أَقُولُ مِنْ تَفْضِيلِ اللَّهِ تَعَالَى إِيَّاهُمْ وَمَا اخْتَصَّاهُمْ بِهِ مِنْ إِذْهَابِ الرَّجْسِ عَنْهُمْ وَتَطْهِيرِ اللَّهِ إِيَّاهُمْ... هُمْ حُجَجُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَشُهَدَاؤُهُ عَلَى خَلْقِهِ مَنْ أَطَاعَهُمْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ عَصَاهُمْ عَصَى اللَّهَ هُمْ مَعَ الْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ مَعَهُمْ لَا يُفَارِقُهُمْ وَلَا يُفَارِقُونَهُ حَتَّى يَرِدُوا عَلَيَّ حَوْضِي وَأَوَّلُ الْأَيِّمَةِ أَخِي عَلِيُّ خَيْرُهُمْ ثُمَّ ابْنِي حَسَنٌ ثُمَّ ابْنِي حُسَيْنٌ ثُمَّ

امیر المومنین علی علیه السّلام فرمود: ... رسول خدا صلی الله علیه و اله و سَلَّمَ فرمود: چرا بعضی ها مرا به خویشانم شماتت می کنند با آن که از من شنیده اند که من درباره آنان گفته ام که خداوند آنان را برتری بخشیده و ویژه گردانیده ایشان را به دور کردن پلیدی و پاکیزه شان فرموده است...

آنان حجت های خداوند در روی زمینند و شاهدان خدا در میان خلقتش؛ هر کس آنان را فرمان برد خدا را فرمان برده است و هر کس از آنان سر باز زند از خدا سر باز زده است. آنان با قرآنند و قرآن با آنان است. نه قرآن از آنان جدا می شود و نه آنان از قرآن جدا می شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند و نخستین امامان، برادر علی علیه السّلام است، که بهترین شان است، سپس پسر حسن علیه السّلام، سپس پسر حسین علیه السّلام، سپس نه نفر از فرزندان حسین علیهما السّلام - و حدیث را تا آخر نقل کرده است.»

رسالت جهانی پیامبر صلی الله علیه و اله و سَلَّمَ

«فی، [تفسیر القمی] عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الطَّائِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ حَفْصِ الْكُنَاسِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ بَكْرٍ الْأَرْجَانِيَّ قَالَ قَالَ لِي الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ [أَخْبَرَنِي عَنِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ عَامًا لِلنَّاسِ أَلَيْسَ قَدْ قَالَ اللَّهُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ وَ مَا أُرْسَدْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ لِأَهْلِ الشَّرْقِ وَ الْغَرْبِ وَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ هَلْ بَلَغَ رِسَالَتُهُ إِلَيْهِمْ كُلَّهُمْ قُلْتُ لَا أَدْرِي قَالَ يَا ابْنَ بَكْرٍ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الْمَدِينَةِ

ص: 43

فَكَيْفَ بَلَغَ أَهْلَ الشَّرْقِ وَالْعَرَبِ قُلْتُ لَا أَدْرِي قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَمَرَ جِبْرَائِيلَ فَأَقْتَلَعَ الْأَرْضَ بِرِيشَةٍ مِنْ جَنَاحِهِ وَنَصَبَهَا لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَكَانَتْ بَيْنَ يَدَيْهِ مِثْلَ رَاحَتِهِ فِي كَفِّهِ يَنْظُرُ إِلَى أَهْلِ الشَّرْقِ وَالْعَرَبِ وَيُخَاطِبُ كُلَّ قَوْمٍ بِالسِّتْرِ وَيَدْعُوهُمْ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى نُبُوَّتِهِ بِنَفْسِهِ فَمَا بَقِيَتْ قَرْيَةٌ وَلَا مَدِينَةٌ إِلَّا وَدَعَاهُمْ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِنَفْسِهِ» (1)

در تفسیر قمی از حفص کناسی نقل شده که گفت شنیدم عبدالله بکر ارجانی گفت: امام جعفر صادق علیه السلام به من فرمود: به من بگو که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای تمام مردم مبعوث شده بود؛ این گونه نیست که خداوند در کتابش فرموده: نفرستادیم تورا مگر برای تمام مردم اهل شرق و غرب و اهل آسمان و زمین اعم از جن و انس. حال آیا رسالت خود را به تمام آنها رساند. گفتم: نمی دانم. امام فرمود: ای پسر بکر بدرستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از مدینه خارج نشد، پس چگونه رسالت را به اهل شرق و غرب رساند. گفتم نمی دانم. فرمود: خداوند متعال به جبرئیل دستور داد که زمین را در پری از بالش قرار دهد و در مقابل محمد صلی الله علیه و آله و سلم قرار بدهد، پس زمین مثل گودی کف دست در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و به اهل شرق و غرب می نگریست و هر قومی را به زبان خودشان مورد خطاب قرار می داد و خودش آنها را به خدا و رسالتش فرا می خواند، پس هیچ روستا و شهری نماند مگر این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خودش آنها را فرامی خواند.

ص: 44

«الامام الصادق عليه السلام: خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ، صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ، وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ، وَأَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَإِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَكُونُوا الْأَيْمَةَ وَالْمُؤَدِّينَ فَافْعَلُوا؛ فَإِنَّكُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا: هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيَّةُ؛ رَحِمَ اللَّهُ جَعْفَرًا مَا كَانَ أَحْسَنَ مَا يُؤَدِّبُ أَصْحَابَهُ!»

امام صادق عليه السلام: با مردم (اهل سنت)، طبق [آداب و] اخلاق خود آنها رفتار کنید، و در مساجد آنان نماز بخوانید، و بیمارانشان را عیادت کنید، و در تشییع جنازه های آنان شرکت جوید، و اگر می توانید، عهده دار امامت نماز و اذان گویی شوید، که اگر چنین کنید، خواهند گفت: «اینها پیروان جعفرند. رحمت خدا بر جعفر؛ چه قدر یارانش را خوب تربیت کرده است!»⁽¹⁾

لزوم اتحاد جهانی امت اسلام در برابر بیگانگان

«الامام الصادق عليه السلام: صَلُّوا عَشَائِرَكُمْ، وَأَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ، وَأَدُّوا حُقُوقَهُمْ؛ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِي دِينِهِ وَصَدَقَ الْحَدِيثَ وَأَدَّى الْأَمَانَةَ وَحَسَنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ، قِيلَ: هَذَا جَعْفَرِيٌّ؛ فَيَسُدُّنِي ذَلِكَ، وَيَدْخُلُ عَلَيَّ مِنْهُ الشُّرُورُ، وَقِيلَ: هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ. وَإِذَا كَانَ عَلَيَّ غَيْرِ ذَلِكَ دَخَلَ عَلَيَّ بَلَاؤُهُ وَعَاظُهُ، وَقِيلَ: هَذَا أَدَبُ جَعْفَرٍ. فَوَاللَّهِ لِحَدِيثِي أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ الرَّجُلَ كَانَ يَكُونُ فِي الْقَبِيلَةِ مِنْ شَيْعَةِ عَلَيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَكُونُ زَيْنَهَا، آدَاهُمْ لِلْأَمَانَةِ

ص: 45

1- من لا يحضره الفقيه، ج 1، ص 383، ح 1128 عن زيد الشحام، دعائم الإسلام، ج 1، ص 66 وفيه «بأحسن أخلاقهم.. هؤلاء الفلانيّة، رحم الله... فلانا بدل بأخلاقهم... هؤلاء الجعفرية، رحم الله جعفرًا

«وَأَقْضَاهُمْ لِلْحُقُوقِ، وَ أَصَدَقَهُمْ لِلْحَدِيثِ، إِلَيْهِ وَصَايَاهُمْ وَوَدَّاعُهُمْ، تُسَالُّ الْعَشِيرَةَ عَنْهُ فَتَقُولُ: مَنْ مِثْلُ فُلَانٍ! إِنَّهُ لَأَدَانَا لِلْأَمَانَةِ وَ أَصَدَقُنَا لِلْحَدِيثِ!»

امام صادق علیه السَّلَامُ: با خویشان خود [هرچند از اهل سنت باشند]، پیوند برقرار کنید و در تشییع جنازه هایشان حاضر شوید، و بیمارانشان را عیادت کنید، و حقوق آنان را ادا کنید، که اگر شخصی از شما در دینش پارسا و راست گو باشد و امانت را ادا کند و اخلاقش با مردم خوب باشد، گفته می شود:

«این شخص، پیرو جعفر است»، و این، مرشادمان می کند و از این رهگذر، سروری به من دست می دهد، اگر گفته شود: «این، تربیت شده جعفر است». اما اگر جز این باشد، گرفتاری و ننگ آن بر من وارد آید و گفته شود: «این، ادب یافته جعفر است! به خدا سوگند، پدرم برایم روایت کرد که فردی از شیعیان علی علیه السَّلَامُ در میان قبیله اش، مایه زینت [و مباحثات] شیعه بود. در میان آنان، در ادای امانت، از همه پیشتر، در رعایت حقوق، از همه برتر، و در سخن، از همه راست گوتر بود. آنان، سفارش ها و امانت های خود را به او می سپردند. وقتی از ایشان سؤال می شد که این شخص چگونه است،

می گفتند: چه کسی به پای فلانی می رسد! او از همه ما در ادای امانت، پیشتر و راست گوتر است.» (1)

ص: 46

1- الکافی، ج2، ص636، ح5؛ مشکاة الأنوار، ج132، ص301 نحوه وکلاهما عن أبي أسامة بن زيد الشحام؛ بحار الأنوار، ج2، ص309، ح73؛ وراجع تحف العقول، ص488

در کتاب های معتبر تاریخی و روایی فریقین خطبه غدیر را که پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و سلم بعد از حجه الوداع درباره نصب جانشین بعد از خود

می باشد را خواند و در آن حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین بلا فصل خود معرفی نمود و پس از مقدمات زیادی فرمودند: هر که من مولا و سرپرست اویم پس این علی سرپرست او می باشد. (1) بعد از آن، همه کسانی که در آنجا بودند، با امام علی علیه السلام به عنوان خلیفه مسلمانان بیعت کردند. نکته ای که در این حادثه با رسالت بین المللی حوزه علمیه ارتباط دارد آن است که پیامبر در آخر این خطبه به همگان دستور می دهد که غایبین را نیز از این قضیه با خبر کنند و بعد می فرماید: به کسانی هم که به دنیا نیامده اند تا روز قیامت این پیام باید برسد و آگاهی یابد.

حال یکی از رسالت های حوزه علمیه آن است که محتوای خطبه غدیر را که شامل مباحث طولانی و سرنوشت سازی مانند توحید، و نبوت، اهل بیت علیهم السلام مقام امام علی علیه السلام و در نهایت جانشینی حضرت را به تمام عالم برساند، و این نیازمند ابزارها و فعالیت های بین المللی حوزه

می باشد.

تفرقه و جدایی، عامل زوال هر امتی در برابر سایر قدرت های جهانی

الإمام علی علیه السلام:

ص: 47

1- ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج 1، ص 631؛ الغدیر فی الکتاب و الادب، ج 1، ص 14-73

«إحذروا ما نزل بالأمم قبلكم من المثالات بسوء الأفعال و ذميم الأعمال، فذكروا في الخير و الشر أحوالهم، و احذروا أن تكونوا أمثالهم. فإذا تكفرتُم في تفاوتِ حالِهم فالزموا كُلَّ أمرٍ لزمَتِ العِزَّةُ بِهِ شأنُهُم (حالُهُم)، و زاحَتِ الأعداءُ لَهُ عَنْهُم، و مَدَّتِ العافيةُ بِهِ عَلَيْهِم، و انقادتِ النعمةُ لَهُ مَعَهُم، و وصَلَتِ الكرامةُ عَلَيْهِ حَبْلُهُم: مِنَ الاجْتِنابِ لِلْفُرْقَةِ، و اللُّزومِ لِلأُلْفَةِ، و التَّحاضُّ عَليهَا، و التَّواصِي بِهَا. و اجْتَنَبُوا كُلَّ أمرٍ كَسَرَ فِقْرَتَهُم، و أوهَنَ مُنتَهُم: مِنَ تَضاعُغِ القُلوبِ، و تَشاحُنِ الصُّدورِ، و تَدابُّرِ النُّفوسِ، و تَخاذُلِ الأيْدي. و تَدَبَّرُوا أحوالَ الماضينَ مِنَ الْمُؤْمِنينَ قَبْلَكُم، فَانظُرُوا كَيْفَ كانوا حَيْثُ كانتِ الأُملاءُ مُجتمَعَةً، و الأَهواءُ مُؤتَلَفَةً (مُتَّفِقَةً)، و القُلوبُ مُعتَدِلَةً، و الأيْدي مُترادِفَةً (مُترادِفَةً) و السُّيوفُ مُتَناصِرَةً، و البصائرُ نافِذَةً، و العزائمُ واحِدَةً أَلَمْ يكونوا أرباباً في أَقطارِ الأَرْضينَ، و مُلوكاً على رِقابِ العالَمينَ؟ اِفاظُروا إلى ما صاروا إِلَيْهِ في آخِرِ أُمورِهِم، حِينَ وَقَعَتِ الفُرْقَةُ، و نَسَّ الأُلْفَةُ، و اِختَلَفَتِ الكَلِمَةُ و الأَفِيْدَةُ، و تَسَّ عَعبوا مُختَلِفينَ، و تَفَرَّقوا مُتَحارِبينَ (مُتَحارِبينَ)، قَدْ خَلَعَ اللهُ عَنْهُم لِباسَ كِرامَتِهِ، و سَلَبَهُم غُضارَةَ نِعَمَتِهِ، و بَقِيَ قَصَصُ أخبارِهِم فيكُم عِبراً لِلْمُعْتَبِرينَ» (1)

امام علی علیه السلام: و پرهیزید از آنچه فرود آمد بر امت های پیشین؛ از کیفرهایی که دیدند بر کردارهای ناشایست، پس نیک و بد احوال شان را به یاد آرید و خود را از همانند شدن به آنان، بر حذر دارید، [و چون به چشم خرد دیدید] و در دگرگونی احوال شان اندیشیدید، آن [کاری] را عهده دار شوید که

[آنان را] عزیزشان گرداند و دشمنان را از سرشان

ص: 48

رائد، و زمان بی‌گزندی‌شان را به درازا کشاند، و با عافیت از نعمت برخوردار گشتند و پیوند رشته بزرگواری با آنان استوار شد، و آن، از پراکندگی دور نمودن بود و به سازواری روی آوردن، و یکدیگر را بدان برانگیختن و سفارش کردن. و بپرهیزید از هر کار که پشت آنان را شکست و نیروشان را گسست، چون کینه از هم، در دل داشتن و تخم نفاق در سینه کاشتن و از هم بُریدن، و دست از یاری یکدیگر کشیدن. و در احوال گذشتگان پیش از خود بنگرید، مردمی که با ایمان بودند. پس بنگرید چه سان می نمودند، آن گاه که گروه‌ها فراهم بودند، و همگان، راه یک آرزو را می‌پیمودند، و دل‌ها راست بود و با هم سازوار، و دست‌های یکدیگر را ممدد کار، شمشیرها به یاری هم آخته، و دیده‌ها به یک سو دوخته، و اراده‌ها در پی یک چیز، تاخته. آیا مهتران سراسر زمین نبودند و بر جهانیان پادشاهی نمی‌نمودند؟ پس بنگرید که پایان کارشان به کجا کشید، چون میانشان جدایی افتاد، و الفت به پراکندگی انجامید، و سخن‌ها و دل‌هاشان گونه‌گون گردید. از هم جدا شدند، و به حزب‌ها گراییدند، و خدا، لباس کرامت خود را از تن‌شان برون آورد، و نعمت فراخ خویش را از دست‌شان به در کرد، و داستان آنان، میان شما ماند، و آن را برای پند گیرنده عبرت گرداند.»

در این سه روایت امام علیه السلام دستور می‌دهد که شیعیان باید با اهل سنت در ارتباط بوده و در مراسم‌ها و سنت‌های آنان شرکت کنند و الگوی مناسبی از جهت اخلاق برای آنان باشند. از طرف دیگر در دنیای معاصر مشاهده می‌کنیم که سیل تهمت‌ها و تفرقه‌انگیزی‌ها در میان مسلمانان

رواج دارد تا مسلمانان اتحاد خویش را از دست دهند و در مقابل بیگانه گان ضعیف باشند. بدین جهت حوزه های علمیه و علما باید با اهل سنت ارتباط حسنه داشته و با اخلاق حسن و کلام خود این شبهات و تهمت ها را دفع کرده و زمینه را برای هم بستگی بیشتر فراهم نمایند. لازمه این امر ، حضور حوزه های علمیه و علما در عرصه بین الملل و عرضه اندیشه های خود برای مخاطبان جهانی است.

ص: 50

فصل دوم : لزوم تبلیغ دین در عرصه بین الملل

اشاره

ص: 51

آیات قرآن برای تمام انسان ها نازل شده است و به گروه یا منطقه خاصی اختصاص ندارد؛ لذا مبلغان قرآن نیز باید در عرصه بین الملل فعالیت داشته و کلام قرآن را به گوش تمام جهان به هر زبانی برسانند. اکنون حوزه علمیه که عهده دار ترویج معارف قرآن است باید با حضور در عرصه بین الملل این رسالت خود را با ابزارهای جهانی انجام دهد. اینک آیاتی از کلام خداوند را که بیانگر این مهم هستند را بیان می کنیم:

توحید و دوری از شرک، نقطه مشترک همه ادیان الهی

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»؛ (1)

بگو: «ای اهل کتاب! بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است، بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد. پس اگر [از

ص: 52

این پیشنهاد روی گردان شدند، بگویند: «شاهد باشید که ما فرمان برداریم نه شما.»

خداوند تعالی در این آیه شریفه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور می دهد که اهل کتاب را مورد خطاب قرار دهد و آنان را دعوت به توحید و عدم شرکت به خدا و رد اربابانی غیر خدا دعوت کند. این خطاب بیانگر آن است که دین اسلام و محتوای آن باید در عرصه بین الملل و برای غیر مسلمانان نیز تبلیغ شود. اکنون حوزه علمیه نیز مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم باید غیر مسلمانان با هر فرهنگ و زبانی که باشند را مورد خطاب قرار دهد و پیام اسلام را به آنها برساند و لازمه این امر استفاده از ابزارهای بین المللی و حضور در عرصه بین الملل می باشد.

برتری اسلام بر تمام ادیان گذشته

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (1)

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا» (2)

او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را

ص: 53

1- سوره توبه (9)، آیه 33 و سوره صف (61)، آیه 9

2- سوره فتح (48)، آیه 28

بر همه ادیان پیروز کند؛ و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد!

این دو آیه، بیانگر آن هستند که دین اسلام بر ادیان دیگر غلبه خواهد کرد و این آرمان در صورتی تحقق می یابد که قرآن و آموزه های اسلامی به تمام دنیا عرضه شود و این مسئولیت متوجه حوزه های علمیه و علماست که زمینه های بین المللی این امر را فراهم کنند.

تبشیر و انداز، هدف از دعوت عمومی همه پیامبران الهی

«رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»؛ (1)

و پیامبرانی که مژده رسان و هشدار دهنده بودند، تا برای مردم، پس از فرستادن پیامبران، در مقابل خدا حجتی نباشد، و خدا توانا و حکیم است.

آیه یاد شده، گویای این نکته است که هدف ارسال پیامبران این بود که حجت الهی را بر همه بشر تمام کرده تا روز قیامت هیچ کس نزد خداوند عذری نداشته باشد و نگوید که کلام خدا به من نرسید. اکنون که انبیاء و اهل بیت علیهم السَّلَامُ در میان ما حضور ندارند، چه کسی عهده دار این مهم است. حوزه های علمیه که رسالت شان همان رسالت پیامبران و اهل بیت علیهم السَّلَامُ است باید با تبلیغ اسلام و کلام خداوند در عرصه بین الملل برای تمام مردم حجت را بر ایشان تمام کنند.

ص: 54

لزوم تبعیت تمام اهل کتاب از اسلام به واسطه تبلیغ بین المللی دین اسلام

«يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فِتْرَةِ مِنَ الرَّسُولِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (1)

ای اهل کتاب! رسول ما، پس از فاصله و فترتی میان پیامبران، به سوی شما آمد، در حالی که حقایق را برای شما بیان می کند، تا مبادا [روز قیامت] بگویند: «نه بشارت دهنده ای به سراغ ما آمد، و نه بیم دهنده ای!» [هم اکنون، پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم] بشارت دهنده و بیم دهنده، به سوی شما آمد! خداوند بر همه چیز تواناست.

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم حقایق را برای اهل کتاب، تبیین می نماید

«يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ» (2)

ای اهل کتاب! پیامبر ما، بسیاری از حقایق کتاب آسمانی را که شما کتمان می کردید روشن می سازد، به سوی شما آمد؛ و از بسیاری از آن، صرف نظر

می نماید. [آری] از طرف خدا، نور و کتاب آشکاری به سوی شما آمد.

در این دو آیه شریفه، که در آن رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم بیان شده،

ص: 55

1- سوره مائده (5)، آیه 19

2- سوره مائده (5)، آیه 15 و 16

معارف زیادی برای اهل کتاب است و از حقایقی پرده برداشته که این رسالت حوزه های علمیه و علما دینی را ضروری می داند تا حقایق قرآن و عترت که در کتاب های گذشته نیامده است را برای غیر مسلمانان بیان کنند و لازمه این بیان، حضور در عرصه های جهانی است.

پیروی از اسلام، رمز رستگاری اهل کتاب

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (1)

همان ها که از فرستاده [خدا]، پیامبر «امی» پیروی می کنند، پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می یابند؛ آنها را به معروف دستور می دهد، و از منکر باز می دارد؛ اشیای پاکیزه را برای آنها حلال کرد، و ناپاکی ها را تحریم می کند؛ و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود، [از دوش و گردنشان] بر می دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاریش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند.

در آیه یادشده، کسانی که از اهل کتاب از پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و سلم پیروی کنند، از قید و بندها رها خواهند شد و در نهایت به رستگاری خواهند

ص: 56

رسید. اکنون در دنیای غرب، اهل کتاب به واسطه نظریه های منحرف و دنیا گرایی، گرفتار غل و زنجیر حیوانیت شده اند و حوزه های علمیه و علما در صورتی که دین پیامبر ص را بر ایشان تبیین کنند از آن تبعیت کرده و رها خواهند شد.

هدایت یک نفر برابر با هدایت یک جهان

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ؛ (1)

به همین جهت، بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل با فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان ها را کشته؛ و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است. و رسولان ما، دلایل روشن برای بنی اسرائیل آوردند، اما بسیاری از آنها، پس از آن در روی زمین، تعدی و اسراف کردند.

لزوم ابلاغ دین و عدم ترس از کافران

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (2)

ص: 57

1- سوره مائده (5)، آیه 32

2- همان، آیه 67

ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً به [مردم] برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! خداوند تو را از مردم، نگاه

می‌دارد؛ و خداوند، جمعیت کافران [لجوج] را هدایت نمی‌کند.

«الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اٰخِشُوْنِ الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِيْمَانَ دِيْنًا...» (1)

امروز کسانی که کافر شده‌اند، از [کار شکنی در] دین شما نومید گردیده‌اند، پس از ایشان مترسید و از من بترسید. امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما [به عنوان] آیین برگزیدم

این دو آیه شریفه، گویای این حقیقت هستند که علی رغم موانع و مخالفت های فراوان در عرصه بین الملل حوزه های علمیه و علما باید آنچه را از قرآن و اهل بیت علیهم السّلام دریافت کرده‌اند به سراسر دنیا برسانند و هیچ ترسی از این موانع نداشته باشند همانطور که خداوند رسولش را از شر مردم حفظ کرد، هر که در این راه گام نهد در امان خواهد بود.

ب) روایات پیشوایان معصوم علیهم السّلام

اشاره

روایات اهل بیت علیهم السّلام نیز بسان قرآن کریم بیانگر این نکته هستند که دین اسلام و کلام پیامبر اکرم ص باید برای تمام انسان ها در سراسر دنیا

ص: 58

تبیین و تبلیغ شود تا حجت الهی بر آنها تمام گردد و تشنگان حقیقت از معارف آن بهره مند گردند.

ابلاغ جهانی دین، رسالت اصلی پیامبران

«الإمام الرضا عليه السلام في علة وجوب معرفة الرسول والإقرار: لا نة لما لم يكن في خلقهم وقواهم ما يكملون به مصالحهم، وكان الصانع متعاليا عن أن يرى، وكان صدقهم وعجزهم عن إدراكه ظاهرا؛ لم يكن بُدُّ لهم من رسول بينه وبينهم، معصوم، يؤدي إليهم أمره ونهيه وأدبه، ويقفهم على ما يكون به اجترار منافعهم ودفع مضارهم، إذ لم يكن في خلقهم ما يعرفون به ما يحتاجون إليه من منافعهم ومضارهم. فلو لم يجب عليهم معرفته وطاعته، لم يكن لهم في مجيء الرسول منفعة ولا سدُّ حاجة، وكان يكون إتيانه عبثا لغير منفعة ولا صلاح، وليس هذا من صفة الحكيم الذي أتقن كل شيء»

امام رضا عليه السلام - در تبیین علت وجوب شناخت پیامبران و اقرار به رسالت آنها - می فرماید:

از آن جا که در خلقت مردم و توانایی آنان، آنچه سبب تکمیل مصالح شان باشد، وجود ندارد، [و از طرفی] سازنده برتر از آن است که دیده شود، و ضعف و ناتوانی آنان از ادراک خداوند آشکار است، چاره ای جز این نبود که فرستاده ای معصوم میان خداوند و مردم باشد، تا امر و نهی و تعالیم الهی را به آنان برساند، و آنان را بر راه های جلب منافع و دفع زیان هایشان آگاه سازد؛ زیرا در [ترکیب] آفرینش مردم، آنچه که به کمک آن نیازمندی های خود را، اعم از منافع و زیان ها بشناسند، وجود نداشت، و اگر شناخت و اطاعت خداوند بر مردم واجب

نمود، آمدن پیامبران، برای آنان سودی نداشت و نیازی را برطرف نمی کرد، و آمدن پیامبران به خاطر فقدان سود و مصلحت، لغو و بیهوده بود، و این [کار لغو]، به دور از صفت خداوند حکیمی است که همه چیز را استوار کرده است. (1)

امام رضا علیه السَّلَام در این حدیث به بیان فلسفه آمدن و پیامبران می پردازد و انسان به تنهایی را برای سعادتش کافی نمی داند بلکه تاکید می فرماید

که انبیاء آمدند تا مصالح و مفاسد دنیا و راه های جلب منفعت و دفع مفسده را توسط اوامر الهی برای مردم تبیین کنند. اکنون که پیامبران در میان ما نیستند، چه کسی باید راه سعادت را برای انسان بیان کند؟ اگر حوزه علمیه خود را نماینده و وارث انبیاء می داند، باید این مهم را انجام داده و رسالت بین المللی خود را به سرانجام برساند و انحراف های معاصر را برای بشر تبیین کرده و راه سعادت را به او نشان دهد.

مراجعه از سراسر دنیا برای فراگیری علم

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِأَصْحَابِهِ إِنَّ النَّاسَ لَكُمْ تَبِعٌ وَإِنْ رَجَالًا يَأْتُونَكُمْ مِنْ أَقْطَارِ الْأَرْضِ يَتَفَقَّهُونَ فِي الدِّينِ فَإِذَا أَتَوْكُمْ فَاسْتَوْصُوا بِهِمْ خَيْرًا» (2)

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به اصحاب و یاران خود فرمود: به راستی، مردم پیروان شما آیند و مردمانی از اقطار و گوشه های زمین نزدتان می آیند که در دین و آیین تفقه نموده و دانای به احکام و فرمان های

ص: 60

1- عیون اخبار الرضا علیه السَّلَام، ج 2، ص 100، ح 1؛ علل الشرایع، ص 253، ح 9

2- بحار الانوار، ج 2، ص 62، ح 8

آن[شوند، پس هنگامی که نزد شما آمدند وصیت و سفارش مرا در مورد آن بپذیرید و با آنان به نیکی رفتار کنید.»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این کلام یاد آور این مهم می شود که از آن جا که دین اسلام، دینی فرامنطقه ای است پای بندگان به آن باید آماده حضور در عرصه بین الملل بوده و پاسخ گوی نیازهای تمام مردم با هر فرهنگ و زبانی باشند. اگر حوزه های علمیه در عرصه بین الملل ناشناخته باشند از افطار زمین برای تقفه به سوی او نخواهند آمد.

لزوم ارسال مبلغان به همه نقاط عالم، برای اتمام حجت و ابلاغ پیام الهی

«رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم في خطبة له: بَعَثَ إِلَيْهِمُ الرُّسُلَ لَتَكُونَ لَهُ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ عَلَى خَلْقِهِ، وَ يَكُونُ رُسُلُهُ إِلَيْهِمْ شُهَدَاءَ عَلَيْهِمْ، وَ ابْتَعَثَ فِيهِمُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ؛ لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ، وَ يُحْيَا مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ، وَ لِيَعْقِلَ الْعِبَادُ عَنْ رَبِّهِمْ مَا جَهِلُوا؛ فَيَعْرِفُوهُ بِرُبُوبِيَّتِهِ بَعْدَ مَا أَنْكَرُوا، وَ يُؤَحِّدُوهُ بِالْإِلَهِيَّةِ بَعْدَ مَا عَصَدُوا»(1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه ای می فرماید:

[خداوند] رسولان را به سوی مردم فرستاد تا دلیل رسایی بر خلائقش داشته باشد، و فرستادگانش به سوی مردم، گواهانی بر آنان باشند، و در میان آنان، پیامبران را برای نوید و هشدار دادن مبعوث کرد، تا کسی که هلاک می شود، از روی دلیل آشکار باشد، و آن که حیات می یابد، از

ص: 61

روی دلیل آشکار باشد، و تا بندگان، آنچه را نمی دانند، از خداوند فرا گیرند و او را پس از انکارشان، به خدایی بشناسند، و پس از شریک قرار دادن برای او، او را در خدایی یکتا شمرند.»

«الإمام علي عليه السلام: بعث الله رسوله بما خصهم به من وحيه، وجعلهم حجة له على خلقه؛ لئلا تجب الحجة لهم بترك الإعدار إليهم، فدعاهم بلسان الصدق إلى سبيل الحق؛»⁽¹⁾

امام علی علیه السلام می فرماید: خدا پیامبرانش را برانگیخت و وحی خود را خاص ایشان فرمود، و آنان را حجت خود بر آفریدگانش نمود، تا برهانی یا جای عذری برای مردم نماند. پس، آنان را به زبانی راست (زبان پیامبران)، به راه حق خواند.»

«الإمام الصادق عليه السلام: لما سئل عن حكمة النبوة: لئلا يكون للناس على الله حجة من بعد الرسل، ولئلا يقولوا: ما جاءنا من بشير ولا نذير، ولتكون حجة الله عليهم.»⁽²⁾ ألا- تسمع الله عز وجل يقول - حكاية عن خزنة جهنم واحتجاجهم على أهل النار بالأنبياء والرسل - «: ألم يأتكم نذير قالوا بلى قد جاءنا نذير فكذبنا وقلنا ما نزل الله من شيء إن أنتم إلا في ضلال كبير»⁽³⁾

امام صادق علیه السلام- هنگامی که از حکمت نبوت از ایشان سؤال می شود، می فرماید:

تا با آمدن پیامبران، مردم، عذر و حجتی بر خداوند نداشته باشند و

ص: 62

1- نهج البلاغه، الخطبة 144؛ بحار الأنوار، ج 5، ص 315، ح 11

2- سوره طه (20)، آیه 132

3- علل الشرايع، ج 1، ص 121، ح 4، بحار الأنوار، ج 11، ص 39، ح 37

نگویند: هیچ بشارت دهنده و هشدار دهنده ای به سوی ما نیامده است»، و این که حجت خداوند بر آنها تمام باشد. آیا نشنیده ای که خداوند عزّ و جلّ، با حکایت سخن مأموران جهنّم و احتجاج آنان بر ضد دوزخیان به وسیله [آمدن] پیامبران و رسولان، می فرماید: مگر شما را هشدار دهنده ای نیامد؟ گویند: چرا؟ هشدار دهنده ای به سوی ما آمد؛ [ولی] تکذیب کردیم و گفتیم: خدا چیزی فرو نفرستاده است؛ شما جز در گمراهی بزرگ نیستید».

فرمانی همه گیر برای امت اسلام، برای اقامه امر به معروف و نهی از منکر

«رسول الله صلی الله علیه واله و سلّم: أَلَا وَ إِنِّي أُجَدِّدُ الْقَوْلَ: أَلَا فَاقِيْمُوا الصَّلَاةَ، وَ اتُّوا الزَّكَاةَ، وَ أَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَ أَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ. أَلَا وَ إِنِّي رَأَسُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أَنْ تَنْتَهَوْا إِلَى قَوْلِي، وَ تُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ، وَ تَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ وَ تَنْهَوُهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ؛ فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مِنِّي؛»

پیامبر خدا صلی الله علیه واله و سلّم: آگاه باشید! من این سخن را تکرار می کنم: هان! نماز را به پای دارید، و زکات را بپردازید، و امر به معروف و نهی از منکر کنید. بدانید که اساس امر به معروف و نهی از منکر، آن است که به سخن من برسید و آن [سخن] را به کسانی که [این جا] حضور ندارند، برسانید و آنان را به پذیرش آن، فرمان دهید و از مخالفت با آن بازشان دارید که آن، فرمانی از جانب خداوند عزّ و جلّ و من است. (1)

ص: 63

1- الاحتجاج، ج 1، ص 157، ح 32؛ روضة الواعظین، ص 111 کلاهما عن الإمام الباقر عليه السلام وليس فيه «والتّهي عن المنکر»، بحار الأنوار، ج 37، ص 215، ح 86

در این حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و سلم دستور می دهد که باید کلام مرا به کسی که حاضر نیست ابلاغ کنید و او را امر به قبول و نهی از مخالفت آن کنید، چون آن امری از جانب خدا و رسول است.

اهمیت هدایت یک نفر به اسلام

«عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَوْمَ خَيْبَرَ: فَوَ اللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بِكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ حُمْرُ النَّعَمِ؛» (1)

از سعید بن سهل روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه واله و سلم روز خیبر فرمود: سوگند به خداوند، اگر خداوند به دست تو یکی از آنان را هدایت کند، برای تو از شتران سرخ موی بهتر است.»

هدایت یک نفر، مساوی هدایت همه مردم

«تفسير العياشي عن أبو بصير عن أبي جعفر عليه السلام سألته: «وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»؟ قَالَ: مَنْ اسْتَخْرَجَهَا مِنَ الْكُفْرِ إِلَى الْإِيمَانِ؛»

تفسیر العیاشی - به نقل از ابو بصیر - از امام باقر علیه السلام [تفسیر این آیه را] پرسید: «و هر کس کسی را زنده بدارد، چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است.» فرمود: منظور کسی است که فردی را از کفر به ایمان در آورد. (2)

الكافي عن فضيل بن يسار: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي

ص: 64

1- بحار الانوار، ج 21، ص 3

2- تفسير العياشي، ج 1، ص 313، ح 88؛ بحار الأنوار، ج 2، ص 21، ح 61

كِتَابِهِ: « وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا »؟ قَالَ: مِنْ حَرَقٍ أَوْ غَرَقٍ. قُلْتُ: فَمَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى؟ قَالَ: ذَلِكَ تَأْوِيلُهَا الْأَعْظَمُ؛»

الكافي - به نقل از فضیل بن یسار - می گوید: به امام باقر علیه السَّلَام این سخن خداوند در قرآن را گفتم: و هر کس کسی را زنده بدارد، چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است». فرمود: [یعنی نجات دادن او] از آتش یا غرق شدن. گفتم: پس کسی که فردی را از گمراهی به هدایت در آورد؟ امام علیه السَّلَام فرمود: این، بالاترین تأویل آن است. (1)

در این روایات یاد شده، اهمیت و ثواب فراوانی برای هدایت انسان ها بیان شده و برای هدایت کننده نیز فضیلت بزرگی است که کسی را از اعماق تاریکی های کفر به نور اسلام هدایت کند. اکنون وظیفه حوزه های علمیه است که مردم گرفتار در تاریکی های کفر و فساد را با نور اسلام آشنا کنند و این کار نیازمند ابزارهای بین المللی و حضورحوزه های علمیه در عرصه بین الملل می باشد.

دعوت مردم به اسلام، وصیت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم

«عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ اسْتَأْذَنَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَوْصِنِي قَالَ أَوْصِيكَ أَنْ لَا تُشْرِكَ بِاللَّهِ شَيْئًا . . وَادْعُ النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ - وَاعْلَمْ أَنَّ لَكَ بِكُلِّ مَنْ أَجَابَكَ عَتَقَ رَقَبَةً مِنْ وُلْدِ يَعْقُوبَ؛» (2)

ص: 65

-
- 1- الكافي، ج 2، ص 210، ح 2؛ المحاسن، ج 1، ص 363، ح 782؛ بحار الأنوار، ج 2، ص 20، ح 57
2- حار الأنوار، ج 74، ص 134، ح 44

از حضرت علی علیه السَّلَام روایت شده که مردی اجازه ورود از رسول خدا صلی الله علیه واله و سَلَّمَ خواست، سپس عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه واله و سَلَّمَ مرا وصیت و سفارش فرما. حضرت فرمود: تو را وصیت می کنم که شرک به خدا نیاوری ... مردم را به سوی اسلام دعوت کن و بدان در ازای هر که تو را اجابت کرد ثواب آزاد کردن یک برده از فرزندان یعقوب است.»

«عن علی علیه السَّلَام: أَعِنَّ أَخَاكَ عَلِيَّ هِدَايَتِهِ؛»⁽¹⁾

امام علی علیه السَّلَام می فرماید: برادر خود را در هدایت یاری کن.»

با توجه به این دو حدیث شریف، وصیت پیامبر صلی الله علیه واله و سَلَّمَ و امیر المومنین علیه السَّلَام به ما این است که همه مردم را به اسلام دعوت کنیم لذا باید با زبان و فرهنگ ملل و زمینه های تبلیغ مخاطبان جهانی آشنا شویم و در عرصه بین الملل فعالیت داشته باشیم.

اهمیت تبلیغ و هدایت یک نفر بر روی زمین از نگاه پیامبر صلی الله علیه واله و سَلَّمَ

«الإمام عليّ عليه السلام: لَمَّا وَجَّهَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَى الْيَمَنِ قَالَ: يَا عَلِيُّ، لَا تُقَاتِلْ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ إِلَى الْإِسْلَامِ؛ وَإِيْمُ اللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَغَرَبَتْ، وَلَكَ وَالْأُوَّةُ يَا عَلِيُّ»⁽²⁾

امام علی علیه السَّلَام می فرماید:

ص: 66

1- عیون الحکم والمواعظ، ص 76، ح 1834؛ غرر الحکم، فصل 2، ح 58

2- الکافی، ج 5، ص 36، ح 2 عن مسمع بن عبد الملك و ص 28، ح 4، تهذیب الأحکام، ج 6، ص 141، ح 240 کلاهما عن السکونی وکلها عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السَّلَام، الجعفریات، ص 77 عن إسماعیل عن أبيه الإمام الكاظم عن آبائه علیهم السَّلَام، النوادر للراوندي، ص 187، ح 139، مشکاة الأنوار، ص 193، ح 508 کلها نحوه؛ بحار الأنوار، ج 3، ص 361، ح 21

هنگامی که رسول خداصلی الله علیه واله و سلم مرا به سوی یمن روانه ساخت، فرمود:

«ای علی! با هیچ کس پیش از آن که او را به اسلام فراخوانی، جنگ مکن. سوگند به خدا، این که خداوند به دستان تو انسانی را هدایت کند، برایت بهتر است از آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب کرده، و تو مولای اوئی، ای علی»

ای عیسی! به پیروان فرمان ده تا در زمان اسلام، از اسلام پیروی کنند

«...أوصیکَ یا ابنَ مَریمَ البَکرِ البَتُولِ بِسَیِّدِ المُرْسَلِینَ وَ حَبِیبِی فَهُوَ أَحْمَدُ صَاحِبِ الجَمَلِ الأَحْمَرِ وَ الوَجْهِ الأَقْمَرِ المُشْرِقِ بِالنُّورِ الطَّاهِرِ القَلْبِ الشَّدیدِ البَأسِ الحَیِّ المُتَکَرِّمِ فَإِنَّهُ رَحْمَةٌ لِّلْعَالَمِینَ وَ سَیِّدُ وُلْدِ آدَمَ یَوْمَ یَلْقَانِی أُکْرَمُ السَّابِقِینَ عَلَیَّ وَ أَقْرَبُ المُرْسَلِینَ مِنِّی العَرَبِیِّ الأَمِینِ الدِّیَّانِ بِدِینِی الصَّابِرِ فی ذَاتِی المُجَاهِدِ المُشْرِکِینَ بِیَدِهِ عَن دِینِی أَنْ تُخْبِرَ بِهِ بَنِی إِسْرَائِیلَ وَ تُأْمُرَهُمْ أَنْ یُصَدِّقُوا بِهِ وَ أَنْ یُؤْمِنُوا بِهِ وَ أَنْ یَتَّبِعُونَ وَ أَنْ یَنْصُرُوهُ»(1)

در حدیث قدسی خطاب به حضرت عیسی آمده است: ...ای فرزند مریم پاکیزه! سفارش می کنم که آقای پیامبران و حبیب من محمد صلی الله علیه واله و سلم را بشناس. او نامش احمد و صاحب شتر سرخ مو می باشد و رویش بسیار درخشان است. قلبش پاک و سخت گیر (نسبت به کافران) و بنده گرامی من است. چون او رحمت برای مردم جهان می باشد. او گرامی ترین کسانی که قبلاً بوده اند و نزدیک ترین پیامبران بر من می باشد. او درس

ص: 67

ناخوانده و از نسل عرب است. دین مرا در میان مردم اشاعه می دهد. او در جهاد برای دین من، صبر کننده است. بامشركان باجان خود در راه دین من جهاد می کند. این سخنان مرا به بنی اسرائیل درباره محمد صلی الله علیه واله و سلم خبر بده و به آنان امر کن که او را تصدیق کنند و به وی ایمان آورند و از او اطاعت کنند و به وی کمک نمایند»

این روایت بیانگر آن است که مسیحیان به دستور حضرت عیسی علیه السلام باید پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و سلم را تصدیق نموده و به او ایمان آورده و پیروی و یاری کنند و برای این هدف، حوزه های علمیه و علما که عهده دار تبلیغ و ترویج دین رسول اکرم صلی الله علیه واله و سلم و قرآن هستند باید اسلام را در عرصه های جهانی برایشان عرضه کرده تا مقدمات تصدیق مسیحیان به خاتم پیامبران صلی الله علیه واله و سلم فراهم شود.

موقیت امیر المومنین علی علیه السلام در تبلیغ خارج از کشور

«بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْيَمَنِ لِيَدْعُوهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ وَقِيلَ لِيُخَمِّسَ رِكَازَهُمْ وَيُعَلِّمَهُمُ الْأَحْكَامَ وَيُبَيِّنَ لَهُمُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَإِلَى أَهْلِ نَجْرَانَ لِيَجْمَعَ صَدَقَاتِهِمْ وَيَقْدِمَ عَلَيْهِمْ بِحِزْبِهِمْ... وَقَدْ كَانَ بَعَثَ قَبْلَهُ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ خَالِدَ بْنَ الْوَلِيدِ إِلَى أَهْلِ الْيَمَنِ يَدْعُوهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ فَلَمْ يُجِيبُوهُ قَالَ الْبَرَاءُ فَكُنْتُ مَعَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمَّا دَنَوْنَا مِنَ الْقَوْمِ خَرَجُوا إِلَيْنَا فَصَلَّى بِنَا عَلِيٌّ ثُمَّ صَفًّا صَفًّا وَاحِدًا ثُمَّ تَقَدَّمَ بَيْنَ أَيْدِينَا فَقَرَأَ عَلَيْهِمْ كِتَابَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَأَسْلَمَتْ هَمْدَانُ كُلُّهَا فَكَتَبَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَلَمَّا قَرَأَ

حضرت رسول صلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ امیرالمؤمنین علی علیہ السَّلَامُ را به طرف یمن فرستادند، علت عزیمت آن جناب به طرف یمن مختلف نقل شده است، گروهی گفته اند: آن حضرت برای دعوت مردم یمن به سوی اسلام به آن دیار رهسپار شد.

بعضی عقیده دارند امیر المؤمنین علیہ السَّلَامُ برای تعلیم احکام شرع مقدس و بیان حلال و حرام و جمع آوری زکات، به یمن رفتند، و هم چنین مأمور شدند پس از خاتمه کارهای یمن به نجران هم بروند و صدقات و جزیه های آنان را هم جمع آوری کرده و به مدینه بیاورند. ... قبل از این که امیر المؤمنین به طرف یمن حرکت کند، حضرت رسول صلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ خالد ابن ولید را به آن منطقه فرستاده بودند تا مردمان آن نواحی را به طرف اسلام دعوت کند، و لیکن مردم یمن به سخنان خالد گوش ندادند و گفته های او را اجابت نکردند.

براه گوید: من با علی بن ابی طالب علیہ السَّلَامُ بودم هنگامی که نزدیک مردم یمن رسیدیم آنان در مقابل ما بیرون شدند، در این موقع علی بن ابی طالب علیہ السَّلَامُ نماز خواندند و پس از این ما را در یک صف قرار دادند و در مقابل صف ایستادند و نامه حضرت رسول صلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ را برای مردم قرائت کردند، در این هنگام قبیله همدان اسلام اختیار کردند و علی علیہ السَّلَامُ جریان کار را برای پیغمبر نوشتند، آن جناب پس از قرائت نامه، سجده شکر به جا آوردند و بعد فرمودند درود و رحمت باد بر قبیله همدان.»

ص: 69

فصل سوم : ثواب وبركات تبليغ دين از نگاه پيشوايان معصوم عليهم السّلام

اشاره

ص: 70

دین از مهم ترین مسائلی است که تمام انسان ها با آن روبه رو هستند، چون مسائل اعتقادی و اخلاقی عمومیت داشته و تمام انسان ها با آن روبه رو هستند. ادیان آمده اند تا سرنوشت انسان را در دنیا و آخرت به خیر و خوبی رقم بزنند و بشر را به قله ی کمال برسانند. بنابراین، کسانی که در این عرصه تبلیغ می کنند، کار مهمی انجام می دهند و سرنوشت بسیاری را به نور و سعادت و هدایت رقم می زنند. ایشان مستوجب ثواب فراوانی از جانب خداوند

می باشند. اینک روایاتی را درباره ثواب تبلیغ دین ذکر می کنیم:

استغفار حیوانات برای مبلغ دین

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عُلَمَاءُ هَذِهِ الْأُمَّةِ رَجُلَانِ رَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ عِلْمًا فَطَلَبَ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ وَبَدَّلَهُ لِلنَّاسِ وَلَمْ يَأْخُذْ عَلَيْهِ طَمَعًا وَلَمْ يَشْتَرِ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَذَلِكَ يَسْتَتَغْفِرُ لَهُ مَنْ فِي الْبُحُورِ وَدَوَابُّ الْبَحْرِ وَالْبَرِّ وَالطَّيْرِ فِي جَوِّ السَّمَاءِ وَيَقْدَمُ عَلَى اللَّهِ سَيِّدًا شَرِيفًا وَرَجُلٌ آتَاهُ اللَّهُ عِلْمًا فَبَخِلَ بِهِ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ وَأَخَذَ عَلَيْهِ طَمَعًا وَاشْتَرَى بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَذَلِكَ يُلْجَمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ وَيُنَادِي مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ عَلَى رُءُوسِ الْأَشْهَادِ هَذَا فُلَانٌ بَنُ فُلَانٍ آتَاهُ اللَّهُ

ص: 71

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه واله و سلم می فرمایند: علمای این امت دو طبقه اند: یکی آنها که علم خدا داده را بی طمع نشر کنند، دانش خویش به نان و آب نفروشند. بر این طائفه ماهی دریا، و جانور زمین، و پرنده هوا استغفار کنند؛ بزرگوار و شرافت مند بر خدا وارد شوند و با پیمبران هم نشین باشند. دوم آنها که علم را احتکار نمایند و با مال مبادله کنند. اینان در قیامت با لگام آتشین مهار شوند و کسی فریاد زند: اینها هستند که خداوند متعال علمشان داده بود و در نشر آن بخل می ورزیدند و آن را به بها می فروختند. این سخن تا موقع فراغت مردم از حساب تکرار شود.»

فضیلت هدایت یک نفر در روی زمین از نگاه امام محمد باقر علیه السلام

«قال الباقر علیه السلام: لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ مُوسَى: . . . إِلَهِي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ دَعَا نَفْسًا كَافِرَةً إِلَى الإِسْلَامِ؟ قَالَ: يَا مُوسَى، أُذِنَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الشَّفَاعَةِ لِمَنْ يُرِيدُ، قَالَ: إِلَهِي، فَمَا جَزَاءُ مَنْ دَعَا نَفْسًا مُسْلِمَةً إِلَى طَاعَتِكَ وَنَهَاها عَنِ مَعْصِيَتِكَ؟ قَالَ: يَا مُوسَى، أَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي زُمْرَةِ الْمُتَّقِينَ»

امام باقر علیه السلام: هنگامی که خداوند با موسی بن عمران علیه السلام سخن گفت، موسی گفت: «... خدایا! پاداش آن که انسان بی دینی را به دین دعوت کند، چیست؟». خداوند فرمود: «ای موسی! در روز قیامت اجازه می یابد تا برای هر که بخواهد، شفاعت کند». «موسی علیه السلام گفت: خدایا پاداش کسی که فرد دینداری را به اطاعت تو دعوت و از نافرمانی ات نهی کند،

ص: 72

چیست؟ خداوند فرمود: «ای موسی! در روز قیامت، او را در زمره پرهیزگاران محشور می‌کنم».(1)

فضیلت هدایت یتیمان آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

«الامام علیه السلام و قال أشدُّ مِنْ يَتِيمٍ هَذَا الْيَتِيمِ يَتِيمٍ [ينقطع] عَنْ إِمَامِهِ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْوُصُولِ إِلَيْهِ وَلَا يَدْرِي كَيْفَ حُكْمُهُ فِيمَا يُبْتَلَى بِهِ مِنْ شَرَائِعِ دِينِهِ إِلَّا فَمَنْ كَانَ مِنْ شَرِيْعَتِنَا عَالِمًا بِعُلُومِنَا وَ هَذَا الْجَاهِلُ بِشَرِيْعَتِنَا الْمُتَقَطِّعُ عَنْ مُشَاهَدَتِنَا يَتِيمٌ فِي حِجْرِهِ إِلَّا فَمَنْ هَدَاهُ وَ أَرْشَدَهُ وَ عَلَّمَهُ شَرِيْعَتَنَا كَانَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى؛»(2)

امام حسن عسکری علیه السلام از پدران گرامش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آورده که می‌فرماید: «ناگوارتر از یتیمی فرد بی‌مادر و پدر، یتیمی آن کسی است که از امامش دور افتاده، و توان وصول به او را ندارد، و پاسخ مسائل مورد نیازش را نمی‌داند، پس بدانید که شیعه ما دانای به علوم ماست، و افرادی که - به دلیل عدم دیدار - از علم ما بی‌خبر مانده‌اند همچون یتیمی در کنف حمایت ایشانند. بدانید جایگاه کسی که هدایت و ارشاد نموده و دستورها و شرائع ما را تعلیم می‌کند همراه ما در گروه انبیاء علیهم السلام در اعلی‌علیین خواهد بود.»

ص: 73

-
- 1- فضائل الأشهر الثلاثة، ص 89، ح 68 عن زیاد بن المنذر، الأمالی للصدوق، ص 277، ح 307 عن عبدالعظیم الحسنی عن الإمام الهادی علیه السلام وفيه إلی «لمن يُرید»، بحار الأنوار، 131/413/69
 - 2- تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص 339، ح 214

«قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ كَانَ مِنْ شَيْعَتِنَا عَالِمًا بِشَرِّ رِبْعَتِنَا وَأَخْرَجَ ضِدَّ عَفَاءِ شَيْعَتِنَا مِنْ ظُلْمَةِ جَهْلِهِمْ إِلَى نُورِ الْعِلْمِ الَّذِي حَبُونَاهُ [به] جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَلَى رَأْسِهِ تَاجٌ مِنْ نُورٍ يُضِيءُ لِأَهْلِ جَمِيعِ تِلْكَ الْعَرَصَاتِ وَ [عَلَيْهِ] حُلَّةٌ لَا يَقُومُ لِأَقَلِّ سَلَكِ مِنْهَا الدُّنْيَا بِحَدَافِيرِهَا ثُمَّ يَنَادِي مُنَادٍ [من عند الله] يَا عِبَادَ اللَّهِ هَذَا عَالِمٌ مِنْ بَعْضِ تِلْكَ الْمَرَدَّةِ آلِ مُحَمَّدٍ أَلَا فَمَنْ أَخْرَجَهُ فِي الدُّنْيَا مِنْ حَيْرَةِ جَهْلِهِ فَلْيَسِّدْ بَثَّ بِنُورِهِ لِيُخْرِجَهُ مِنْ حَيْرَةِ ظُلْمَةِ هَذِهِ الْعَرَصَاتِ إِلَى نُورِ الْجَنَانِ فَيُخْرِجُ كُلَّ مَنْ كَانَ عَاطِلًا فِي الدُّنْيَا خَيْرًا أَوْ فَتَحَ عَنْ قَلْبِهِ مِنَ الْجَهْلِ قَفْلًا أَوْ أَوْضَحَ لَهُ عَنْ شُبْهَةٍ!» (1)

و از امیر المؤمنین علیه السلام نقل است که فرموده: هر که پیرو ما بوده و عالم و به دستورهای ما باشد، و پیروان ضعیف و ناتوان ما را از تاریکی جهل و نادانی به نور علم و دانشی که به او عطا نموده ایم خارج سازد، روز قیامت تاجی از نور بر سر دارد و تمام اهل آن ساحت را روشن سازد، و نیز جامه ای دارد که تمام دنیا با ذره ای از رشته و نخ آن برابری نمی کند، سپس ندا کننده ای فریاد بر آورد: ای بندگان خدا این فرد دانشمند، یکی از شاگردان علمای آل محمد علیهم السلام است!

و بدانید افرادی که در این سرا با توسل به نور دانش او از حیرت جهل و نادانی برون رفته اند در آن سرا نیز به کمک نور او از تمام عرصه ها به بهشت های دور رهنمون شوند. پس به هر که در دنیا خیری

آموخته، و قفل جهل و نادانی از قلبش گشوده، یا شبهه ای را برایش روشن و آشکار ساخته، همه و همه را از آن عرصه ها خارج می سازد.»

فضیلت تعلیم مسلمانان در برابر کفار

«قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ مَنْ تَكْفَلُ بِأَيْتَامِ آلِ مُحَمَّدٍ الْمُنْقَطِعِينَ عَنْ إِمَامِهِمُ الْمُتَحِيرِينَ فِي جَهْلِهِمُ الْأَسْرَاءِ فِي أَيِّدِي شَيَاطِينِهِمْ وَ فِي أَيِّدِي النَّوَاصِبِ مِنْ أَعْدَائِنَا فَاسْتَفْذَهُمْ مِنْهُمْ وَأَخْرَجَهُمْ مِنْ حَيْرَتِهِمْ وَقَهَرَ الشَّيَاطِينَ بِرَدِّ وَسَاوِسِهِمْ وَقَهَرَ النَّاصِبِينَ بِحُجَجِ رَبِّهِمْ وَ دَلِيلِ أُنْمَتِهِمْ لِيُفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى عَلَى الْعَابِدِ بِأَفْضَلِ الْمَوَاقِعِ بِأَكْثَرِ مِنْ فَضْلِ السَّمَاءِ عَلَى الْأَرْضِ وَالْعَرْشِ وَالْكَرْسِيِّ وَالْحُجُبِ [عَلَى السَّمَاءِ] وَ فَضْلُهُمْ عَلَى هَذَا الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ عَلَى أَخْفَى كَوْكَبٍ فِي السَّمَاءِ» (1)

از امام جواد علیه السلام نقل است که می فرماید: به درستی هر که سرپرستی یتیمان آل محمد علیهم السلام - همانها که از امامشان دور افتاده و در حیرت جهل غوطه ور و در دستان دشمنان ناصبی ما اسیرند- را بر عهده گیرد و ایشان را نجات داده و از سرگردانی برهاند، و شیاطین را با دفع وسوسه هایشان مغلوب سازد، و بر ناصبیان [دشمنان اهل بیت علیهم السلام توسط حجت های پروردگار و دلایل امامان شان چیره شود، مقام و منزلتش نزد خداوند به بهترین وجهی بر شخص عابد برتری و فضیلت یابد، فضیلتی بمراتب بالاتر از فضل آسمان بر زمین و عرش و کرسی و پرده های آسمان، و برتری این جماعت بر گروه عابدان همچون فضیلتی است که ماه شب

ص: 75

دوام ثواب تعلیم به مردم حتی پس از مرگ

«عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ عَلَّمَ خَيْرًا فَلَهُ بِمِثْلِ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ قُلْتُ فَإِنْ عَلَّمَهُ غَيْرَهُ يَجْرِي ذَلِكَ لَهُ قَالَ إِنْ عَلَّمَهُ النَّاسَ كُلَّهُمْ جَرَى لَهُ قُلْتُ فَإِنْ مَاتَ قَالَ وَإِنْ مَاتَ؛» (1)

ابی بصیر می گوید: شنیدم حضرت ابا عبدالله (امام صادق علیه السلام) می فرماید: کسی که خیر و نیکی (علم و دانشی) را (به دیگری) یاد دهد برای او است مانند اجر و پاداش کسی که به آن خیر و نیکی عمل و رفتار نماید. گفتم: اگر او (که خیر و نیکی را یاد گرفته و به آن عمل کرده) آن را به دیگری یاد دهد، همان ثواب و پاداش دیگری هم برای او می باشد؟ فرمود: اگر آن دیگری خیر و نیکی را به همه مردم یاد دهد، ثواب و پاداش (همه مردم) برای او است. گفتم: و اگر چه (آنکه در آغاز خیر و نیکی را یاد داده) مرده باشد؟ حضرت فرمود: و اگر چه مرده باشد.»

«عَنْ حَمَّادِ السَّمْنُذِيِّ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي أَدْخُلُ بِلَادَ الشَّرْكِ وَإِنَّ عِنْدَنَا يَقُولُونَ إِنْ مِتَّ ثُمَّ حُشِرْتَ مَعَهُمْ قَالَ فَقَالَ لِي يَا حَمَّادُ إِذَا كُنْتَ ثُمَّ تَذَكَّرُ أَمْرَنَا وَتَدْعُو إِلَيْهِ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَإِذَا كُنْتَ فِي هَذِهِ الْمُدُنِ مُدْنِ الْإِسْلَامِ تَذَكَّرُ أَمْرَنَا وَتَدْعُو إِلَيْهِ قَالَ قُلْتُ لَا فَقَالَ لِي إِنَّكَ إِنْ مِتَّ ثُمَّ حُشِرْتَ أُمَّةً»

ص: 76

از حمّاد سنديّ روايت شده كه گويد: به حضرت صادق عليه السّلام عرض كردم: من به شهرها و كشورهاي بيگانگان و غير مسلمان رفت و آمد مي كنم بعضي از هم مسلک هاي ما مي گويند، اگر تو در آن شهرها بميري با آنها محشور خواهي شد. حضرت فرمود: اي حمّاد وقتي در آن محيط ها، به ياد امر ما هستي و مردم را به آن مي خواني؟ عرض كردم: آري! فرمود: اما اگر در شهرهاي اسلامي باشي باز به ياد امر (ولایت و خلافت) ما هستي و مردم را به آن تبليغ مي کنی؟ عرض كردم: نه! فرمود: بنا بر اين اگر در محيط غير اسلامي كه براي ما تبليغ مي کنی بميري يك امت تنها محشور شوي و نور تو در پيشاپيش تو بشتابد.»

مبلّغ دين اسلام، زنده کننده انسان ها

«عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قُلْتُ لَهُ قَوْلَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَ مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا فَقَالَ مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى فَقَدْ هَدَىٰ مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى وَ مَنْ هَدَىٰ إِلَى ضَلَالٍ فَقَدْ قَتَلَهَا» (2)

سماعه مي گوید: به امام ششم عليه السّلام گفتم: راجع به قول خدا عزّوجلّ (آیه 32 سوره مائده) هر کس بکشد شخصي را نه به قصاص، گویا کشته است همه مردم را و هر کس زنده دارد آن را، گویا زنده داشته

ص: 77

1- امالی طوسی، ص 46، ح 54، رجال الکشي، ج 2، ص 634، ح 635

2- کافی، ج 2، ص 210، ح 1

همه مردم را. فرمود: هر که او را از گمراهی به هدایت برآورد گویا او را زنده داشته و هر کس او را از هدایت به گمراهی کشاند البته که او را کشته باشد.»

دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حق مبلغان دین

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اللَّهُمَّ اِرْحَمْ خُلَفَائِي ثَلَاثًا قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ خُلَفَاؤُكَ قَالَ الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ حَدِيثِي وَسُنَّتِي ثُمَّ يُعَلِّمُونَهَا أُمَّتِي» (1)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سه بار فرمود: بار خدایا خلیفه های مرا رحم کن. گفتند: یا رسول الله خلیفه هایت چه کسانی هستند؟ فرمود: آن کسانی که حدیث و سنت مرا تبلیغ کنند و به امت من بیاموزند.»

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ مِنَى فَقَالَ نَصَرَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ مَقَالَتِي فَوَعَاهَا وَبَلَّغَهَا مَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا» (2)

امام صادق علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در سرزمین منی سخنرانی نمود، فرمود: خداوند خرم کند روی بنده ای را که سخن مرا بشنود و خوب فرا گیرد و به آن کس که نشنیده است برساند.»

با توجه به روایات یاد شده در می یابیم از آنجا که مبلغ دین، در حقیقت زنده کننده انسان ها و هدایت گر از اعماق تاریکی ها و جهالت به هدایت الهی است و اجر زیادی خواهد داشت و مشمول دعای رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و رحمت الهی خواهد بود. بنابراین بر کسانی که توانایی این

ص: 78

1- مستدرک سفینه البحار، ج 3، ص 153؛ أمالی صدوق، ص 181

2- کافی، ج 1، ص 403، ح 1

امر مهم را در خود می یابند، لازم است که وارد عرصه تبلیغ دین شده و به دستور پیشوایان معصوم علیهم السَّلامُ برای هدایت و راهنمایی یتیمان و مستضعفان فکری و عقیدتی، اقدام کند. به ویژه در دنیای معاصر که بشر گرفتار دنیا و مفاسد اخلاقی شده و در بند مادیت است، این مسئله اهمیت بیشتری پیدا می کند.

ص: 79

در دنیای معاصر، مسلمانان در سراسر دنیا پراکنده اند و به خاطر مشکلات معیشتی یا تحصیل علم به کشورهای غیر مسلمان سفر می کنند. یکی از وظایف حوزه های علمیه این است که از این گروه ها پشتیبانی علمی نماید تا گرفتار شبهه افکنان و مخالفان نشوند. اینک به برخی از روایاتی که در آنها به حمایت علمی و معرفتی مسلمانان در برابر مخالفان سفارش شده اشاره می کنیم:

اهمیت دفاع علمی و دینی از مسلمانان در برابر کفار

«قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ حَمَلَ إِلَيْهِ رَجُلٌ هَدِيَّةً فَقَالَ لَهُ أَيُّمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ أَنْ أُزِدَّ عَلَيْكَ بِدَلِّهَا عَشْرِينَ ضِعْفًا عَشْرِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ أَوْ أَفْتَحَ لَكَ بِهَا أَبَاكَ مِنَ الْعِلْمِ تَقْهَرُ فُلَانَ النَّاصِبِيَّ فِي قَرْيَتِكَ تُتَّقِدُ بِهِ ضِعْفًا أَهْلَ قَرْيَتِكَ؟ إِنْ أَحْسَنْتَ الْإِخْتِيَارَ جَمَعْتُ لَكَ الْأَمْرَيْنِ وَإِنْ أَسَأْتَ الْإِخْتِيَارَ خَيْرْتُكَ لِتَأْخُذَ أَيُّهُمَا شِئْتُمْ أَفْقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَتَوَابِي فِي قَهْرِي لِذَلِكَ النَّاصِبِ وَاسْتِنْقَازِي لِأَوْلِيكَ الضُّعْفَاءِ مِنْ يَدِهِ قَدْرُهُ عَشْرُونَ أَلْفَ دِرْهَمٍ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَلْ أَكْثَرَ مِنَ الدُّنْيَا عَشْرِينَ أَلْفَ مَرَّةً! فَقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَكَيْفَ أُخْتَارُ الْأَدُونِ بَلْ أُخْتَارُ الْأَفْضَلَ الْكَلِمَةَ الَّتِي أَفْهَرُ بِهَا عَدُوَّ اللَّهِ وَادُّودَهُ عَنِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ فَقَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ أَحْسَنْتَ الْإِخْتِيَارَ وَعَلَّمَهُ الْكَلِمَةَ وَ

أَعْطَاهُ عِشْرِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ فَذَهَبَ فَأَفْحَمَ الرَّجُلَ فَاتَّصَلَ خَبْرُهُ بِهِ فَقَالَ لَهُ إِذْ حَضَرَهُ يَا عَبْدَ اللَّهِ مَا رَيْحَ أَحَدٍ مِثْلَ رَيْحِكَ وَلَا اِكْتَسَبَ أَحَدٌ مِنَ الْأَوْدَاءِ مَا اِكْتَسَبَتْ مَوَدَّةَ اللَّهِ أَوْلَا وَ مَوَدَّةَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثَانِيًا وَ مَوَدَّةَ الطَّيِّبِينَ مِنْ آلِهِمَا ثَالِثًا وَ مَوَدَّةَ مَلَائِكَةِ اللَّهِ رَابِعًا وَ مَوَدَّةَ إِخْوَانِكَ الْمُؤْمِنِينَ خَامِسًا فَاِكْتَسَبَتْ بِعَدَدِ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ كَافِرٍ مَا هُوَ أَفْضَلُ مِنَ الدُّنْيَا أَلْفَ مَرَّةٍ فَهَيِّنَا لَكَ هَيْنًا» (1)

امام حسن مجتبیٰ علیه السَّلَامُ به کسی که هدیه ای برایش آورده بود فرمود: آیا مایلی در مقابل آن، بیست برابرش به تو بدهم، یا مطالبی به تو بیاموزم که بر فلان فرد ناصبی چیره شده و گروهی از مردم گمراه و ساده لوح را از تبلیغات شوم او نجات دهی؟ و اگر حسن انتخاب داشته و آن را که بهتر است برگزینی برایت هر دو را جمع می‌کنم، و گر نه در تشخیص بهتر خطا کنی، و در هر حال در انتخاب یکی از آن دو متخیر خواهی بود. آن مرد گفت: آیا اجر و ثواب من در غلبه بر دشمن حق، و نجات مردم از شر تبلیغات و سخنانش به اندازه ارزش بیست هزار درهم است؟ حضرت فرمود: نه، بلکه ارزش آن عمل برابر با هزار هزار قیمت همه دنیاست. گفت: پس چطور امر بی ارزش و پست تر را برگزینم، بلکه آن دیگر را انتخاب می‌کنم.

امام علیه السَّلَامُ فرمود: در اختیاری که داشتی بهترین را برگزیدی. پس آن مطالب را به او آموخته و بیست هزار درهم نیز بدو عطا فرمود.
باری آن

ص: 82

مرد، پس از بازگشت به شهر خویش با آن فرد ناصبی مباحثه و جدال نموده و او را ساکت و مجاب کرد. خبر این پیروزی به امام علیه السلام رسیده و در ملاقات بعدی به او فرمود: هیچ کس مانند تو در عمل و کسب سود نبرد، کاری کردی که موجب محبت خدا، و پیامبر، و جانشینان اطهار او، و فرشتگان مقرب، و برادران مؤمن به تو شد، و بهره ای که تو بردی به اندازه تمام اهل ایمان و کفر، و بیش از مقدار هزار برابر دنیا بود. پس این نعمت بزرگ بر تو گوارا و خوش باد!

در این روایت امام حسن مجتبی علیه السلام شیعه ای که در منطقه ای دیگر زندگی می کند به وسیله استدلال های علمی تقویت می کند تا با کسانی که به جنگ با مکتب اهل بیت علیهم السلام آمده اند مبارزه کرده و شبهات آنان را دفع کرده و دیگران را از شر او برهانند.

لزوم ابلاغ و تقویت بنای اعتقادی جهانیان در برابر بدعت ها

«عنه صلى الله عليه واله و سلم: إذا ظهرت البدع و لعن آخر هذه الأمة أولها، فمن كان عنده علم فليشره؛ فإن كاتم العلم يومئذ ككاتم ما أنزل الله على محمد»

رسول خدا صلی الله علیه واله و سلم می فرماید: هنگامی که بدعت ها پدیدار شود و آیندگان این امت، پیشینیان آن را لعنت کنند، هر کس علمی داشته باشد، باید آن را منتشر سازد، که پنهان کننده دانش در چنان روزی، همچون پنهان کننده چیزهایی است که خداوند بر محمد صلی الله علیه واله و سلم نازل کرده است؛(1)

ص: 83

1- الجامع الصغير، ج 1، ص 115، ح 751، كنز العمال، ج 1، ص 179، ح 903 و ج 10، ص 216، ح 29140 نقلا- عن ابن عساکر عن معاذ

«عنه صلى الله عليه واله و سلم: إِنَّ لِلَّهِ عِنْدَ كُلِّ بَدْعَةٍ تَكِيدُ الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ مَنْ يَدْبُ عَنْهُ وَيَتَكَلَّمُ بِعَلَامَاتِهِ، فَاعْتَنِمُوا تِلْكَ الْمَجَالِسَ بِالذَّبِّ عَنِ الضُّعْفَاءِ، وَتَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ، وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً»

رسول خدا صلى الله عليه واله و سلم می فرماید: در هر بدعتی که در صدد نیرنگ زدن به اسلام و مسلمانان باشد، خداوند، کسی را دارد که از اسلام دفاع کند و نشانه های [روشن] آن را باز گوید. پس آن مجالس [افشای بدعت ها] را با دفاع از ضعیفان، غنیمت بشمارید، و بر خدا توکل کنید که خداوند برای اعتماد به او بسنده است» (1)

پیامبر اکرم صلى الله عليه واله و سلم در این دو روایت بیان می فرماید: که هنگام به وجود آمدن بدعت ها، علماء و حوزه های علمیه باید علم و آگاهی خود را اظهار کرده و گرفتاران در گمراهی را نجات دهند. اکنون در دنیای معاصر، انواع فرقه ها و گروه های منحرف مشغول منحرف، کردن مردم هستند و بدعت در دین به وجود می آورند؛ لذا حوزه های علمیه باید به مبارزه با این منحرفان رفته و بطلان عقاید آنها را آشکار سازند.

لزوم تقویت علمی مردم در برابر کافران

«وَسَبِيلَ الْبَاقِرِ مُحَمَّدٌ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّقَاذُ الْأَسِيرِ الْمُؤْمِنِ مِنْ مَحْبِيئِنَا مِنْ يَدِ النَّاصِبِ يُرِيدُ أَنْ يُضِلَّهُ بِفَضْلِ لِسَانِهِ وَبَيَانِهِ أَفْضَلُ أَمْ إِنَّقَاذُ الْأَسِيرِ مِنْ أَيْدِي

ص: 84

1- حلية الأولياء، ج 10، ص 400، ح 691 عن أبي هريرة، كنز العمال، ج 12، ص 193، ح 34624

أَهْل [الرُّوم] قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلرَّجُلِ أَخْبِرْنِي أَنْتَ عَمَّنْ رَأَى رَجُلًا مِنْ خِيَارِ الْمُؤْمِنِينَ يَغْرُقُ وَ عَصْفُورَةً تَغْرُقُ لَا يَقْدِرُ عَلَى تَخْلِيصِهِمَا بَإَيِّهِمَا اللهُ تَعَالَى فَاتَهُ الْآخِرُ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ أَنْ يُخَلِّصَهُ قَالَ الرَّجُلُ مِنْ خِيَارِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَعْدُ مَا سَأَلْتَ فِي الْفَضْلِ أَكْثَرَ مِنْ بُعْدِ مَا بَيْنَ هَذَيْنِ إِنَّ ذَلِكَ يُوفِّرُ عَلَيْهِ دِينَهُ وَ جَنَانَ رَبِّهِ وَ يُتَّقِدُهُ مِنَ النَّيْرَانِ وَ هَذَا الْمَظْلُومُ إِلَى الْجَنَانِ يَصِيرُ؛ (1)

از امام باقر علیه السلام سؤال شد که نجات دادن مؤمنی از دوستان ما که اسیر دست غاصبی شده و می خواهد این مومن را گمراه کند به وسیله زبان و قدرت بیان، از دست آن غاصب افضل است یا رهانیدن اسیری از دست رومیان کافر؟

امام باقر علیه السلام فرمود: بگو بدانم اگر کسی بیند که یکی از بهترین مؤمنین در آب غرق می شود و هم زمان با او گنجشکی نیز در حال غرق شدن است و این نمی تواند هر دو را از غرق نجات دهد که هر یک را نجات دهد دیگری از دست رفته و غرق خواهد شد در چنین صورتی کدام یک از این دو را نجات دادن بهتر است؟ عرض کرد: مردی را که از بهترین مؤمنین است نجات دادن بهتر است، حضرت فرمود: فاصله فضیلت یکی از آن دو که پرسیدی بر دیگری بیش از این دو است، همانا این که گفتمی دین او را و بهشت پروردگارش را برای او تأمین می کند و او را از آتش الهی نجات می دهد و این مظلوم راهی بهشت

می شود.

ص: 85

در این روایت امام باقر علیه السَّلَام می فرماید اگر مشاهده شد که شخص ناصبی و مخالف در حال اغفال کسی از مکتب اهل بیت علیهم السَّلَام است لازم است او را با تقویت علمی برهاند. اکنون مشاهده می کنیم که وهابیت و مخالفان مکتب اهل بیت علیهم السَّلَام از راه های مختلف مشغول گمراه کردن جوانان مؤمن و مسلمان هستند لذا بر حوزه های علمیه و علما لازم است در این عرصه حضور یابند و به دستور امام باقر علیه السَّلَام جامه عمل بپوشانند و شبهات اهل باطل را آشکار کنند.

جلوگیری از ایجاد هرگونه تحریف در اسلام

«عنه صلى الله عليه واله و سلم: إِنَّ فِي كُلِّ خَلْفٍ مِنْ أُمَّتِي عَدْلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي؛ يَنْفِي عَنِ هَذَا الدِّينِ تَحْرِيفَ الْغَالِيْنَ، وَ انْتِحَالَ الْمُبْطِلِيْنَ، وَ تَأْوِيلَ الْجَاهِلِيْنَ»

رسول خدا صلى الله عليه واله و سلم: در هر نسلی از امت، از اهل بیت یک عادل وجود دارد که تحریف غلو کنندگان و فرقه سازی باطل اندیشان و تأویل

جاهلان را از این دین، دور می سازد. (1)

اکنون حوزه های علمیه هم با تحریف غلو کنندگان روبروست و هم

ص: 86

1- کمال الدین، ج 1، ص 221، ح 7 عن أبي الحسين الليثي، قرب الإسناد، ص 77، ح 250 عن مسعدة بن صدقة كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه: الفصول المختارة، ص 325 وفيه «وقول النبي صلى الله عليه واله و سلم...»، المناقب لابن شهر آشوب، ج 1، ص 245 وفيه «عن النبي صلى الله عليه واله و سلم...»، بحار الأنوار، ج 23، ص 30، ح 46، كنز العمال، ج 10، ص 176، ح 28919 نقلاً عن المستدرک علی الصحیحین عن إبراهيم بن عبد الرحمن العذري وفيه «يرث هذا العلم من كل خلف...» وليس فيه «من أهل بيتي»

فرقه های مختلف در حال فعالیت هستند و هم چنین جاهلان با تأویل آیات خداوند به نفع اغراض خود مشغول اغوای مردم هستند لذا لازم است با حضور در عرصه بین الملل به نجات مردم برخیزند و آنها را از شبهات برهانند.

تقویت علمی محبان ائمه علیهم السّلام در برابر کافران

«قال موسى بن جعفر عليه السّلام: من أعان محبا لنا على عدو لنا فقواه و شدّ جَعَهُ حَتَّى يَخْرُجَ الْحَقُّ الدَّالُّ عَلَيَّ فَضَدَّ لَنَا بِأَحْسَنِ صُورَتِهِ وَ يَخْرُجَ الْبَاطِلُ الَّذِي يَرُومُ بِهِ أَعْدَاؤُنَا دَفْعَ حَقِّنَا فِي أَقْبَحِ صُورَةٍ حَتَّى يُتَّبِعَهُ الْغَافِلُونَ وَ يَسْتَبْصِرَ الْمُتَعَلِّمُونَ وَ يَزْدَادَ فِي بَصَائِرِهِمُ الْعَامِلُونَ بَعَثَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَعْلَى مَنَازِلِ الْجَنَانِ وَ يَقُولُ يَا عَبْدِي الْكَاسِرَ لِأَعْدَائِي النَّاصِرَ لِأَوْلِيَائِي الْمُصَدِّحَ بِتَفْضِيلِ مُحَمَّدٍ خَيْرِ أَنْبِيَائِي وَ بِتَشْرِيفِ عَلِيِّ أَفْضَلِ أَوْلِيَائِي وَ تَتَاوَى إِلَى مَنْ نَاوَاهُمَا وَ تَسَمَّى بِأَسْمَائِهِمَا وَ أَسَمَاءِ خُلَفَائِهِمَا وَ تَلَقَّبَ بِأَلْقَابِهِمَا فَيَقُولُ ذَلِكَ وَ يُبَلِّغُ اللَّهُ جَمِيعَ أَهْلِ الْعَرَصَاتِ فَلَا يَبْقَى مَلِكٌ وَ لَا جَبَّارٌ وَ لَا شَيْطَانٌ إِلَّا صَلَّى عَلَيَّ هَذَا الْكَاسِرَ لِأَعْدَائِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ وَ لَعَنَ الَّذِينَ كَانُوا يُنَاصِبُونَهُ فِي الدُّنْيَا مِنَ النَّوَاصِبِ لِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (1)

امام کاظم علیه السّلام می فرماید: هر کس یکی از دوستان ما را که گرفتار دشمنان ما شده است، کمک و یاری نماید و او را که در بحث و مناظره با دشمنان وارد صحنه شده یا دچار شبهات شده را تقویت و تشجیع

ص: 87

کند، تا این که فضیلت ما را به روشنی، به بهترین شکل بیان کند و باطلی را معلوم کند که دشمنان ما آن را می خواهند، و حق ما را در بدترین شکل نفی

می کنند، تا این که غافلان را آگاه سازد و علم آموزان بینا شوند و بر بینش عالمان افزوده گردد، در روز قیامت، خداوند او را در والاترین منازل بهشت بر

می انگیزد و می فرماید: ای بنده من که شکننده دشمنانم و یاور دوستانم بوده، به فضیلت محمد صلی الله علیه و اله و سلم که برترین پیامبرانم است و شرافت علی علیه السلام که با فضیلت ترین دوستانم می باشد تصریح کردی! (بنده ای که) دشمنی می کند با کسی که با آنان دشمنی کند و به نام آنها و نام جانشینان آنها نامیده می شود و به لقب های آنان لقب می گیرد، پس این جمله را خداوند می گوید و به همه اهل دنیا می رساند، پس هیچ کافر و ظالم و شیطانی باقی نمی ماند، مگر آنکه به این فرد شکننده دشمنان محمد صلی الله علیه و اله و سلم درود می فرستد و لعن می کند کسانی را که به پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و حضرت علی علیه السلام در دنیا دشنام می دادند.

قدرت مند کردن علمی مسلمانان علیه کافران، بسان زنده کردن همه مردم

«قَالَ الْحَسَنُ بْنُ بَنِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَجُلٍ أَيُّهُمَا أَحَبُّ إِلَيْكَ رَجُلٌ يَرُومُ قَتْلَ مَسْكِينٍ قَدْ ضَعُفَ تَنْقِذُهُ مِنْ يَدِهِ أَوْ نَاصِبٌ يُرِيدُ إِضْلَالَ مَسْكِينٍ [مُؤْمِنٍ] مِنْ ضُعْفَاءِ شِيعَتِنَا تَفْتَحُ عَلَيْهِ مَا يَمْتَنِعُ [الْمَسْكِينِ] بِهِ مِنْهُ وَيُفْحِمُهُ وَيَكْسِرُهُ بِحُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى قَالَ بَلْ إِنْفَادُ هَذَا الْمَسْكِينِ الْمُؤْمِنِ مِنْ يَدِ هَذَا النَّاصِبِ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى»

يَقُولُ وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً أَيْ وَمَنْ أَحْيَاهَا وَأُرْشِدَهَا مِنْ كُفْرٍ إِلَى إِيمَانٍ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَقْتُلَهُمْ بِسُيُوفِ الْحَدِيدِ؛» (1)

امام حسین علیه السلام، از کسی پرسیدند: کدامیک از این دو کار نزد تو محبوب تر است: مردی می خواهد بیچاره ناتوانی را بکشد، تو او را از دستش نجات

می دهی، یا فردی ناصبی می خواهد مؤمن در مانده ضعیفی از شیعیان ما را به گمراهی بکشاند، تو راهی را بر او می گشایی که این مسکین با آن [راه] از او

(ناصبی) دوری کرده و او را با براهین الهی خاموش کرده و شکست دهد؟ سپس خود حضرت فرمودند: آری، اگر این فرد را از دست آن دشمن ناصبی نجات دهی ارزشمندتر است که خدای بزرگ می فرماید: «و من احياها فکانما احيا الناس جميعا؛ و هر که آن [نفس] را زنده نماید و از کفر به ایمان ارشاد کند، گویی همه مردم را از کشتار با شمشیرهای آهنین زنده نگهداشته است.»

روایات این فصل، بیانگر این نکته بودند که هر کسی خود را در جایگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و اهل بیت علیهم السلام می داند و قصد دارد که راه ایشان را ادامه دهد با حضور خود در عرصه های مختلف با شبهات مخالفان و منحرفان مبارزه کرده و مردم مستضعف را از چنگال آنها برهاند. اکنون با توجه به این که در سراسر دنیا هزاران فرقه و گروه، مشغول گمراه کردن مردم هستند، حوزه های علمیه و علما باید عقاید باطل آنها را در هر جا که هستند پاسخ داده و با آنها مبارزه کنند و گرنه اگر در این امر،

ص: 89

کوتاهی از حوزه های علمیه سر زد و گروهی به خاطر عدم حضور حوزه گمراه شدند، مستوجب عقاب الهی خواهند شد.

ص: 90

فصل پنجم : موضوعات تبلیغی در عرصه بین الملل از نگاه امامان معصوم علیهم السَّلامُ

اشاره

ص: 91

مردم در سراسر دنیا فرهنگ ها، علایق و سنت های مختلفی دارند، به برخی حرف ها و رفتارها علاقه دارند و از برخی دیگر گریزانند. با توجه به این نکته، مبلغ در عرصه بین الملل باید موضوع های حساب شده ای، متناسب با مردم آن دیار مطرح کند تا اذهان، آماده دریافت مطالب او را داشته باشند و از برخی اعمال و موضوع ها باید پرهیزد. در این باره روایاتی را از پیشوایان معصوم علیهم السّلام ذکر می کنیم:

ویژگی مبلغ بین المللی، لطیف، مثل گل بی خار

«الامام الصادق علیه السّلام: قال ابي عليه السّلام: كونوا من السابقين بالخيرات، وكونوا ورقاً لا شوك فيه؛ فإن من كان قبلكم كانوا ورقاً لا شوك فيه، وقد خفت أن تكونوا شوكا لا ورق فيه، وكونوا دعاة إلى ربكم، وأدخلوا الناس في الإسلام ولا تخرجوهم منه، وكذلك من كان قبلكم؛ يدخلون الناس في الإسلام ولا يخرجونهم منه؛»

امام صادق علیه السّلام: پدرم [امام باقر علیه السّلام] فرمود: «از پیشی گیرندگان در کارهای خیر باشید، و گل بی خار باشید، که کسانی پیش از شما وجود داشتند که گل بی خار بودند، و من می ترسم که شما خار بی گل باشید! دعوت کنندگان به سوی پروردگارتان باشید و مردم را وارد اسلام کنید

و از آن، بیرونشان نکنید. آنان که پیش از شما بودند، این چنین بودند؛ مردم را وارد اسلام می کردند، نه آن که ایشان را از آن خارج سازند» (1).

این روایت بیانگر آن است که مبلغ در عرصه بین الملل باید از اخلاق و رفتاری که باعث گریزان شدن مردم از دین خدا است پرهیزد. قرآن خطاب به پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم می فرماید: اگر خشن و بد اخلاق بودی مردم از اطراف تو پراکنده می شدند (آل عمران 159) و این یکی از ویژگی های مهم رسول اکرم صلی الله علیه و اله و سلم بود که بسیاری شیفته اخلاق او و در نهایت، جذب اسلام شدند.

لزوم آشنایی با فرهنگ و زبان جامعه هدف در سراسر دنیا

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (2)

و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم، تا [حقایق را] برای آنان بیان کند، پس خدا هر که را بخواهد، بی راه می گذارد، و هر که را بخواهد، هدایت

می کند؛ و او ارجمند حکیم است.

زبان هر مردمی، گویای فرهنگ آنهاست، چون اندیشه و فرهنگ غالب از طریق زبان انتقال می یابد، لذا وقتی زبان کشوری را می آموزیم در حقیقت با فرهنگ آنها آشنا می شویم. این آیه، بیانگر آن است که همه پیامبران با زبان مردم منطقه تبلیغی خود آشنا بودند و آن بدین

ص: 93

1- الأصول الستة عشر، ص 69 عن جابر

2- سوره ابراهیم (14)، آیه 4

معناست که با فرهنگ و آداب و رسوم آنها کاملاً آشنا بودند. مبلغ حوزه علمیه نیز قبل از رفتن به عرصه بین الملل باید با فرهنگ آنها آشنایی کامل داشته تا بتواند با آنها ارتباط بهتری داشته باشد.

فرار از فتنه عمومی با پشتوانه محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهلیت علیهم السلام

عن سلمان و جندب بن جنادة أنهما سمعا رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول: إن الله أمر الملائكة حتى رفعوا الأرض [إلى] فنظرت إلى جبالها وسهلها وبرها وبحرها ثم أخبرني ربي من فتنة تصيب أمتي كل ذلك حرصا لها وجمعا لها وليس أحد منهم بناج إلا من أشغل نفسه بما أمره الله وطلب ما عنده ولا يخرج من هذه الدنيا إلا بمحبتى و محبة أهل بيتى و عترتى و من أحبنا فقد أحب الله و من أبغضنا أبغضه الله. و أخبرني ربي قال: يا محمد لا يزال دينك زائدا و لا يزال دين من خالفك ناقصا و سيبلغ دينك مبلغ الليل من المشرق إلى المغرب فطوبى لمن خرج من الدنيا على دينك و علامته أنه على دينك أن يرزقه الله محبتك و محبة أهل بيتك و قليل منهم إلا في آخر الزمان؛ (1)

سلمان و جندب ابن جناده (ابوذر) شنیدند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند متعال فرشتگان را امر فرمود تا زمین را به سوی من بالا-برند، پس به کوه ها و دشت ها و خشکی و دریای آن نگریستم، سپس پروردگرم به من خبر داد که فتنه ای به امت من خواهد رسید که به دلیل حرص و جمع اموال دنیا خواهد بود و هیچ کس از آن نجات پیدا نخواهد کرد مگر آن کس که خود را به آنچه خداوند آن را به او امر

ص: 94

کرده مشغول سازد و از او بخواهد و با محبت من و محبت اهل بیت و عترتم از این دنیا خارج شود و هر کس ما را دوست بدارد خدا را دوست داشته و هر کس ما را دشمن بدارد با خداوند دشمنی کرده است. و پروردگرم به من خبر داد و فرمود: ای محمد دین تو همواره فزون و دین کسی که مخالف توست در نقصان خواهد بود و دین تو به مشرق و مغرب خواهد رسید؛ پس خوشا به سعادت آن کس که بر دین تو از این دنیا رخت بر بندد و علامت این که کسی بر دین توست این که خداوند محبت تو و اهل بیت تو را روزی او خواهد کرد و اینان اندک هستند مگر در آخرالزمان.

این روایت بیان می فرماید که مبلغ در عرصه بین الملل باید مردم را بر محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام آشنا و تربیت کند که آن راه رستگاری و نجات از گمراهی و فتنه های عمومی می باشد.

پیامد عالم گیر تعلیم محاسن کلام اهل بیت علیهم السلام به انسان ها

«الإمام الصادق عليه السلام: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبَبْنَا إِلَى النَّاسِ وَلَمْ يُبَغِّضْنَا إِلَيْهِمْ! أَمَا وَاللَّهِ لَوْ يَرَوْنَ مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَكَانُوا بِهِ أَعَزَّ، وَمَا اسْتَطَاعَ أَحَدٌ أَنْ يَتَعَلَّقَ عَلَيْهِمْ بِشَيْءٍ، وَلَكِنَّ أَحَدَهُمْ يَسْمَعُ الْكَلِمَةَ فَيَحُطُّ إِلَيْهَا عَشْرًا»

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«رحمت خدا بر آن بنده ای که ما را محبوب مردم گرداند و مبغوض آنان نسازد! بدانید، سوگند به خدا که اگر سخنان زیبای ما را نقل می کردند، احترام و عزت بیشتری داشتند و هیچ کس دستاویزی برای ردّ و انکار آنها نداشت؛ ولی یکی از آنان، گفتار [ما] را می شنود و ده پیرایه

«معاني الأخبار عن عبد السلام بن صالح الهروي: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا! فَقُلْتُ لَهُ: فَكَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ؟ قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ؛ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا؛»

معاني الأخبار - به نقل از عبد السلام بن صالح هروی - : از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: «رحمت خدا بر آن بنده ای را که امر ما زنده کند!». گفتم: چگونه امر شما را زنده کند؟ فرمود: «علوم ما را فرا گیرد و آنها را به مردم بیاموزد، که اگر مردم زیبایی های گفتار ما را بدانند، از ما پیروی می کنند». (2)

روایات یاد شده، تأکید می کنند تمام مردم دنیا با هر دین و فکری که باشند اگر زیبایی های کلام اهل بیت علیهم السلام را بشنوند مطیع و دوست دار ایشان خواهند شد زیرا کلام اهل بیت علیهم السلام مطابق با حق و فطرت ثابت انسان هاست، پس مبلغ عرصه بین الملل باید کلمات اهل بیت علیهم السلام را بر مردم بخواند و ابلاغ کند که آن یکی از مهم ترین راه های جذب قلوب به طرف ایشان است.

ص: 96

-
- 1- الكافي، ج 8، ص 229، ح 293 عن أبي بصير، مشكاة الأنوار، ص 317، ح 1002 عن علي بن أبي حمزة، دعائم الإسلام، ج 1، ص 61 عن الإمام الباقر عليه السلام كلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج 78، ص 348، ح 5
 - 2- معاني الأخبار، ص 180، ح 1، عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج 1، ص 307، ح 69، بحار الأنوار، ج 2، ص 30، ح 13

سفارش های تبلیغی پیامبر صلی الله علیه واله و سلم به یک مبلغ بین المللی

«وَصِيَّتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مُعَاذِ بْنِ جَبَلٍ لَمَّا بَعَثَهُ إِلَى الْيَمَنِ يَا مُعَاذُ عَلَّمَهُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَأَحْسِنُ أَدَبَهُمْ عَلَى الْأَخْلَاقِ الصَّالِحَةِ... وَ أَنْفِذْ فِيهِمْ أَمْرَ اللَّهِ وَلَا تُحَاشِ فِي أَمْرِهِ وَلَا مَالَهُ أَحَدًا فَإِنَّهَا لَيْسَتْ بِوَلَايَتِكَ وَلَا مَالِكَ... ذَكَرَ النَّاسُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَاتَّبَعَ الْمُوعِظَةَ فَإِنَّهُ أَقْوَى لَهُمْ عَلَى الْعَمَلِ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ ثُمَّ بَثَّ فِيهِمُ الْمُعَلِّمِينَ وَاعْبُدِ اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تَرْجِعُ وَلَا تَخَفْ فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَةً» (1)

پیامبر صلی الله علیه واله و سلم هنگام گسیل داشتن معاذ بن جبل به یمن - فرمود: ای معاذ! کتاب خدا را به ایشان بیاموز و آنان را با اخلاق نیکو تربیت کن... و فرمان خدا را در میان شان روان ساز، و در کار خدا و مال خدا از هیچ کس بیم مدار؛ که ولایت تو و مال تو نیست... و خدا و روز قیامت را به یاد مردم آر. آنان را موعظه کن که آن نیرومند ترین عامل برای واداشتن ایشان به عمل کردن به چیزی است که خدا دوست دارد. سپس آموزگاران را در میان ایشان بفرست، و خدایی را بپرست که به او باز می گردی، و در امر خدا از سرزنش سرزنش کنندگان مهراس.

در این حدیث رسول اکرم صلی الله علیه واله و سلم توصیه های مهمی را به معاذ هنگامی که آماده سفر تبلیغی شد، ابلاغ می کند. آموزش قران، اخلاق حسنه، اجرای امر خدا، یاد آوردی خدا و روز قیامت و موعظه کردن و فرستادن معلم از توصیه های پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و سلم می باشد که مبلغ بین الملل باید این سفارش ها را در امر تبلیغ محور قرار دهد.

ص: 97

«صحيح مسلم عن أبي بردة عن أبيه: بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَمُعَاذًا إِلَى الْيَمَنِ، فَقَالَ: أَدْعُوا النَّاسَ، وَبَشِّرُوا وَلَا تُنْفَرُوا، وَيَسِّرُوا وَلَا تُعَسِّرُوا»

صحيح مسلم به نقل از ابو برده به نقل از پدرش می گوید: رسول خدا صلی الله علیه واله و سلم من و معاذ را به یمن فرستاد و فرمود: «مردم را دعوت کنید و بشارت دهید و فراری مدهید، و آسان بگیرید و سخت گیری نکنید»⁽¹⁾

در این حدیث پیامبر صلی الله علیه واله و سلم به معاذ دستور می دهد که بشارت دهنده باشد و کلام یا رفتاری انجام ندهد که سبب نفرت مردم شود. از طرف دیگر آسان بگیرد و سخت گیری نکند، چون اگر مبلغ در ابتدای تبلیغ بر تازه مسلمانان سختگیر باشد سبب تنفر از اصل دین خواهد شد. یکی از عللی که قرآن به صورت تدریجی نازل شد و احکام کم کم برای مردم بیان شد همین نکته بود.

«الإمام عليّ عليه السّلام في وصف النبيّ صلى الله عليه وآله و سلم: أرسله داعياً إلى الحقّ، و شاهداً على الخلق؛ فبلّغ رسالات ربّه غير وانٍ ولا مقصّرٍ، وجاهد في الله أعداءه غير واهنٍ ولا معذّرٍ. إمام من اتقى، و بصّر من اهتدى؛»

امام علی علیه السّلام در توصیف پیامبر صلی الله علیه واله و سلم می فرماید:

«[خداوند] او را فرستاد تا دعوت کننده حق باشد، و بر آفریدگان گواه باشد. او پیام های پروردگارش را رساند. نه سستی کرد و نه باز ماند، و در راه خدا با دشمنان او جهاد کرد. نه، ناتوان شد و نه عذری

ص: 98

1- صحيح مسلم، ج 3، ص 1587، ح 71، كنز العمال، ج 3، ص 29، ح 5306

آورد. [آن] پیشوای هر که پرهیزگار باشد، و دیده هر که هدایت پذیرد». (1)

در کلام امیر المومنین علیه السَّلَام در توصیف پیامبر صلی اللّٰه علیه واله وَ سَلَّمَ آمده است که وی رسالت های الهی را انجام می داد، بدون هیچ سستی و کوتاهی. تبلیغ در عرصه بین الملل همراه با مشکلات و موانع فراوانی است که مبلغ باید بسان پیامبر صلی اللّٰه علیه واله وَ سَلَّمَ بدون هیچ ضعف و سستی و کوتاهی به آن اهتمام ورزد تا بتواند به هدف خود که رساندن پیام خدا به تمام جهانیان است برسد.

ذکر نعمت های خداوند برای تمام بندگان از رسالت های مهم پیامبران

«رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه واله وَ سَلَّمَ : أَوْحَى اللّٰهُ إِلَى نَجِيِّهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا مُوسَى ، أَحِبَّنِي ، وَ حَبَّبْنِي إِلَى خَلْقِي ، قَالَ : يَا رَبِّ إِنِّي أَحِبُّكَ ، فَكَيْفَ أَحَبَّبَكَ إِلَى خَلْقِكَ ؟ قَالَ : أَذْكَرَ لَهُمْ نِعْمَائِي عَلَيْهِمْ وَ بَلَائِي عِنْدَهُمْ ، فَإِنَّهُمْ لَا يَذْكُرُونَ ؛ [إِذْ لَا يَعْرِفُونَ] مِنِّي إِلَّا كُلَّ خَيْرٍ . »

رسول خدا صلی اللّٰه علیه واله وَ سَلَّمَ می فرماید: خداوند به محرم رازش، موسی به عمران علیه السَّلَام وحی کرد: «ای موسی! مرا دوست بدار و مرا محبوب بندگانم گردان». [موسی] گفت: پروردگارا! من تو را دوست دارم، اما چگونه تو را محبوب بندگانم گردانم؟ [خداوند] فرمود: نعمت ها و آزمایش های مرا به یادشان آور، زیرا آنان از من جز خوبی به یاد

ص: 99

1- نهج البلاغة، الخطبة 116، المناقب لابن شهر آشوب، ج 1، ص 158، مصباح المتهجد، ص 381، ح 508 عن زيد بن وهب نحوه، بحار الأنوار، ج 18، ص 220، ح 53

رحمت خداوند بر معلمان علوم ائمه عليهم السلام

«عَنِ الْهَرَوِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمَرْنَا فَقُلْتُ لَهُ وَكَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَهَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا قَالَ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَدْ رَوَى لَنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ مَنْ تَعَلَّمَ عِلْمًا لِيَمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ أَوْ يُبَاهِيَ بِهِ الْعُلَمَاءَ أَوْ لِيُقْبَلَ بِوَجْهِهِ النَّاسُ إِلَيْهِ فَهُوَ فِي النَّارِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَدَقَ جَدِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ تَدْرِي مِنَ الْعُلَمَاءِ فَقُلْتُ لَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ هُمْ عُلَمَاءُ آلِ وَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ الَّذِينَ فَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُمْ وَ أَوْجَبَ مَوَدَّتَهُمْ ثُمَّ قَالَ وَ تَدْرِي مَا مَعْنَى قَوْلِهِ أَوْ لِيُقْبَلَ بِوَجْهِهِ النَّاسُ إِلَيْهِ قُلْتُ لَا قَالَ يُعْنِي وَ اللَّهُ بِذَلِكَ ادِّعَاءَ الْإِمَامَةِ بِغَيْرِ حَقِّهَا وَ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ فِي النَّارِ» (2)

هروی گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرماید: «خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را زنده بدارد، عرض کردم: چگونه امر شما را زنده بدارد؟ حضرت فرمودند: علوم ما را فرا گیرد و به مردم بیاموزد، زیرا اگر مردم بر آن گفتار نیک اطلاع می یافتند، از ما پیروی می کردند. راوی گوید: عرض کردم: از امام صادق علیه السلام برای ما روایتی نقل شده

ص: 100

-
- 1- ممکن آن یکن هو تصحیف من «آلانی» بقرینه السیاق والحديث الآتی؛ الأمالی للطوسی، ص 484، ح 1058 عن أيوب بن نوح عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، تنبيه الخواطر، ج 2، ص 176؛ بحار الأنوار، ص 18، ح 12
- 2- عيون اخبار الرضا عليه السلام، ج 2، ص 275، ح 69

است که آن حضرت فرمودند: هر کس مطلبی را بیاموزد تا با افراد نادان بحث و جدل کند یا با علماء به مباحث و فخر فروشی پردازد و یک جماعتی از مردم را بسوی خود متوجه کند، چنین شخصی اهل جهنم است. امام رضا علیه السّلام فرمودند: جدّم درست فرمودند؛ آیا میدانی علما چه کسانی هستند؟ عرض کردم: خیر! یا ابن رسول الله! حضرت فرمودند: آنان علمای آل محمد صلی الله علیه و آله و سَلَم هستند که خداوند اطاعت و دوستیشان را واجب کرده است، سپس فرمودند: آیا می دانی منظور آن حضرت از این که فرموده اند «تا مردم را بسوی خود متوجه کند» چه بوده است؟ عرض کردم خیر! فرمود: به خدا قسم منظور آن حضرت، ادّعی نابجا و ناروای امامت است و هر کس چنین کند، اهل جهنّم خواهد بود.»

در این فصل با توجه به روایات ذکر شده، آموختیم در امر تبلیغ موضوع هایی باید بیشتر مورد توجه قرار گیرند، البته موضوع های تبلیغی از جهت منطقه و فرهنگ و سؤال ها و شبهات، متفاوت هستند. اگر در کشوری، بیشتر شبهات مربوط به مبحث امامت مطرح بود، مبلّغ باید پاسخ گوی آن شبهات باشد، اگر در جایی بیشتر پرسش ها متوجه کار آمدی اسلام در عصر معاصر بود، مبلّغ باید موضوع های مربوط را تبیین کند. در عرصه بین الملل گاهی با غیر مسلمانان برخورد می شود که آن نیازمند طرح موضوعاتی ویژه آنهاست و گاهی با کسانی روبه رو هستیم که سالیان طولانی است مسلمان شده اند و آن نیازمند مباحث دقیق تری خواهد بود.

فصل ششم : شیوه پیامبر صلی الله علیه واله و آله و ائمه اطهار علیهم السّلام در دعوت به اسلام و سفارش های آنان به
مبلغان بین المللی

اشاره

ص: 102

با مطالعه زندگی پیشوایان معصوم علیهم السَّلَام در می یابیم که از شیوه های مختلفی برای تبلیغ دین و هدایت انسان ها بهره می گرفتند. گاهی با بحث و مناظره و گاهی با موعظه، گاهی با اخلاق حسنه و رفتار مناسب. بدین خاطر یک مبلغ در عرصه بین الملل باید بکوشد تا با بهره گیری از روش های مناسب و به روز کلام اسلام را به دنیا ابلاغ کند.

رسالت های بین المللی اصحاب حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و اله و سَلَّمَ

رسالته الی هُوَذَةَ بْنِ عَلِيٍّ الْخَنَفِيِّ

الطبقات الكبرى عن عمرو بن اميه الضمري: بعث رسول الله صلى الله عليه واله و سَلَّمَ سليط بن عمرو العامري إلى هُوَذَةَ بْنِ عَلِيٍّ الْخَنَفِيِّ يدعوه إلى الإسلام و كتب معه كتابا فقدم عليه فأنزله و حياه و قرأ كتاب رسول الله صلى الله عليه واله و سَلَّمَ و كتب إليه و أجمله و أنا شاعر قومي و خطيبهم و العرب تهاب مكاني فاجعل لي بعض الأمر أتبعك. و أجاز سليط بن عمرو بجائزة و كساه أثوابا من نسج هجر فقدم بذلك كله على رسول الله صلى الله عليه واله و سَلَّمَ و أخبره عنه بما قال فقرأ كتابه و قال لو سألتني سبابة من الأرض ما فعلت باد و باد ما في يده فلما انصرف رسول

الله صلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ من الفتح جاءه جبرئیل فأخبره أنه قد مات. (1)

نامه به هوذه بن علی حنفي

الطبقات الكبرى از عمرو بن امیه ضمري: پیامبر خدا صلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ سلیط بن عمرو و عامری را به سوی هوذه بن علی حنفي فرستاد تا او را به اسلام دعوت کند و به همراه او نامه ای فرستاد. پس سلیط به نزد او شد و هوذه او را اکرام کرد و نامه پیامبر خدا صلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ را خواند. و به پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ در پاسخ نوشت: من شاعر و سخنور قوم خود هستم و جایگاهی بالا نزد عرب دارم پس مرا در امر خود شریک ساز

(جانشین خود گردان) تا از تو پیروی کنم و به سلیط بن عمرو هدیه ای داد و لباس هایی گران بها از منطقه هجر به او داد. پس سلیط به نزد پیامبر صلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ بازگشت و جریان را گفت و نامه را داد. پیامبر صلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ نامه را خواندند و گفتند: اگر بند انگشتی از زمین را از من طلب

می کرد نیز به او نمی بخشیدم و آنچه نزد اوست از میان خواهد رفت. پس هنگامی که پیامبر صلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ برای فتح مکه خارج شدند جبرئیل نزد او آمد و خبر داد هوذه مرد.

اعزام مبلغ زبان دان

از دیگر ویژگی هایی که در امر تبلیغ بین الملل باید رعایت شود آن است که مبلغان باید زبان و فرهنگ کشور مقصد را به خوبی بدانند.

ص: 104

1- بحار الأنوار، ج 20، ص 349، ح 8 نقلاً عن الكاذروني في المنتقى نحوه، الطبقات الكبرى، ج 1، ص 262؛ سبيل الهدى و الرشاد، ج 11، ص 257

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بعد از صلح حدیبیه در سال ششم هجرت، شش نفر را برای انتشار پیام دین اسلام به پادشاهان و کشورهای قدرت مند آن زمان فرستاد که درباره ویژگی این مبلغان آمده است: «اصبح کل رجل منهم يتكلم بلسان القوم الذين بعثه اليهم» (1) هر کدام از آنها به زبان آن قومی که برای آن فرستاده شده بود سخن می گفت.

تبلیغ اسلام با عملکرد خوب

«الإمام الباقر عليه السلام لِحَيْثَمَةَ: أبلغ شيعتنا أنه لا يُنال ما عند الله إلا بالعمل. وأبلغ شيعتنا أن أعظم الناس حسرة يوم القيامة من وصف عدلاً ثم خالفه إلى غيره. وأبلغ شيعتنا أنهم إذا قاموا بما أمروا أنهم هم الفائزون يوم القيامة؛»

امام باقر علیه السلام - خطاب به خیثمه - می فرماید:

به شیعیان ما ابلاغ کن که به آنچه نزد خداست، جز با عمل کردن نتوان دست یافت؛ و به شیعیان ما برسان که در روز قیامت، پُرحسرت ترین مردم، کسی است که عمل صالحی را بنیان نهد، ولی خودش به مقتضای آن عمل نکند؛ و به شیعیان ما ابلاغ کن که اگر بدانچه فرمان می دهند پای بند باشند، روز قیامت رستگار خواهند بود.» (2)

ص: 105

1- میزان الحکمه، ج 4، ص 3209

2- الأملی للطوسی، ص 370، ح 796 عن علی بن علیّ أخی دعبل بن علیّ الخزاعی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام، کافی، ج 2، ص 300، ح 5 عن خیثمة عن الإمام الصادق علیه السلام و لیس فیہ من «وأبلغ شيعتنا أنهم إذا...»، بحار الأنوار، ج 2، ص 29، ح 12

نامه به شش کشور جهان

« أنه صلى الله عليه وآله وسلم كتب في يوم واحد إلى إمبراطوري الروم وفارس وملكى الحبشة والقبط وإلى الحارث بن أبى شمر الغسانى ملك تخوم الشام وإلى هودثة بن على الحنفى ملك اليمامة؛ (1)»

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، در یک روز، به پادشاهان روم و ایران و حبشه و قبطی ها و نیز حارث بن ابی شمر غسانی پادشاه مرزهای سوریه و هودثة بن علی حنفی، شاه یمامه، نامه نوشتند.»

نامه به پادشاه ایران

«(وَرَوَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ قَالَ قَالَ بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ خُذَافَةَ بْنَ قَيْسٍ إِلَى كِسْرَى بْنِ هُرْمُزَ مَلِكِ فَارِسَ وَكَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ إِلَى كِسْرَى عَظِيمِ فَارِسَ سَلَامٌ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى وَآمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَشَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَدْعُوكَ بِدَاعِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنِّي أَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً لَا تُنْذِرُ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقُّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ فَأَسْلِمَ تَسْلِمًا فَإِنْ أُبَيَّتَ فَإِنَّهُمْ الْمَجُوسُ عَلَيْكَ؛ (2)»

محمد بن اسحاق می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم عبدالله بن خذافه بن

ص: 106

1- مکاتیب الرسول، ج 1، ص 186؛ با همین مضمون در اعیان الشیعه، ج 1، ص 243

2- بحار الانوار، ج 20، ص 389

قیس را به نزد خسرو پور هرمز، پادشاه ایران، فرستاد و به او نوشت: بسم الله الرحمن الرحيم از محمد رسول خدا به خسرو بزرگ ایران درود بر کسی که از راه راست پیروی کند و به خدا و فرستاده او ایمان آورد. من تو را به دعوت خدای عزوجل فرا می خوانم؛ زیرا که من فرستاده خدا به سوی همه مردم هستم تا آن را که زنده است هشدار دهم و سخن حق برای کافران معلوم شود. پس، اسلام بیاور تا به سلامت مانی و اگر امتناع ورزی، گناه مجوسیان به گردن توست.»

نامه به اهالی نجران

«رسول الله صلى الله عليه واله و سلم من كتابه إلى أهالي نجران: بسم إله إبراهيم وإسحاق ويعقوب. من محمد رسول الله إلى أسقف نجران وأهل نجران، إن أسلمتم فإني أحمد إلهكم الله إله إبراهيم وإسحاق ويعقوب. أما بعد فإني أدعوكم إلى عبادة الله من عبادة العباد، وأدعوكم إلى ولاية الله من ولاية العباد»

رسول خدا صلى الله عليه واله و سلم - از نامه ایشان به اهالی نجران - : به نام خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب! از محمد، رسول خدا، به اسقف نجران و مردم نجران. اگر اسلام بیاورید، من با شما، الله، خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب را ستایش خواهم کرد. اما بعد، من شما را از عبادت بندگان به عبادت خداوند، و از ولایت بندگان به ولایت خداوند، فرا می خوانم.»⁽¹⁾

ص: 107

1- دلائل النبوة، ج 5، ص 385 عن سلمة بن عبد يشوع عن أبيه عن جده؛ تاريخ يعقوبی، ج 2، ص 81 وفيه «وكتب إلى نجران: بسم الله، من محمد رسول الله إلى أسقف نجران: بسم الله» بدل «بسم إله إبراهيم... إن أسلمتم»، بحار الأنوار، ج 21، ص 285،

« مسهر بن عبد الملک بن سلع قال: "أخبرني أبي قال: قلت لعبد خير: كم أتى عليك؟ قال: عشرون و مائة سنة. قال: هل تذكر من أمر الجاهلية شيئاً؟ قال: نعم، قال: كنا ببلاد اليمن فجاءنا كتاب رسول الله صلى الله عليه واله و سَلَّمَ قال: فدعا الناس إلى خير واسع، فكان أبي في من خرج وأنا غلام". فلما رجع أبي قال لأمي فينا قد أسلمنا فأسلمي؛» (1)

مسهر بن عبد الملک بن سلع می گوید: پدرم به من گفت: به عبدخیر گفتم چند سال داری؟ گفت 120 سال. گفتم آیا از جاهلیت چیزی به یاد داری؟ گفت: بله در یمن بودیم که نامه پیامبر خدا صلی الله علیه واله و سَلَّمَ رسید. پس مردم را به خیر واسع دعوت کرد و پدرم از جمله کسانی بود که او را اجابت کرد و به سوی او رهسپار شد و من نوجوان بودم، پس هنگامی که پدرم بازگشت به مادرم گفت: به درستی که ما اسلام آوردیم، سپس مادر من اسلام آورد.»

نامه به پادشاه اسکندریه

«وبعث رسول الله صلى الله عليه واله و سَلَّمَ حاطب بن أبي بلتعة اللخمي - وهو أحد الستة - إلى المقوقس صاحب الإسكندرية عظيم القبط يدعوه إلى الإسلام وكتب معه كتابا، فأوصل إليه كتاب رسول الله صلى الله عليه واله و سَلَّمَ، فقرأه وقال له خيرا، وأخذ الكتاب فجعله في حق من عاج وختم عليه ودفعه إلى جاريتته، وكتب إلى النبي صلى الله عليه واله و سَلَّمَ:

ص: 108

قد علمت أن نبيا قد بقي وكنت أظن أنه يخرج بالشأم، وقد أكرمت رسولك، وبعثت إليك بجاريتين لهما مكان في القبط عظيم، وقد أهديت لك كسوة وبغلة تركبها، ولم يزد على هذا ولم يسلم، فقبل رسول الله صلى الله عليه واله و سلم هديته، وأخذ الجاريتين مارية ام إبراهيم بن رسول الله صلى الله عليه واله و سلم واختها سيرين، وبغلة بيضاء لم يكن في العرب يومئذ غيرها وهي دلدل، وقال رسول الله صلى الله عليه واله و سلم: ضن الخبيث بملكه ولا بقاء لملكه، قال حاطب: كان لى مكرما فى الضيافة وقلة اللبث ببابه، ما أقمت عنده إلا خمسة أيام؛

(1)

پیامبر خدا صلى الله عليه واله و سلم حاطب بن ابى بلتعہ لخمى را - که یکی دیگر از آن شش نفر بود - همراه نامه ای برای دعوت به اسلام پیش مقوقس، فرمانروای اسکندریه و سالار قبطیان، فرستاد. حاطب، نامه را به مقوقس داد. مقوقس آن را خواند و با حاطب به خوشی سخن گفت و نامه را در جعبه ای از عاج قرار داد و سرش را مهر کرد و آن را به کنیز خود داد و به پیامبر صلى الله عليه واله و سلم نوشت: «من می دانستم که هنوز یک پیامبر باقی مانده است، اما خیال می کردم او در شام ظهور خواهد کرد. فرستاده تو را گرامی داشتیم و اکنون دو کنیز که در میان قبطیان، منزلت والایی دارند برایت می فرستم و جامه ای و استری که بر آن سوار شوی به عنوان پیشکش تقدیم می کنم.» او چیز دیگری ننوشت و مسلمان هم نشد. رسول خدا صلى الله عليه واله و سلم هدیه مقوقس را پذیرفت و دو کنیز را که یکی ماریه، مادر ابراهیم پسر رسول الله، بود و دیگری خواهرش سيرين، قبول

ص: 109

کرد و استری هم که فرستاده بود استری سپید بود که در آن روز در میان عرب ها چنان استری وجود نداشت و آن همان دلیل است. رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: این ناپاک به پادشاهی خود حرص ورزید؛ حال آن که پادشاهی او دوامی نخواهد یافت. حاطب می گوید: مقوقس از من با احترام پذیرایی می کرد و بر درگاه خود مرا کمتر معطل می نمود و من پنج روز بیشتر نزد وی اقامت نکردم.»

نامه به پادشاه روم

«رسول الله صلی الله علیه و سلم - فيما كتب إلى ملك الروم: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ عِنْدِهِ وَرَسُولِهِ إِلَى هِرَقْلٍ عَظِيمِ الرُّومِ وَسَلَامٌ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى أَمَا بَعْدُ فَإِنِّي أَدْعُوكَ بِدِعَايَةِ الْإِسْلَامِ أَسْلِمَ تَسْلِمَ أَسْلِمٍ يُؤْتِكَ اللَّهُ أَجْرَكَ مَرَّتَيْنِ فَإِنْ تَوَلَّيْتَ فَإِنَّ عَلَيْكَ إِثْمَ الْبَرِيسِينَ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و سلم در نامه ای به امپراتور روم نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم. از محمدرسول الله بنده و فرستاده او به هرقل بزرگ روم. درود بر کسی که از راه راست پیروی کند. اما بعد! من تو را به دعوت اسلام فرا می خوانم. اسلام بیاور تا به سلامت مانی. مسلمان شو تا خداوند اجر تو را دو برابر دهد. اگر نپذیری گناه رعیت به عهده توست. ای اهل کتاب، بیاید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که،

ص: 110

جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و هر یک از ما دیگری را به جای خداوند، خدایگان نگیرد. پس، اگر اعراض کردند بگو: گواه باشید که ما مسلمانیم.»

نامه به پادشاه بحرین

«بسم الله الرحمن الرحيم، من محمد رسول الله إلى المنذر بن ساوى، سلام عليك، فإنى أحمد إليك الله الذي لا إله إلا هو، وأشهد أن لا إله إلا الله، وأن محمداً عبده ورسوله، أما بعد: فإنى أذكرك الله عز وجل، فإنه من ينصح فإنما ينصح لنفسه، ومن يطع رسلى ويتبع أمرهم فقد أطاعنى، ومن ينصح لهم فقد نصح لى، وإن رسلى قد أثنوا عليك خيراً، وإنى قد شفعتك فى قومك، فاترك للمسلمين ما أسلموا عليه، وعفوت عن أهل الذنوب فاقبل منهم، وإنك مهما تصلح، فلن نعزلك عن عملك، ومن أقام على يهودية أو مجوسية فعليه الجزية

به نام خداوند بخشنده مهربان، از محمد فرستاده خدا به منذر بن ساوی. درود بر تو. ستایش می کنم به سوی تو خدایی را که جز او معبودی نیست. شهادت می دهم معبودی جز خدای یکتا نیست و نیز گواهی می دهم که محمد صلی الله علیه واله و سلم بنده و فرستاده اوست، اما بعد، من خدای عزوجل را به یاد تو می آورم، همانا آن که خیرخواهی می کند، برای خویش خیرخواهی می کند و هر کس فرستادگان مرا فرمان برد و پیرو آنان شود مرا فرمان برده است و هر که خیر آنان را خواهد برای من خیرخواهی کرده است. فرستادگان من ثنای خیر بر تو می فرستند و من تو را در قومت شفاعت کردم، پس برای مسلمانان، آن چه را که بر آن

تسلیم شدند و اگذار و گناهکاران را بخشیدم پس از ایشان بپذیر. و تو هر قدر که اصلاح کنی هرگز تورا از مقامت بر کنار نخواهیم داشت و هر که بر آیین یهود یا مجوس باقی ماند، باید جزیه پرداخت کنند.»

نامه به قوم یهود

«عن ابن عباس قال: دعا النبي صلى الله عليه واله و سلم اليه اليهود الى الاسلام فقالوا: "بل نتبع ما وجدنا عليه آباءنا" فهم كانوا أعلم منا»

مرحوم طبرسی در مجمع می نویسد: ابن عباس گفت پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و سلم یهودان را به اسلام دعوت نمود. آنها گفتند: ما روش اجداد خود را رها نخواهیم کرد. و آنها از ما داناتر بودند.»

نامه به قوم یهود بنی قینقاع

اشاره

«روی أنه كتب رسول الله صلى الله عليه واله و سلم مع أبي بكر إلى يهود بنى قينقاع يدعوهم إلى الإسلام وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة وأن يقرضوا الله قرضاً حسناً؛(1)»

بعضی گفته اند پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و سلم نامه ای توسط ابابکر برای یهود بنی قینقاع فرستاد و آنها را دعوت به نماز و پرداخت زکات کرد و اینکه به خداوند قرض بدهند.»

لزوم ارسال مبلغان به همه نقاط عالم، برای اتمام حجت و ابلاغ پیام الهی

«و لو أننا أهلكنهم بعدابٍ من قبله لقالوا ربنا لولا أرسلت إلينا رسولاً

ص: 112

فَتَتَّبِعْ، ءَايَتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَحْزَى؛»

و اگر ما آنان را پیشتر [از آمدن قرآن] به عذابی هلاک می کردیم، قطعاً می گفتند: «پروردگارا! چرا پیامبری به سوی ما نفرستادی تا پیش از آن که خوار و رسوا شویم، از آیات تو پیروی کنیم؟» (1)

اعزام مبلغ به کشور بحرین

«وَقَالَ ابْنُ الْأَثِيرِ وَأَرْسَلَ الْعَلَاءُ بْنُ الْحَضْرَمِيِّ إِلَى الْمُنْذِرِ بْنِ شَادِيٍّ أَخِي عَبْدِ الْقَيْسِ وَقِيلَ إِنَّ إِسْأَلَهُ كَانَ سَنَةً ثَمَانٍ فَلَمَّا أَتَاهُ الْعَلَاءُ يَدْعُوهُ وَ مَنْ مَعَهُ بِالْبَحْرَيْنِ إِلَى الْإِسْلَامِ أَوْ الْجَزِيَّةِ وَكَانَتْ وَايَةُ الْبَحْرَيْنِ لِلْفُرْسِ فَأَسْلَمَ الْمُنْذِرُ وَأَسْلَمَ جَمْعٌ مِنَ الْعَرَبِ فَأَمَّا أَهْلُ الْبِلَادِ مِنَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ الْمَجُوسِ فَإِنَّهُمْ صَالِحُوا الْعَلَاءَ وَ الْمُنْذِرَ عَلَى الْجَزِيَّةِ وَ لَمْ يَكُنْ بِالْبَحْرَيْنِ قِتَالٌ إِنَّمَا بَعْضُهُمْ أَسْلَمَ وَ بَعْضُهُمْ صَالِحٌ» (2)

ابن اثیر می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم علا بن حضر می را جهت دعوت به اسلام به سوی منذر بن شادی برادر بن عبد قیس فرستاد و گفته شده که این اتفاق در سال هشت هجری واقع شده است. هنگامی که علا آمد، به منذر بن شادی و همراهان وی دو پیشنهاد داد، یا اسلام بیاورند و یا جزیه پردازند. این در حالی بود که کشور بحرین را ایرانیان اداره می کردند. پس از آن واقعه، منذر به همراه جمعی از عرب به دین اسلام مشرف شدند اما بقیه اقوام که شامل یهودیان و نصارا و مجوس می شدند

ص: 113

1- سوره طه (20)، آیه 134

2- بحار الأنوار، ج 20، ص 396، ح 9

ایمان نیاورده و به پرداخت جزیه رضایت دادند و خلاصه بحرین بدون هیچ جنگی، با اسلام آوردن برخی و پرداخت جزیه توسط برخی دیگر فتح شد.

اعزام مبلغ به حبشه

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لَمَّا رَجَعَ مِنَ الْحُدَيْبِيَّةِ فِي ذِي الْحِجَّةِ سِنَّةِ سِتِّ أَرْسَلَ الرَّسُلَ إِلَى الْمُلُوكِ يَدْعُوهُمْ إِلَى الْإِسْلَامِ وَكَتَبَ إِلَيْهِمْ كُتُبًا، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ! إِنَّ الْمُلُوكَ لَا يَقْرَأُونَ كِتَابًا إِلَّا مَخْتُومًا، فَاتَّخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ يَوْمَئِذٍ خَاتَمًا مِنْ فِضَّةٍ فَضُفُّهُ مِنْهُ، نَقَشَهُ ثَلَاثَةَ أَسْطُرٍ: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»، وَخَتَمَ بِهِ الْكُتُبَ، فَخَرَجَ سِتَّةَ نَفَرٍ مِنْهُمْ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ، وَذَلِكَ فِي الْمُحَرَّمِ سِنَّةِ سَبْعٍ، وَأَصْبَحَ كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ يَتَكَلَّمُ بِلِسَانِ الْقَوْمِ الَّذِينَ بَعَثَهُ إِلَيْهِمْ.

فَكَانَ أَوَّلَ رَسُولٍ بَعَثَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَمْرُو بْنُ أُمَيَّةَ الضَّمْرِيُّ إِلَى النَّجَاشِيِّ، وَكَتَبَ إِلَيْهِ كِتَابَيْنِ يَدْعُوهُ فِي أَحَدِهِمَا إِلَى الْإِسْلَامِ وَيَتْلُو عَلَيْهِ الْقُرْآنَ، فَأَخَذَ كِتَابَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَوَضَعَهُ عَلَى عَيْنَيْهِ وَنَزَلَ مِنْ سَرِيرِهِ فَجَلَسَ عَلَى الْأَرْضِ تَوَاضِعًا، ثُمَّ أَسْلَمَ وَشَهِدَ شَهَادَةَ الْحَقِّ وَقَالَ: لَوْ كُنْتُ أَسْتَطِيعُ أَنْ آتِيَهُ لِأَتِيَتُهُ، وَكَتَبَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِإِجَابَتِهِ وَتَصَدِيقِهِ وَإِسْلَامِهِ - عَلَى يَدَيِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ (1)

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در ذیحجه سال ششم از صلح حدیبیه برگشت سفیرانی را نزد پادشاهان فرستاد و برای ایشان نامه نوشت و به اسلام دعوت شان کرد. به آن حضرت صلی الله علیه و آله عرض شد: ای رسول

ص: 114

خداصلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ پادشاهان، نامه بدون مهر را نمی خوانند. پس رسول خدا صلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ همان روز یک نقره با نگین تهیه کرد و روی آن سه کلمه «محمد رسول اللہ صلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ» را حک فرمود و نامه ها را با آن مهر زد و شش سفیر در یک روز (از مدینه) بیرون رفتند و این در ماه محرم سال هفتم بود. هر یک از آن فرستادگان به زبان همان مردمی سخن می گفتند که رسول خداصلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ او را به سوی ایشان فرستاد.

نخستین سفیری که رسول خداصلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ اعزام کرد، عمرو بن امیه ضمیری بود که او را با دو نامه نزد نجاشی روانه کرد در یکی از آن دو نامه نجاشی را به اسلام دعوت کرده و برایش آیاتی از قرآن نوشته بود. نجاشی نامه رسول خدا صلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ را گرفت و بر دیدگان خود نهاد و برای ابراز تواضع از تخت فرود آمد و روی زمین نشست و اسلام آورد و شهادتین بر زبان راند و گفت: اگر می توانستم به حضورش بیایم حتما می آمدم و آن گاه نامه ای حاکی از اجابت حق و تصدیق و اسلام آوردن خود به دست جعفر بن ابی طالب و سر فرود آوردن در برابر خداوند پروردگار جهانیان، به رسول خدا صلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ نوشت.

اعزام مبلّغ به روم

«بعث رسول اللہ صلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ دحیة بن خلیفة الکلبی - وهو أحد الستة - إلى قیصر یدعوه إلى الإسلام؛» (1)

پیامبر خداصلی اللہ علیہ والہ و سَلَّمَ، دحیة بن خلیفه کلبی را - که یکی از آن شش سفیر

ص: 115

اعزام مبلغ به یمن

«عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ : لَمَّا نَزَلَتْ (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِداً وَمُبَشِّراً وَنَذِيراً) وَقَدْ كَانَ [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ] أَمَرَ عَلِيّاً وَ مَعَاذاً أَنْ يَسِيرَا إِلَى الْيَمَنِ ، فَقَالَ : انْطَلِقَا فَبَشِّرَا وَلَا تَنْفَرَا ، وَيَسِّرَا وَلَا تَعْسِرَا ، فَإِنَّهُ قَدْ أَنْزَلَ عَلَيَّ (يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ . . .) :» (1)

ابن عباس: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، به علی علیه السلام و معاذ دستور داد که به یمن روند. در همین زمان، آیه «ای پیامبر! ما تو را فرستادیم تا شاهد و نویدبخش و بیم دهنده باشی» نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به هر دو فرمود: بروید نوید دهید و فراری ندهید و آسان گیرید و سخت گیری نکنید؛ زیرا آیه «ای پیامبر!..» بر من نازل شده است.»

اعزام مبلغ به سرزمین هند

«عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَسْوَارِيُّ عَنْ مَكِّيِّ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ سَمِعْتُ إِسْحَاقَ بْنَ إِبْرَاهِيمَ الطُّوسِيَّ يَقُولُ وَكَانَ قَدْ أَتَى عَلَيْهِ سَبْعٌ وَتِسْعُونَ سَنَةً عَلَى بَابِ يَحْيَى بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ رَأَيْتُ سَدْرَبَايِكَ [سَدْرَبَاتِكَ] [سَدْرَبَانِكَ] مَلِكَ الْهِنْدِ فِي بَلَدٍ تُسَمَّى صَوْحَ فَسَأَلْتُهُ كَمْ أَتَى عَلَيْكَ مِنَ السِّنِينَ قَالَ تِسْعِمِائَةَ سَنَةٍ وَخَمْسٌ وَعِشْرُونَ سَنَةً وَهُوَ مُسْلِمٌ فَزَعَمَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنْفَذَ إِلَيْهِ عَشْرَةً مِنْ أَصْحَابِهِ مِنْهُمْ حُذَيْفَةُ بْنُ الْيَمَانِ وَ عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ وَأَسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ وَأَبُو مُوسَى الْأَشْعَرِيُّ وَ

ص: 116

صُهَيْبُ الرُّومِيِّ وَ سَفِينَةُ وَ غَيْرُهُمْ يَدْعُونَهُ فَدَعَوْهُ إِلَى الْإِسْلَامِ فَأَجَابَ وَ أَسْلَمَ وَ قَبِلَ كِتَابَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ» (1)

صدوق در کمال الدین از علی بن عبد الله اسواری از مکی بن احمد نقل می کند که گفت: از اسحاق بن ابراهیم طوسی که 97 سال داشت در خانه یحیی بن منصور شنیدم می گفت: سر بابک، پادشاه هند، را در شهری به نام «صوح» دیدم و از وی پرسیدم: چند سال از عمر شما گذشته؟ گفت: 925 سال! او مسلمان بود و معتقد بود که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ده نفر از اصحاب خود را که از جمله حذیفه ابن الیمان و عمرو بن العاص و اسامه بن زید و ابو موسی اشعری و صهیب رومی و سفینه و غیرهم بودند، نزد وی فرستاده و او را دعوت به اسلام نمود. او هم پذیرفته و اسلام آورده نامه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را بوسیده بود.»

اعزام مبلغ به شام

اشاره

«و بعث رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم شجاع بن وهب الأسدي - وهو أحد الستة - إلى الحارث بن أبي شمر الغساني يدعوه إلى الإسلام و كتب معه كتاباً؛ (2)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شجاع بن وهب اسدی را - که یکی دیگر از آن شش سفیر بود - به همراه نامه ای برای دعوت به اسلام، نزد حارث بن شمر غسانی روانه کرد.»

ص: 117

1- کمال الدین، ص 642، أسد الغابة، ج 2، ص 266

2- بحار الانوار، ج 20، ص 382

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم بالخند، نمایندگان خارجی را به اسلام دعوت نمودند. «وبعث رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم عبد الله بن حذافة السهمی - وهو أحد الستة - إلى كسرى يدعوهُ إلى الإسلام وكتب معه كتابا، قال عبد الله: فدفعت إليه كتاب رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم فقرئ علیه، ثم أخذهُ فمزقه، فلما بلغ ذلك رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم قال: اللهم مزق ملكه! وكتب كسرى إلى باذان عامله على اليمن أن ابعث من عندك رجلين جليدين إلى هذا الرجل الذي بالحجاز فليأتينى بخبره، فبعث باذان قهرمانه ورجلا آخر وكتب معهما كتابا، فقدمتا المدينة فدفعا كتاب باذان إلى النبي صلی الله علیه و اله و سلم، فتبسم رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم، ودعاهما إلى الإسلام و فرائصهما ترعد، وقال: ارجعا عنى يومكما هذا حتى تأتيا نى الغد فاخبر كما بما ارید، و فجاءاه من الغد، فقال لهما: أبلغا صاحبكما أن ربى قد قتل ربه كسرى في هذه الليلة لسبع ساعات مضت منها، وهى ليلة الثلاثاء لعشر ليال مضين من جمادى الاولى سنة سبع، وأن الله تبارك و تعالى سلط علیه ابنه شيرويه فقتله، فرجعا إلى باذان بذلك فأسلم هو والأبناء الذين باليمن؛ (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و اله و سلم عبدالله بن حذافه سهمی را - که یکی از آن شش سفیر بود . برای دعوت خسرو به اسلام، همراه نامه ای نزد او روانه کرد. عبدالله می گوید: نامه رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم را تسلیم خسرو کردم چون نامه را برای او خواندند، آن را گرفت و پاره کرد. وقتی این خبر به رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم رسید، فرمود: پروردگارا، پادشاهی او را پاره کن! خسرو طی نامه ای به باذان، کار گزار خود در یمن، دستور داد که دو مرد چابک

ص: 118

سوار را نزد این مرد در حجاز بفرست تا خبری از او برای من بیاورند. باذان پیشکار خود و یک نفر دیگر را با نامه ای فرستاد. آن دو وارد مدینه شدند و نامه باذان را به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دادند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم لبخندی زد و آن دو را که به خود می لرزیدند، به اسلام دعوت کرد، و فرمود: امروز بروید و فردا پیش من بیایید تا آن چه را که لازم است به شما بگویم. روز بعد، آن دو نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به آنان فرمود: به ارباب خود بگویید که خداوند من، دیشب هفت ساعت از شب گذشته، خدایگان او را کشت. آن شب، شب سه شنبه دهم جمادی الاولی سال هفتم هجرت بود (پیامبر اضافه فرمود که) خدای متعال پسر خسرو، شیر و یه را بر وی چیره گردانید و او خسرو را به قتل رساند. آن دو فرستاده با این خبر نزد باذان برگشتند و باذان و تمام ایرانیانی که در یمن بودند مسلمان شدند.»

این نامه ها و دعوت هایی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در عرصه بین الملل انجام داد و از این راه دین جهانی اسلام را نه فقط برای حجاز و اطراف آن، بلکه برای نقاط مختلف دنیا ارسال کرد. اکنون حوزه های علمیه علماء و مراجع معظم تقلید که وارث پیامبر و دین اسلامند نیز باید برای تمام نقاط دنیا این دعوت را فرستاده تا حجت را بر ایشان تمام کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با عمل و رفتار خود به ما یاد آوری می کند که این هدیه آسمانی را باید به تمام مردم دنیا عرضه کرد؛ زیرا این دین، دینی جهانی و ابدی خواهد بود و دین و کتاب دیگری نخواهد آمد.

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَتْ قَالَتْ أُمِّيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ إِلَى الْيَمَنِ فَقَالَ يَا عَلِيُّ لَا تُقَاتِلَنَّ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ إِلَى الْإِسْلَامِ - وَإِنَّمَا اللَّهُ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَغَرَبَتْ وَ لَكَ وَلَاؤُهُ يَا عَلِيُّ؛» (1)

امام صادق علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا به یمن فرستاد و به من فرمود: ای علی! با کسی جنگ مکن مگر آن که او را [به اسلام] دعوت کنی و به خدا سوگند اگر خدا انسانی را به دست تو هدایت کند برای تو بهتر است از آنچه خورشید بر آن طلوع و و غروب نموده و ولایتش با توست ای علی.»

روش امام حسن عسکری علیه السلام در تبلیغ

«اجْتَمَعَ قَوْمٌ مِنَ الْمَوَالِينِ وَالْمُحَبِّينَ لِأَلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِحَضْرَةِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ لَنَا جَارًا مِنَ النَّصَابِ يُؤْذِينَا وَيَحْتَجُّ عَلَيْنَا فِي تَقْضِيلِ الْأَوَّلِ وَالثَّانِي وَالثَّالِثِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَيُورِدُ عَلَيْنَا حُجْبًا لَا نَدْرِي كَيْفَ الْجَوَابَ عَنْهَا وَالْخُرُوجَ مِنْهَا فَقَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْيَكْمُ مِنْ يَفْخَمِهِ عَنْكُمْ وَيَقْنَعُ شَانَهُ لَدَيْكُمْ فَدَعِ بِرَجُلٍ مِنْ تَلَامِذْتِهِ وَقَالَ مُرَّ بِهِؤُلَاءِ إِذَا كَانُوا مُجْتَمِعِينَ يَتَكَلَّمُونَ فَتَسَمَّعْ عَلَيْهِمْ فَيَسَّ تَدْعُونَ مِنْكَ الْكَلَامَ فَتَكَلَّمْ وَأَفْحِمْ صَاحِبَهُمْ وَأَكْسِرْ غَرَّتَهُ وَفُلَّ حَدَّهُ وَلَا تُبْقِ لَهُ بَاقِيَةً فَذَهَبَ الرَّجُلُ وَحَضَرَ»

ص: 120

الْمَوْضِعَ وَحَضَرُوا وَكَلَّمَ الرَّجُلَ فَأَفْحَمَهُ وَصَيَّرَهُ لَا يَدْرِي فِي السَّمَاءِ هُوَ أَوْ فِي الْأَرْضِ [قالوا] وَوَقَعَ عَلَيْنَا مِنَ الْفَرَحِ وَالسُّرُورِ مَا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى وَ عَلَى الرَّجُلِ وَ الْمُتَعَصِّبِينَ لَهُ مِنَ الْحُزْنِ وَالْغَمِّ مِثْلُ مَا لَحِقْنَا مِنَ السُّرُورِ فَلَمَّا رَجَعْنَا إِلَى الْإِمَامِ قَالَ لَنَا إِنَّ الَّذِي فِي السَّمَاوَاتِ مِنَ الْفَرَحِ وَالطَّرَبِ بِكَسْرِ هَذَا الْعَدُوِّ لِلَّهِ كَانَ أَكْثَرَ مِمَّا كَانَ بِحَضْرَتِكُمْ وَالَّذِي كَانَ بِحَضْرَةِ إِبْلِيسَ وَعَتَاةَ مَرَدَّتِهِ - مِنَ الشَّيَاطِينِ - مِنَ الْحُزْنِ وَالْغَمِّ أَشَدُّ مِمَّا كَانَ بِحَضْرَتِهِمْ وَ لَقَدْ صَلَّى عَلَيَّ هَذَا [العبد] الْكَاسِرِ لَهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَالْحُجُبِ وَالْكَرْسِيِّ وَقَابَلَهَا اللَّهُ بِالْإِجَابَةِ فَأَكْرَمَ إِيَابَهُ وَ عَظَّمَ ثَوَابَهُ وَ لَقَدْ لَعْنَتْ تِلْكَ الْمَلَائِكَةُ عَدُوَّ اللَّهِ الْمَكْسُورَ وَقَابَلَهَا اللَّهُ بِالْإِجَابَةِ فَشَدَّدَ حِسَابَهُ وَ أَطَالَ عَذَابَهُ؛» (1)

روزی گروهی از محبتان آل محمد صلی الله علیه واله و سلم نزد امام حسن عسکری علیه السلام حاضر شده و گفتند: ای زاده رسول خدا! در همسایگی ما فردی از دشمنان اهل بیت علیهم السلام زندگی می کند که پیوسته موجب آزار ما شده و در تفضیل خلفای ثلاثه بر امیر المؤمنین علیه السلام دلالتی ذکر

می کند که ما در پاسخ آنها می مانیم.

امام علیه السلام فرمود: فردی را به سوی شما می فرستم تا او را مجاب کرده و دلایلش را باطل نماید. سپس، یکی از شاگردانش را مأمور ساخت تا در مجلس بحث آنان با فرد یادشده حاضر شده و به گفتارشان گوش دهد، و هنگامی که از او تقاضای سخن نمودند تا حد امکان در بطلان سخن و پوچی اعتقاد آن فرد کوشیده و کاملاً مجابش کند.

ص: 121

او نیز از جای برخاسته و به همراه آنان در مجلس بحث شان حاضر گشته و به همان شیوه امام علیه السّلام وارد بحث شده و او را به سختی شکست داده و مجاب نمود. از این پیروزی، اصحاب و دوستان اهل بیت علیهم السّلام به قدری خوشحال شدند که جز خدا ندانند. و به همان اندازه مخالفان و معاندان محزون و شکسته گشتند و وقتی نزد امام باز گشتند، فرمود: اهل آسمان به جهت شکست و مغلوب شدن آن دشمن خدا بیش از شما مسرور شدند و ابلیس و یاران مستکبرش چندین برابر مخالفان، محزون و مغموم گشتند و فرشتگان آسمان ها و عرش و کرسی برای این شخص غالب طلب رحمت و مغفرت نموده، و برای آن دشمن مخالف لعن و نفرین کردند.»

بنابر این، شیوه استدلال و منطق در تبلیغ همواره موثر می باشد.

خصومت با دشمن، ممنوع

«عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَا تُخَاصِمُوا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ اسْتَطَاعُوا أَنْ يُحِبُّونَا لِأَحِبُّونَا؛» (1)

از ابا بصیر نقل شده که امام باقر علیه السّلام فرمودند: با مردم دشمنی و مخاصمه نکنید، چرا که همانا مردمان اگر بتوانند ما را دوست بدارند، قطعاً دوست خواهند داشت

ص: 122

«عَنْ مُدْرِكِ بْنِ الْهَزْهَازِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُدْرِكُ إِنَّ أَمْرَنَا لَيْسَ بِقَبُولِهِ فَقَطْ وَ لَكِنْ بِصِدْقِ يَأْتِيهِ وَ كِتْمَانِهِ عَنْ غَيْرِ أَهْلِهِ أَقْرَبُ أَصْحَابِنَا السَّلَامَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ وَ قُلْ لَهُمْ رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ إِلَيْنَا فَحَدَّثْتَهُمْ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ تَرَكَ مَا يُنْكِرُونَ؛» (1)

از مدرک بن هزهاز روایت شده که حضرت صادق علیه السلام فرمود: ای مدرک! همانا امر (ولایت و دوستی و سخنان و احادیث) ما تنها به قبول نمودن آن نیست، بلکه به حفظ نمودن و پنهان داشتن آن است از غیر اهل آن. (مقصود، تقیه نمودن است در برابر دشمنان اهل بیت علیهم السلام) به یاران ما سلام من و رحمت و برکات خدا را برسان و به آنان بگو: خداوند رحمت کند مردی را که دوستی مردم را بجانب ما بکشانند؛ پس آنچه از احادیث را که

می شناسد برای ایشان ذکر نماید و آنچه را که نمی شناسد واگذارد (یعنی خدا رحمت کند کسی را که به واسطه نقل کردن فضائل و مناقب و سخنان ما برای مردم، قلوب ایشان را به ما مایل و راغب گرداند و دوستی ما را در دل های آنان قرار دهد، و احادیثی که مطابق و در خور استعداد و فهمشان باشد برای ایشان ذکر نماید).»

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ قَالَ لَيْسَ هَذَا الْأَمْرُ مَعْرِفَتَهُ وَ وِلَايَتَهُ فَقَطْ حَتَّى تَسْتَرَهُ عَمَّنْ لَيْسَ مِنْ أَهْلِهِ وَ بِحَسَدِ بَعْضِكُمْ أَنْ تَقُولُوا مَا قُلْنَا وَ تَصْمُتُوا عَمَّا صَمَمْتْنَا فَإِنَّكُمْ إِذَا قُلْتُمْ مَا نَقُولُ وَ سَلَّمْتُمْ لَنَا فِيمَا سَكَمْتْنَا عَنْهُ فَقَدْ

ص: 123

أَمَنْتُمْ بِمِثْلِ مَا آمَنَّا وَقَالَ اللَّهُ فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدْ اهْتَدَوْا قَالِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدَّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ وَلَا تَحْمَلُوهُمْ مَا لَا يُطِيقُونَ فَتَغْرُونَهُمْ بِنَا»

عبد الأعلى بن أعین از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: ولایت ما تنها به شناختن آن و دوست داشتن آن نیست، مگر هنگامی که آن را از کسی که با آن بیگانه است پوشیده بداری و برای شما همین قدر کافی است که آنچه ما گفته ایم بگویید و نسبت به آنچه ما خاموش بوده ایم شما نیز لب فروبندید، پس اگر شما آنچه را ما گفته ایم بگویید و درباره آنچه ما سکوت کرده ایم تسلیم باشید، مسلماً به آنچه ما ایمان آورده ایم شما نیز همانند ما ایمان آورده اید. خدای تعالی می فرماید: «اگر آنان همانند شما ایمان داشته باشند، به تحقیق راه یافته هستند.»

علی بن الحسین علیه السلام فرمود: با مردم درباره آنچه می شناسند سخن بگویید، و آنچه را که بیرون از توان ایشان است بردوش شان مگذارید که به وسیله ما آنان را فریفته باشید (یا که آنان را بر ما جرئت دهید).»

در این دو روایت تأکید شده است که باید با افراد در حد فهم و عقل آنان سخن گفت و مطالبی گفته نشود که قابل درک برایش نباشد. بدین خاطر، مبلغ در طرح موضوعات باید دقت کند و هر آنچه درباره اسلام می داند را در هر جایی عرضه نکند، بلکه هر آنچه در استعداد و فهم مخاطب باشد را طرح کند.

«فی تحف العقول وصیته علیه السّلام لعبدِ اللهِ بنِ جُنْدَبٍ رُوِيَ أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ - يَا عَبْدَ اللهِ. . . رَحِمَ اللهُ قَوْمًا كَانُوا سِرَاجًا وَمَنَارًا - كَانُوا دُعَاةً إِلَيْنَا بِأَعْمَالِهِمْ وَ مَجْهُودَ طَاقَتِهِمْ لَيْسُوا كَمَنْ يُدِيْعُ أَسْرَارَنَا: (1)

در کتاب تحف العقول وصیت امام صادق علیه السّلام به عبد الله بن جندب، روایت شده که به عبد الله بن جندب فرمود: یا عبد الله! . خدا رحمت کند آن گروهی را که چراغ درخشان و راهنمای مردم بودند. مردم را به وسیله اعمال خود به سوی ما دعوت می کردند و تمام قدرت خویش را به کار می بردند و از کسانی نبودند که اسرار ما را فاش نمایند.»

مسلمانان، از گناه دوری کنند

«عنه (امام الصادق علیه السّلام): أي مفضل! قل لشيعتنا: كونوا دعاة إلینا بالكف عن محارم الله واجتناب معاصیه، واتباع رضوانه، فإنهم إذا كانوا كذلك كان الناس إلینا مسارعین؛ (2)

امام صادق علیه السّلام می فرماید: ای مفضل! به شیعیان ما بگو با خویشان داری از حرام های خدا و دوری کردن از معاصی او و پیمودن راه خشنودی او، دعوتگر (مردم) به سوی ما باشند، زیرا که اگر آنها چنین باشند مردم، خود به سوی ما می شتابند.»

ص: 125

1- بحار الأنوار، ج 75، ص 279

2- مستدرک الوسائل، ج 12، ص 206، ح 13893. میزان الحکمة، ج 4، ص 3602

«عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَةٍ تَبْتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْإِجْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْحَيَرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ» (1)

امام صادق علیه السلام می فرماید: با غیر زبان خویش، مردم را (به کیش و مذهب خود) دعوت کنید. مردم باید ورع و کوشش و نماز و خیر شما را ببینند؛ اینها خود دعوت کننده باشند.

با عملکرد مثبت زینت پیشوایان معصوم علیهم السلام باشیم

«عَنْ أَبِي أُسَامَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعَ وَالْإِجْتِهَادِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ وَحُسْنِ وَالْجَوَارِ وَكُونُوا دُعَاةً إِلَى أَنْفُسِكُمْ بِغَيْرِ أَلْسِنَةٍ تَبْتِكُمْ وَكُونُوا زِينًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا وَعَلَيْكُمْ بِطُولِ الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ فَإِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا أَطَالَ الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ وَهَتَفَ إِبْلِيسُ مِنْ خَلْفِهِ فَقَالَ يَا وَيْلَهُ أَطَاعَ وَعَصَيْتُ وَسَجَدَ وَأَبَيْتُ» (2)

از اسامه نقل شده که گفت: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: بر تو باد که دارای تقوای الهی باشی. بر شما باد به ورع و پرهیزگاری و کوشش و راست گویی و حفظ امانت و خوش خلقی و خوش همسایه داری و مردم را با عمل خود نه با زبان تنها به خود جلب نموده و دعوت کنید و شما زینت بخش اجتماع و شیعیان و ما باشید و موجب ننگ و عار نباشید. بر شما باد به رکوع و سجده طولانی که هر

ص: 126

1- الکافی، ج 2، ص 78، ح 14. بحار الأنوار، ج 67، ص 303، ح 13

2- همان، ص 77. بحار الأنوار، ج 67، ص 299، ح 9

وقت یک نفر از شما رکوع و سجده خود را طول دهد شیطان ناله و فریاد می کند و می گوید: ای وای! این شخص اطاعت خدا نمود و من معصیت و مخالفت نمودم. این شخص سجده کرد و من ابا و امتناع کردم.»

در روایت یادشده، تأکید شده که تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم السّلام باید با عمل همراه باشد تا تأثیر آن بسیار بیشتر است. بدین خاطر، مبلغ باید با تقوا و دارای اخلاق حسنه، قلب های مخاطبان را به خود جذب نماید و بعد موضوع های مورد نیاز را عرضه کند. اگر مبلغی با عملکرد بد و اخلاق سوء خود سبب انزجار کسی از وی شود، کلام وی در او اثر نخواهد کرد.

ص: 127

بعد از غیبت امام مهدی علیه السَّلام، مردم باید برای سؤالات دینی و دیگر امور خود به وارثان و مراجع و علماء راستین مراجعه کنند زیرا ایشان نماینده ائمه علیهم السَّلام و حافظان دین خدا هستند. وقتی بدعت ها در میان مردم منتشر شود، بر عالم دین لازم است که در عرصه حضور یابد و دین مردم را حفظ کند.

علماء، طلابه داران حرکت امامان معصوم علیهم السَّلام در سراسر عالم

«الإمام علی علیه السَّلام: إِنَّمَا الْمُسْتَحْفَظُونَ لِدِينِ اللَّهِ هُمُ الَّذِينَ أَقَامُوا الدِّينَ وَنَصَرُوهُ، وَحَاطُوهُ مِنْ جَمِيعِ جَوَانِبِهِ، وَحَفِظُوهُ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ وَرَعَوْهُ؛»

امام علی علیه السَّلام می فرماید: حافظان دین خداوند، کسانی اند که دین را به پا می دارند و یاری می رسانند و به تمام جوانب آن، احاطه دارند و آن را برای بندگان خدا حفظ و مراقبت می کنند. (1)

عالمان دین، سگان داران کشتی هدایت شیعه

«عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلامُ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلامُ لَوْ لَا مَنْ يَبْقَى بَعْدَ غَيْبَةِ قَائِمِنَا عَلَيْهِ السَّلامُ مِنَ الْعُلَمَاءِ الدَّاعِينَ إِلَيْهِ وَالدَّالِّينَ عَلَيْهِ وَالدَّابِّينَ عَنْ دِينِهِ بِحُجَجٍ

ص: 129

اللَّهِ وَالْمُنْقِذِينَ لِصُدَّ عَفَاءِ عِبَادِ اللَّهِ مِنْ شِبَاكِ إِبْلِيسَ وَ مَرَدَّتِهِ وَ مِنْ فِخَاخِ التَّوَاصِبِ لِمَا بَقِيَ أَحَدٌ إِلَّا اِزْتَدَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ لَكِنَّهُمْ الَّذِينَ يُمَسِكُونَ
أَزِمَةَ قُلُوبِ ضُعَفَاءِ الشُّعْبَةِ كَمَا يُمَسِكُ صَاحِبُ السَّفِينَةِ سُكَّانَهَا أَوْلَيْكَ هُمْ الْأَفْضَلُونَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ» (1)

حضرت علی بن محمد علیه السَّلَام (امام هادی علیه السَّلَام) می فرماید: اگر کسی پس از غیبت قائم ما (امام زمان علیه السَّلَام) از علماء و دانشمندان که دعوت کننده و مبلغ بسوی او و هدایت کنندگان بسوی او هستند و به وسیله حجت ها و راهنمایان خدا (أئمه معصومین علیهم السَّلَام) مدافع و سپر دین و آیین او، و نجات دهنده بندگان ضعیف و ناتوان خدا را از دام های شیطان و ارادت مندان و پیروان او از تله های دشمنان باقی نبوده و همیشه نباشد هر آینه کسی باقی نمی ماند مگر آن که از دین خدا دست برداشته و باز می گردد و لیکن علماء و دانشمندان کسانی هستند که مهارهای دل های ضعفا و ناتوانان شیعه و پیروان (ما) را (از گمراه شدن) نگاه می دارند، چنان که کشتیبان سگان کشتی را به هر سویی بخواهد می برد نگاه می دارد، آنان نزد خدای توانا و بزرگ فضیلت داشته و (از دیگران) برترند.»

علماء، امین خداوند بر خلق

«قال رسول الله صلى الله عليه واله و سَلَّمَ : الْعُلَمَاءُ أُمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ؛» (2)

پیامبر صلی الله علیه واله و سَلَّمَ فرمود: دانشمندان امین خدا بر آفریدگان اویند.»

ص: 130

1- بحار الأنوار، ج2، ص6، ح12

2- كنز العمال، ح 28675؛ میزان الحکمة، ج3، ح 2088

وجوب حضور مؤثر علما در تمام عرصه های بین المللی مرتبط با اسلام

«علل الشرائع عن یونس بن عبد الرحمن: رُوينا عن الصادقين عليهم السلام أنهم قالوا: إذا ظهرت البدع فعلى العالم أن يظهر علمه؛ فإن لم يفعل سلب منه نور الإيمان؛»

علل الشرائع - به نقل از یونس بن عبدالرحمان - از امامان راستین علیهم السلام برای ما روایت شده که فرمودند: «هر گاه بدعت ها پدیدار شوند، بر عالم است که علمش را آشکار سازد، که اگر چنین نکند، نور ایمان از او سلب می گردد.»⁽¹⁾

علما، هدایت کنندگان اهل زمین

«قوله صلى الله عليه واله وسلم: إنَّ مَثَلَ الْعُلَمَاءِ فِي الْأَرْضِ كَمَثَلِ النُّجُومِ فِي السَّمَاءِ يُهْتَدَى بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ فَإِذَا طُمِسَتْ أَوْشَكَ أَنْ تَضِلَّ الْهُدَاةُ»

(2)

پیامبر صلی الله علیه واله و سلم می فرماید: مثل عالمان در زمین، همچون مثل ستارگان است در آسمان، که در تاریکی های خشکی و دریا به وسیله آنها به راه درست می توان رسید و چون غروب کنند چه بسا راه یافتگان به گمراهی افتند.»

ص: 131

1- علل الشرائع، ص 235، ج 1، عیون أخبار الرضا، ج 1، ص 113، ح 2، رجال الکشی، ج 2، ص 786، ح 946، الغيبة للطوسی، ص 64، ح 66، بحار الأنوار، ج 48، ص 252، ح 1
2- بحار الأنوار، ج 2، ص 25، ح 85

فکر و ایده فقیه در هدایت مردم، جهانی است

«قَالَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَبَيَّنَهُ وَاحِدٌ يُنْفِذُ يَتِيمًا مِنْ أَيْتَامِنَا الْمُنْقَطِعِينَ عَنَّا وَعَنْ مُشَاهِدَاتِنَا بِتَعْلِيمِ مَا هُوَ مُحْتَاجٌ إِلَيْهِ أَشَدُّ عَلَى إِبْلِيسَ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ لِأَنَّ الْعَابِدَ هُمُهُ ذَاتُ نَفْسِهِ فَقَطُّ وَهَذَا هُمُهُ مَعَ ذَاتِ نَفْسِهِ ذَاتُ عِبَادِ اللَّهِ وَإِمَانِهِ لِيُنْفِذَهُمْ مِنْ يَدِ إِبْلِيسَ وَمَرَدَّتِهِ فَذَلِكَ هُوَ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ وَ أَلْفِ عَابِدَةٍ» (1)

از امام کاظم علیه السلام نقل است که فرمودند: فقیهی که در پی نجات یتیمی از ایتما- که نه ما را دیده و نه به ما دست رسی دارد- بر آید، و او را در حدّ نیازش آموزش دهد، [تحمل و صبر یک فقیه] بر ابلیس سخت تر از هزار عابد است، زیرا فرد عابد فقط برای نجات خودش تلاش می کند، ولی فقیه علاوه بر خود به فکر تمام بندگان خدا می باشد، تا آنان را از دست ابلیس و یارانش نجات دهد، به همین خاطر [مقام او] نزد خداوند از هزار هزار زن و مرد عابد برتر است.»

علمای شیعه، نور هدایت جهانیان در عصر غیبت

«الإمام الباقر عليه السلام: شيعتنا المُنذرون في الأرض، سُرُجٌ وَعَلَامَاتٌ وَنورٌ لِمَنْ طَلَبَ مَا طَلَبُوا، وَقَادَةٌ لِأَهْلِ طَاعَةِ اللَّهِ، شَهَدَاءٌ عَلَى مَنْ خَالَفَهُمْ مِمَّنِ ادَّعَى دَعْوَاهُمْ، سَكَنٌ لِمَنْ أَتَاهُمْ، لُطْفَاءٌ بِمَنْ وَالَاهُمْ، سَمَحَاءٌ، أَعْقَاءٌ، رُحَمَاءٌ. فَذَلِكَ صِدْقُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ»

ص: 132

امام باقر علیه السّلام می فرماید: شیعیان ما بیم دهندگان در زمین اند، و برای آنان که خواسته هایشان با ایشان یکسان است، چراغ ها و نشانه ها و نورند، و برای طاعت کنندگان خداوند، رهنمایند، و بر مخالفان شان که [به گزاف] ادعایی چون ادعای آنان دارند، گواه اند، و مایه آرامش کسانی اند که نزدشان آیند، و با دوستان خود، با لطف و با گذشت اند، و خویشان دار و مهربان اند. توصیف آنان در تورات، انجیل و قرآن بزرگ، این چنین است؛ (1)

علماء مدافعان شیعه از شرّ شیطان

«قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عُلَمَاءُ شَيْعَتِنَا مُرَابِطُونَ بِالثَّنْغِ الَّذِي بِلَىٰ إِبْلِيسَ وَعَفَارِيَّتُهُ، يَمْنَعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَىٰ ضِدِّ عَفَاءِ شَيْعَتِنَا، وَعَنْ أَنْ يَتَسَلَطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَشَيْعَتُهُ النَّوَاصِبُ، أَلَا فَمَنْ اتَّصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شَيْعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَالتُّرْكَ وَالْخَزَرَ أَلْفَ أَلْفٍ مَرَّةٍ لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنْ أَدْيَانِ مُجِبِّينَا، وَذَلِكَ يَدْفَعُ عَنْ أَسْبَابِهِمْ.» (2)

از امام صادق علیه السّلام نقل است که می فرماید: علمای شیعه ما همچون مرزداران، مانع یورش شیاطین به شیعیان ناتوان شده، و جلوی غلبه ناصبان شیطان صفت را می گیرند، پس بدانید هر که این گونه در مقام دفاع از شیعیان ما بر آید، فضیلتش از جهاد کننده با روم و ترک و خزر، هزاران بار بیشتر است، زیرا آن از کیش پیروان ما دفاع می کند و این از جسم آنان»

ص: 133

1- دعائم الإسلام، ج 1، ص 65

2- بحار الأنوار، ج 2، ص 5، ح 8

در این تحقیق، برخی از آیات و روایاتی که بیانگر رسالت بین المللی حوزه های علمیه در عرصه تبلیغ، پژوهش و آموزش بود بیان شد و بی تردید آیات و روایات دیگری نیز ممکن است در این باره باشد. با توجه به رسالت جهانی قران، رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام، حوزه های علمیه که عهده دار ترویج افکار و عقاید ایشان هستند حوزه های علمیه و علما و مبلغان دینی نیز باید اندیشه های خود را به جهان عرضه کرده تا حجت بر تمام مردم سراسر دنیا تمام شود. اگر حوزه های علمیه اندیشه های خود را متناسب با عرصه بین الملل مطرح کنند و نیازهای تمام مردم دنیا را لحاظ نمایند، سبب خواهد شد که مردم و مخاطبان جهانی با هر دین و مذهبی، از ثمره اندیشه های آنها بهره مند شوند و در نهایت، قلب های آنها به مکتب اهل بیت علیهم السلام متمایل می شود. اما اگر اسباب ارئه این اندیشه ها فراهم نشود، مخاطبان مشتاق و تشنه حقیقت در سراسر جهان به سراغ اندیشه های باطل خواهند رفت و فریب ظاهر مکاتب باطل را خواهند خورد و از دست یابی به آموزه های اصیل اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام باز خواهند ماند.

- قرآن كريم، ترجمه آيت الله العظمى مكارم شيرازى دامت بركاته و محمد مهدي فولادوند.

- نهج البلاغه، سيد رضى، ترجمه صبحى صالح.

1. الأمالى، الشيخ الصدوق، قسم الدراسات الاسلاميه، مؤسسه البعثة، قم، الطبعة الاولى، قم 1417.ق

2. مناقب آل أبى طالب، ابن شهر آشوب، التحقيق لجنة من أساتذة النجف الاشرف، المجلدات 3، مطبعة الحيدرية، النجف الاشرف 1376ش

3. روضة الواعظين، محمد بن الفتال النيسابورى، التحقيق للسيد محمد مهدي السيد حسن الخرساني، منشورات الرضى، قم

4. الكافي، ثقة الاسلام ابى جعفر محمد بن يعقوب بن اسحاق ملقب بشيخ الكليني، التحقيق: على اكبر غفارى، مجلدات 8، المطبعة حيدري، دار الكتب الاسلاميه، الطبعة الثانية، 1389. ق 1348ش

5. الامالى، محمد بن الحسن الطوسى، التحقيق: قسم الدراسات الاسلاميه، مؤسسة البعثة، دار الثقافة، الطبعة الاولى، قم.

6. كنز العمال، المتقى الهندي، التحقيق للشيخ بكرى حيانى و الشيخ صفوة السقا، المجلدات 16، مؤسسة الرسالة، بيروت، لبنان.

7. مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر بن محمد تقى مجلسى، التحقيق: سيد هاشم رسولى محلاتى، المجلدات 26، دار الكتب الإسلامية.
8. منية المرید فى ادب المفید و المستفید، الشهيد الثانى، التحقيق رضا المختارى، مكتب الاعلام الاسلامى، الطبعة الاولى 1409. ق 1368. ش
9. بحار الانوار، محمد باقر المجلسى، المجلدات 110، موسسه الوفاء، الطبعة الثانية المصححة 1403. ق، بيروت، لبنان.
10. كشف الغمّة فى معرفة الأئمّه، على بن عيسى بن أبى الفتح الاربيلى، المجلدات 3، دار الاضواء بيروت، الطبعة الثانية، 1405 ق
11. ذبائح اهل الكتاب، الشيخ المفيد، تحقيق الشيخ مهدى نجف، المؤتمر العالمى لألفية الشيخ المفيد، مهر.
12. علل الشرايع، الشيخ الصدوق، المجلدات 2، المكتبة الحيدرية فى النجف، 1386 ق
13. عيون أخبار الرضا، الشيخ الصدوق، المجلدات 2، التحقيق: الشيخ حسين الاعلمى، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، بيروت، الطبعة الاولى 1404 ق
14. الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، الشيخ المفيد، المجلدات 2، مؤسسة آل البيت لتحقيق التراث، دار المفيد.
15. الاحتجاج، احمد بن على الطبرسى، التحقيق: السيد محمد باقر الخرسان، مجلدات 2، منشورات دار النعمان للطباعة و النشر.
16. التفسير العياشى، النضر محمد بن مسعود بن عياش السلمى السمرقندى، تحقيق: الحاج السيد هاشم الرسولى المحلاتى، المجلدات 2، المكتبة العلمية الاسلامية، تهران.
17. مكارم الاخلاق، الحافظ، ابى بكر عبداللّه بن عبيد بن أبى الدنيا، التحقيق:

18. الخصال، الشيخ الصدوق، التحقيق: على اكير الغفارى، الناشر: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية.
19. سليم بن قيس الهلالي، ابوصادق سليم بن قيس الهلالي العامري الكوفي، التحقيق: الشيخ محمد باقر الانصارى الزنجاني الخوينى.
20. كامل الزيارات، الشيخ الجليل جعفر بن محمد بن قولويه القمى، تحقيق: الشيخ جواد القيومى لجنة التحقيق، الطبعة الاولى 1417ق، المطبعة مؤسسة النشر الاسلامى، الناشر مؤسسة نشر الفقاهة.
21. الغيبة، محمد بن ابراهيم النعمانى، التحقيق: على اكير الغفارى، مكتبة الصدوق، تهران.
22. تفسير القمى، ابي الحسن على بن ابراهيم القمى، مصحح: السيد طيب الجزائرى، المجلدات 2، الطبعة الثالثة 1404ق، المطبعة مؤسسة دار الكتاب نجف، مؤسسة دار الكتاب قم
23. دلائل الامامة، المحدث الشيخ ابي جعفر محمد بن جرير بن رستم الطبرى (شيعى)، تحقيق: قسم الدراسات الاسلاميه، مؤسسة البعثة، الطبعة الاولى 1413ق، قم.
24. سنن الترمذى، محمد بن عيسى الترمذى، التحقيق: عبدالرحمن محمد عثمان، المجلدات 5، الطبعة الثانية 1403ق، دارالفكر، بيروت.
25. كنز العمال، المتقى الهندى، التحقيق: الشيخ بكرى حيانى، الشيخ صفوة السقا، المجلدات 16، مؤسسة الرسالة، بيروت، لبنان.
26. صحيح البخارى، محمد بن اسماعيل البخارى، المجلدات 8، طبعة بالافست عن طبعة دار الطباعة العامرة باستانبول 1401. ق، دارالفكر، بيروت.
27. الزهد، الحسين بن سعيد الكوفى الاهوازى، التحقيق: ميرزاغلامرضا

28. عيون الحكم والمواعظ، على بن محمد الليثى الواسطى، التحقيق: حسنين الحسنى البيرجندى، دار الحديث، الطبعة الاولى، 1376ش.
29. غررالحكم، التحقيق: عبدالواحد بن محمد تميمى آمدى، مصحح: سيد مهدي رجايى، دار الكتاب الإسلامى.
30. سنن ابن ماجه، محمد بن يزيد القزوينى، التحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي، المجلدات 2، دارالفكر، بيروت.
31. مناقب آل ابي طالب، ابن شهر آشوب، التحقيق: لجنة من أساتذة النجف الاشرف، المجلدات 3، المطبعة محمد كاظم الحيدرى، مطبعة الحيدرية، النجف الاشرف.
32. تاريخ الامم والملوك، ابن جرير الطبرى، تحقيق: نخبة من العلماء الاجلاء، المجلدات 8، مؤسسة الاعلمى، بيروت.
33. مكاتيب الرسول، على بن حسين على الاحمدى الميانجى، الطبعة الاولى 1419ق، المجلدات 3، دار الحديث.
34. التفسير، المنسوب إلى الامام ابي محمد الحسن بن على العسكرى، تحقيق: مدرسة الامام المهدي، الطبعة الاولى 1409ق، المطبعة مهر قم المقدسة
35. الاحتجاج، احمد بن على الطبرسى، تحقيق: السيد محمد باقر الخراسان، المجلدات 2، منشورات دار النعمان للطباعة والنشر.
36. مناقب الامام أمير المؤمنين، محمد بن سليمان الكوفى القاضى التحقيق: الشيخ محمد باقر المحمودى، الطبعة الاولى، 1412ق، المجلدات 2، مجمع احياء الثقافة الاسلامية
37. تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبة الحرانى، التحقيق: على اكبر

الغفارى، الطبعة الثانية 1363. ش 1404ق، مؤسسة النشر السلامى لجماعة المدرسين.

38. عيون أخبار الرضا، الشيخ الصدوق، التحقيق: الشيخ حسين الاعلمى، المطبعة: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، بيروت، الطبعة الاولى 1404ق، المجلدات 2.

39. روضة الواعظين، محمد بن الفتال النيسابورى، التحقيق: السيد محمد مهدي السيد حسن الخرخسان، منشورات الرضى، قم.

40. بصائر الدرجات الكبرى، محمد بن الحسن بن فروخ الصفار، تحقيق: ميرزا محسن كوچه باغى، المطبعة الاحمدى، 1362ش 1404ق، مؤسسة الاعلمى، تهران.

41. اختيار معرفة الرجال، الشيخ الطوسى، المجلدات 2، 1404ق، المطبعة بعثت، مؤسسة آل البيت، قم.

42. مستدرک سفينة البحار، شيخ على النمازى الشاهرودى، تحقيق: الشيخ حسن بن على النمازى، المجلدات 10، الطبعة 1419. ق، مؤسسة النشر الاسلامى لجماعة المدرسين، قم.

43. أعيان الشيعة، محسن امين، 1345. ق 1386ش، اسلاميه.

44. أسد الغابة، المعروف بابن الاثير، المجلدات 5، انتشارات اسماعيليان، تهران.

45. الطبقات الكبرى، ابن سعد، المجلدات 8، دار صادر بيروت.

46. ميزان الحكمة، محمد رى شهرى، تحقيق: دار الحديث، الطبعة الاولى، المجلدات 4، دار الحديث.

47. مسند أحمد، الامام أحمد بن حنبل، المجلدات 6، دار صادر، بيروت.

48. مجمع البيان فى تفسير القرآن، امين الاسلام أبى على الفضل بن الحسن

الطبرسى، تحقيق: لجنة من العلماء و المحققين الاخصائيين، المجلدات 10، الطبعة الاولى 1415. ق، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، بيروت.

49. الدر المنثور، جلال الدين السيوطي، الطبعة الاولى 1407ق، المجلدات 6 المطبعة الفتح، دار المعرفة، جدة.

50. كمال الدين و تمام النعمة، الشيخ الصدوق، التحقيق: صححه و علق عليه على اكبر الغفارى، 1405. ق، مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين.

51. تاريخ مدينة دمشق، ابن عساكر، تحقيق: على شيرى، المجلدات 70، 1415ق، دار الفكر.

52. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، المحقق النورى الطبرسى، التحقيق: مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، المجلدات 18، الطبعة الثانية 1409. ق، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث.

53. التبليغ فى الكتاب والسنة، محمد الرى شهري، بمساعدة السيد حمد الحسينى، المطبعة الثالث 1428. ق 1386ش، دار الحديث، قم.

54. كتاب سليم بن قيس الهلالي (اسرار آل محمد)، أبوصادق سليم بن قيس الهلالي العامرى الكوفى، التحقيق: الشيخ محمد باقر الانصارى الزنجانى الخوئىنى

ص: 140

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

